

کتابخانه

عَجَلَكِ اللَّهُمَّ الْعَالِي
فَرَجَمُ الشَّرِيفِ

قصایں المہدی

♦ مؤلف: عطیہ صادق کوہستانی



عظیم

۱۱

عطیہ صادق کوہستانی

صادق کوهستانی، عطیه،

خصائص المهدی

عطیه صادق کوهستانی، قم، نسیم حیات، ۱۳۸۶ چاپ اول
۲۰۷ ص

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۲-۳۲۷-۲

قیمت: ۲۲۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا:

۱. خصائص المهدی

الف. عنوان

۹ ک ۴ خ / BP۲۲۴

۱۳۸۶

۲۹۷/۴۶۳



دنیای شگفت انگیز جن

طاهره فاکریزی	تهیه و تنظیم:
نسیم حیات	ناشر:
۱۳۰۰۰	تیراژ:
جعفری	چاپ:
فاطمه تیموری	صفحه آرا:
نوبت اول / ۱۳۸۶	نوبت و سال چاپ:
۱۳۰۰۰ ریال	قیمت:
۹۷۸-۹۶۴-۴۹۲-۳۲۷-۲	شابک:

مرکز پخش: قم، بلوار سمیه، خیابان شهیدین، پلاک ۸۷

تلفکس: ۰۲۵۱-۷۷۴۹۵۳۴ و تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۹۷۵۰-۲

فهرست:

مقدمه	۷
فصل اول: مهدی	۱۱
فصل دوم: خصوصیات جسمی و اخلاقی مهدی موعود	۱۹
فصل سوم: سیره مهدی موعود <small>علیه السلام</small>	۲۹
فصل چهارم: نشانه‌های ظهور قبل از ظهور	۳۵
فصل چهارم: کارهای اساسی امام عصر <small>علیه السلام</small> در بعد از ظهور	۴۷
فصل پنجم: امام زمان <small>علیه السلام</small> و دعاها و استخاره‌ها	۶۳
فصل ششم: خصوصیات یاران امام زمان <small>علیه السلام</small>	۷۵
فصل هفتم: کرامات مهدی موعود <small>علیه السلام</small>	۸۷
فصل هشتم: میراث پیامبران و امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۰۷
فصل نهم: زیارت‌ها	۱۲۹
فصل دهم: شفا یافتگان و نجات یافتگان امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۷۵
فصل یازدهم: منتخبی از اشعار برای صاحب الامر و الزمان <small>علیه السلام</small>	۱۸۷

مقدمه

از جمله وظائف و مسؤولیت‌های هر انسان موحد شناخت پروردگار هستی و ایمان و اعتقاد به وحدانیت حضرت حق جل جلاله می‌باشد و این امر میسر نخواهد شد مگر با شناخت فرستادگان و حاملان رسالت و پیامبران الهی به خصوص خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی ﷺ و جانشینان آن حضرت از حضرت علی بن ابی‌البخاری تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انسان در پرتو شناخت ائمه اطهار علیهم السلام و پیامبران الهی می‌تواند مسیر سعادت و تکامل را طی نمود. و با امید و نشاط زندگی کند دنیای غرب شاید از نظر اقتصاد، صنعت و... پیشرفت‌هایی داشته باشد اما تنها چیزی که آنها را رنج می‌دهد



خطب رسال

و در مواقع نگرانی‌ها و مشکلات تکیه‌گاه و پناهگاهی ندارد عدم شناخت پروردگار یکتا و فرستادگان خداوند تعالی و هدف آفرینش است و به همین خاطر زود ناامیدی به سراغ‌شان آمده و آنها را از پا می‌اندازد. مسلمانان بزرگترین تکیه‌گاه شان ذات اقدس الهی است که در تمام مشکلات به ذات کبریایی او پناه می‌برند و از او استمداد می‌جویند و خداوند متعال نیز بندگانش را رها نکرده و با ارسال رسل آنها را هدایت و راهنمایی کرده است و پس از پیامبران الهی خاتم انبیا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با دینی کامل و جامع راههای سعادت را به بندگان خدا نشان داده و از پس او جانشینان آن حضرت انوار هدی این رسالت را یکی پس از دیگری به سر منزل مقصود رسانده‌اند که آخرین آنها حضرت مهدی موعود علیه السلام می‌باشد چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام رحلت‌شان فرمودند: من شما را ترک می‌کنم و دو چیز گرانبها را در میان شما به امانت می‌گذارم کتاب خدا و عترتم که آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام امام غایب شیعیان می‌باشد، اعتقاد به مهدویت و ظهور آن حضرت نوری از امید در دل انسان‌ها ایجاد می‌کند، هم او که با ظهورش جهان را پر از عدل و داد می‌کند ریشه‌ی ظلم و ستم را می‌سوزاند، و بندگان خدا در روی زمین به راحتی زندگی می‌کنند



و بر استکبار و ستم پیروز می‌شوند. خداوند هیچ‌گاه زمین را از محبت خالی نمی‌گذارد بنابراین هر انسان عاقل لازم است امام زمان خود را بشناسد حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بمیگرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است و بهترین راه برای شناخت امام زمان علیه السلام مطالعه در احوال آن حضرت با تمسک به منابع غنی و روایات وارده از حضرات معصومین علیهم السلام می‌باشد. در دینای کنونی که فساد و فحشا و ظلم و تبعیض و ناعدالتی از سوی استکبار جهانی مرزهای نوجوانان و جوانان را نشانه گرفته است بهترین تکیه‌گاه توسل به ائمه اطهار علیهم السلام و حضرت مهدی علیه السلام است که انتظار آن حضرت در روایات از افضل عبادات شمرده شده است. کتاب حاضر تلاشی در این راستا که نوجوانان و جوانان عزیز بتوانند با مطالعه در احوال آن حضرت با عشق و علاقه‌ی بیشتر ظهور آن حضرت باشند. امید است مورد قبول پروردگار متعال باشد.

عطیه صادق کوهستانی

قم - ۸۵/۱۱/۲۹

فصل اول: مهدی

۱- سلام بر مهدی

سلام و درود بر بهار انسانها و شکوفایی دورانها، یعنی آنکه با ظهورش فجر نور شکافته و همه جا نور باران می شود. عدل و مساوات همه گیر شده و نابسامانی ها در تمام محورهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... از میان خواهد رفت، جهل ها و ستم ها رخت خواهد بست، عقل ها و دانش ها به کمال خواهد رسید و زندگیها، با طراوت و انسانها با صفا خواهند شد.

سلام و درود بر کسی که نامش، نام بهترین انسان روی زمین و کنیه اش، کنیه بهترین مخلوق دنیا می باشد، سلام بر او و بر آباء و اجداد پاکش که بهترین و بی نظیرترین آباء و اجداد می باشند، سلام



خطبہ عیسیٰ

بر کسی که همچون عیسی در آغوش مادر لب به سخن گشود و ستایش احدیت را نمود. و همچون یوسف از زیبایی و نورانیت خاص برخوردار بود، سلام و درود بر خاتم اوصیاء، مفخر اولیاء، کوکب فروزان آسمان ولایت و تنها باقیماندهٔ خاندان عصمت علیهم السلام که با قیام خود، آخرین حلقه از حلقات مبارزهٔ حق و باطل را به پایان برده و کاخ‌های ستم و کنگره‌های بیداد را برای همیشه در هم کوبیده و آنچه غایب بعثت انبیاء و کوشش اولیاء بوده در جامعه محقق خواهد بخشید. سلام و درود بر بزرگ انقلابی تاریخ بشریت که با انقلاب بی نظیرش، بساط ستم و ستمگر را در جهان برچیده و بر حکومتها و نظام‌های باطل خاتمه داده و بیدادگران و ستم‌گران و ستم‌پیشگان را برای ابد در زباله‌دان تاریخ دفن نموده و پرچم عدالت و رحمت را بر بسیط زمین برافراشته و حکومت عدل را جایگزین حکومت جور خواهد بود.

و سلام و درود بر انبیاء و اولیایی که از ظهور و قیام و حکومت جهانی او نوید داده و انتظار قدوم مبارکش را به رهروانشان توصیه نموده‌اند، سلام و درود بر رهروان و شیفتگان و دلباختگان او که حتی یک لحظه از لحظات زندگی، از یاد او غافل نبوده و برای



رسیدن به وصال دلربایش از هیچ سعی و کوششی دریغ نمی‌ورزند و افتخار زیارت او با سلطنت بر زمین و زمان مبادله نمی‌کنند.

۲- تنهایی

تنهایی مانند خورشیدی در قطب است که گرما می‌دهد، اما گرمایش سرمای قطب را از وجود زمین نمی‌زداید، تنهایی مشعلی بی شعله است، تنهایی چراغی است اما بی نور، یا عشقی بی هدف و غروبی بی طلوع و یا درختی بی ثمر و یا قلبی بی تپش. چه گونه تنهایی را وصف کنم که آن غروب غم‌ها غمگین‌تر است! به من بگو که چگونه رفع تنهایی کنم؟ دوست دارم تا زمانی که عشق در وجودم نجوا می‌کند! خالصانه احساسم را نثار می‌کنم، تا زمانی که قلبم می‌تپد همیشه یادت می‌کنم و به انتظارت هستم، تا زمانی که چشمی برای انتظار باشد!

زمانی سر به سجاده می‌گذارم که تو معشوقه‌ام باشی، موقعی آرام می‌گیرم که تو ظهور کنی. لحظه‌ای شاد می‌گردم که تو در اوج خوشحالی پرواز نمایی زمانی لبخند می‌زنم که شادی را در چشمان تو بینم و زمانی جان تازه می‌گیرم که تو با آمدنت پرده

تنهایی مرا پاره نمایی و انیس و مونس و روحم گردی با تمام احساسم می گویم، دوستت دارم!

۳- نیمه‌ی پنهان

همه جا سخن از توست، برای هیچ کس غریبه نیستی، همه جا نقل مجالس و همه برای تو دعا می کنند، از بزرگترها بهتر کودکان تو را می شناسند و از اینکه نامشان مهدی است، به خود می بالند و افتخار می کنند، همه جا برای تو می گریند و می خواهند چشمانشان به جمالت روشن و منور شود، همه می خواهند تا لحظه آخر عمرشان هم شده سر بر بالین تو بگذارند و چشم از جهان فرو بندند، همه امیدوارند که تو از آنها راضی باشی و امضای قشنگت را زیر نامه اعمالشان به تصویر بکشی، نامت در همه حال دل عاشقان را می لرزاند و همه را ناخودآگاه به سوی تو می سازد، تو همانند خورشیدی هستی که در پشت ابر نهان شده ولی برکاتش را بر انسانها و موجودات نازل می سازد، تو همان نیمه‌ی پنهانی هستی که در همه جا حضور داری! ولی گناه انسانها

مانع از درک حضور با برکت تو می‌شود، تو همان غریبه‌ی آشنایی هستی که همه تو را می‌شناسند ولی به جا نمی‌آورند، تو کسی هستی که نامت بر دریچه قلبهای عاشق حک شده و با بردن نامت قلبها آهنگ عشق می‌زنند و بی‌تابی می‌کنند، پس امید دارم روزی نیمه گمشده تو را پیدا کنیم و پرده از رخت بکشیم و سیمای یوسفی تو را ببینیم، پس رخ بنمای و یاریمان کن تا جسممان آرام گیرد و اعضا وجودم که از انتظار تو نهیف شده بود دوباره روح و جان بگیرد و زندگی را از سر بگیرد.

۴- بی قراری

سالهاست که پشت پنجره انتظار نشسته‌ام و با بی قراری، روزهای زندگی را پشت سر می‌گذارم، امید بود و نبود برایم یکسان شده، رفتن یا ماندن برایم فرقی ندارد و همچون غروبی غم گرفته، به دنبال روشنایی می‌گردم و از ثمره‌ی انتظارم، تنها عکس خیالی تو را به یادگار دارم. شاهد مرگ خویشتن در خود هستم که چگونه انتظار مرا از پا درآورده و اعضای وجودم چگونه در اضطراب و دلتنگی، راه زندگی را پیش گرفته است! هر چه از عمرم می‌گذرد، افسوس می‌خورم که بی تو راه می‌پیمایم و بی تو روزگار را

سپری می‌کنم. دلم از عالم گرفته وای بر من که با گناه تو را از خود دور کردم و حال بی قرار توأم! اکنون چگونه محفل عشق را نورانی سازم که دل جای دیگر و جسم به اندوه زمانه گرفتار است؟ اگر تو نیایی، یا ردّ پایی از خود به جا نگذاری، می‌میرم، آن وقت چه کسی می‌تواند دلیل مرگم را به زمانه بگوید و یا چه کسی می‌فهمد که من از فراق تو جان سپردم؟ اگر تو نیایی، زمانه خاموش می‌ماند و شمع و پروانه هر دو می‌میرند تو می‌دانی که من از فراق چه‌ها کشیده‌ام، باز هم تعلق می‌کنی و نمی‌آیی؟

کاش قطره اشکی بودم که در چشمانت به دنیا می‌آمدم و بر پای پلک هایت جان می‌دادم! من هنوز به دنبال نیمه‌ی گمشده وجودم هستم. هنوز تو را کامل نشناختم.^۱

در نگاه مهربان تو، عشق به معنای زندگی است و عاشقی در واژه‌ی زیبایی تو به معنای پرستش است.

روزها و سال‌هاست که در خاطره‌های وجود نقش بسته‌ای و همه با خاطره‌های خیالی تو زندگی می‌کنند. هر روز به یاد تو عشقشان را برای گدایی قطره‌ای از محبتت به در خانه ات می‌فرستند و

(۱) در فراق بقية الله، سمیه کاظمیان

امیدوارنه که در به رویشان باز کنی و امیدشان را ناامید ننمایی.

۵- درود بر منتظران خورشید

درود بیکران به منتظرانی که به نوید غیر قابل تغییر انبیا و اولیا، مبنی بر آمدن «مصلح جهانی» امید دوخته اند.

به منتظرانی که برای طلوع فجر حماسه آفرین «خورشید جهان افروز موعود امم در بلندای قله‌های بیداری، به انتظار نشسته‌اند.»

به منتظرانی که در تاریکی‌های استبداد و ظلمت بیدار در انتظار سپیده نور عدالت، لحظه شماری می‌کنند.

به منتظرانی که در زیر فشار هوای کشنده اختناق، برای وزیدن نسیم حیات بخش آزادی، دل خوش کرده اند.

به منتظرانی که در تیرگی‌هایی چپاول غارتگران بین المللی، قلبهای خود را به فرا رسیدن روز رهایی و پایان دوران استعمار و استثمار، بشارت داده‌اند، به منتظرانی که در برابر سیل خروشان فساد و بی بندوباری همانند فولاد، مقاومت نموده و خم به ابرو نمی‌آوردند.^۱

فصل دوم: خصوصیات جسمی و اخلاقی مهدی موعود

۱- شکل و شمایل امام زمان علیه السلام

او دوازدهمین یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله است که دارای چشمان سیاه و ابروهای به هم پیوسته و بینی بلند و قلمی، ریش انبوه و خال هاشمی در گونه صفات حضرت موسی در درخشندگی راست و به صورت جوانی چهل ساله می باشد، صورت مبارکش همچون ماه شب چهارده و رنگ صورتش عربی و گندم گون است قد نازینش بلند و او طاووس اهل بهشت است و کمال و آراستگی و زیبایی حضرت عیسی در او نقش بسته است، در زیبایی همچون یوسف یعقوب کم نظیر و گونه هایش همچون گل محمدی قرمز



خطبایم

می باشد. او در قیافه و شکل و شمایل شبیه ترین مردم به ختمی مرتبت می باشد. او سینه باز و گشاده دارد، در هنگام ظهور پیراهن رسول خدا ﷺ را بر تن دارد، نعلین پیامبر را به پا کرده و عمامه رسول خدا را بر سر دارند. چوب دستی و اسب و زین و شمشیر و پیمان رسول خدا ﷺ نزد آن بزرگوار است، پرچم رسول خدا ﷺ را که جبرئیل در روز بدر از بهشت آورد و از برگ درختان بهشت ساخته شده است به دست می گیرند و مغرب و مشرق را روشن می نمایند، انگشتر سلیمان و عصای موسی و صبر ایوب را با خود دارند. علامت های نبوت پیامبر ﷺ در کف آن حضرت بوده جبرئیل در جلو و میکائیل در سمت راست و اسرافیل در طرف چپ و ملائکه پشت سر آن بزرگوار حرکت می کنند و در مقابل آن حضرت فرشته ای می گوید:

این مهدی جانشین خدا است، از او پیروی کنید.^۱

۱) بحار الانوار، ج ۵۲، غیب نعمانی ص ۲۲۰ نور الابصار شبلخی مهدی موعود، محسن امین قمی

۲- غیب شدن مادر مهدی موعود علیہ السلام در بدو تولد ایشان

حکیمه خاتون عمه اما حسن عسکری علیہ السلام می گوید:

در شب نیمه شعبان بود که بردارزاده ام امام حسن علیہ السلام مرا دعوت کرد تا افطار در خانه ایشان بروم من هم افطار به خانه امام رفتم بعد از صرف افطار برادر زاده ام گفت: عمه جان امشب اینجا بمان چرا که امشب خداوند جهان را به نور وجود حجت خویش، نور باران خواهد ساخت.

تا سحر در کنار نرگس خاتون ماندم و دمدمهای صبح بود که نرجس بعد از پایان بردن نماز به خود می پیچید امام عسکری علیہ السلام از اتاق خویش بیرون آمد و به من فرمود: عمه جان برایش سوره مبارکه قدر را تلاوت کن.

من یک چیز عجیبی در آن سحرگاه دیدم و آن این بود که هنوز بچه ای که به دنیا نیامده بود همراه من به تلاوت قرآن پرداخت و سوره مبارکه قدر را با من تا آخرین واژه، تلاوت کرد. از شنیدن نوای دل انگیز قرآن او، هراسان شدم که امام حسن عسکری علیہ السلام مرا صدا کرد و فرمود: «عمه جان! آیا از قدرت الهی شگفت زده شده ای؟ اوست که ما را در خردسالی به بیان دانش و حکمت



حجّت

توانا ساخته و به سخن می‌آورد و در بزرگسالی ما را در روی زمین حجّت خویش قرار می‌دهد چه جای شگفتی است؟!»

هنوز سخن امام عسکری علیه السلام به پایان نرسیده بود که «نرجس» از نظرم ناپدید گردید و گویی حجابی میان من و او، فرو افکنده شد و ما را از هم جدا ساخت در روایت دیگری آمده است که: سپس لحظاتی چند، حالت وصف ناپذیری برایم پیش آمد به گونه‌ای که گویی دستگاه دریافت وجودم از کار افتاده است و نمی‌دانستم در اطرافم چه می‌گذرد به خود آمدم و فریاد زنان و به سرعت، به طرف اتاق امام عسکری علیه السلام دویدم، اما پیش از آنکه چیزی بگویم فرمود: «عمه جان! بازگرد که او را در همانجا خواهی یافت که از برابر دیدگانت ناپدید شد.»

به اتاق «نرجس» بازگشتم دیدم پرده‌ای که ما را از هم جدا ساخته بود، بر طرف شده است، چشمم به آن بانوی گرامی افتاد، دیدم چهره اش غرق در نور است به گونه‌ای که دیدگانم را خیره ساخت و در همین لحظات کودک گرانمایه‌ای را دیدم که در حال سجده است و خدای را ستایش می‌کند.^۱

۱) بحار ج، ۵۲، امام المهدی، آیت الله سید محمد کاظم قزوینی ص ۱۹۱



۳- سجده کردن مهدی موعود در بدو تولد

در سحرگاه نیمه شعبان مرغ عشق حضرت رسول به دنیا آمد در حالی که بر بازوی راست حضرت آیه شریفه

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا^۱

نوشته شده بود او سر بر سجده گذاشته و در سجده خویش می فرمود:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَثِيَّ اللَّهِ

یعنی گواهی می دهم که خدایی جز خدای یکتا، که شریک و همتایی ندارد نیست و نیای گرانقدرم محمد ﷺ پیام آور اوست و پدر و الایم امیرالمؤمنان دوست و جانشین پیامبر خداست.

سپس امامان را یکی یکی شمرد تا به خودش رسید و فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَ أَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَ ثَبِّتْ وَ طَاطِي وَ أَمَلْهُ الْاَرْضِ بِي عَدْلًا وَ قِسْطًا»، خداوند به وعده‌ای که به من داده‌ای وفا کن و امر خلافت و امامت مرا تمام کن، انتقام مرا از دشمنان بگیر و زمین را به سبب من از عدل و داد پر کن.

سپس سر از سجده برداشت و به تلاوت این آیه مبارکه پرداخت.



حکیم

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ^١
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ • إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عِنْدَ اللَّهِ لَا يُغْنِي
 عَنْهُمْ كُفْرُهُمْ وَلَئِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَسِيبٌ^٢
 وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا
 بَيْنَهُمْ^٣ وَمَنْ يَكْفُرْ بِفَايْتَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ^٤

یعنی: خدا گواهی داد و فرشتگان و دانشمندان نیز، که هیچ خدایی
 بر پای دارنده عدل، جز او نیست، خدایی جز او نیست که
 پیروزمند و فرزانه است. بی تردید دین در نزد خدا تنها اسلام
 است.^٢

٤- خصوصیات کودک

حکیمه خاتون فرمود: وقتی مهدی موعود به دنیا آمد و خواستم او
 را نزد پدر بزرگوارش ببرم دیدم او ختنه شده و بند نافش بریده و
 پاک و پاکیزه می باشد و بز بازوی راستش آیه ٨١ سوره مبارکه
 اسراء نوشته شده بود وقتی او را به بغل پدر گرامی اش دادم به پدر
 بزرگوارش سلام کرد، و ابراز ادب نمود و حضرت هم زیانش را
 بر دو دیده مبارک امام زمان علیه السلام مالید و در دهان و هر دو گوشش

(١) آل عمران / ١٨ و ١٩

(٢) منتهی الامال، ج ٢، امام المهدی

زبان گردانید و او را روی دست چپ خود نشاند و دست بر سر او مالید.^۱

۵- سخن گفتن مهدی علیه السلام در بدو تولد

کودک تازه به دنیا آمده را نزد پدر بزرگوارش بردند و ایشان فرمود: هان ای حجت خدا! وای ذخیره انبیاء! وای آخرین اوصیاء سخن بگو! هان ای جانشین همه پروا پیشگان! سخن بگو! آن نوزاد مبارک، نخست به یکتایی خدا و رسالت پیام آورش گواهی داد و ضمن درود فرستادن بر پیامبر، نام امامان نور را، یکی پس از دیگری برشمرد تا به نام پدر بزرگوارش رسید و آنگاه پس از پناه بردن به خدا از شر شیطان این آیه شریفه را تلاوت کرد:

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِزْعُونَ
وَهُمَّنَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْتَدِرُونَ^۲

یعنی: و ما برآنیم که پایمال شدگان روی زمین را نعمتی گران

(۱) منتهی الامال، ج ۲، امام المهدی

(۲) قصص / ۵ و ۶



ارزانی داریم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان می گردانیم و آنان را در آن سرزمین اقتدار بخشیم و به فرعون و هامان و سپاهیان‌ش چیزی را که از آن سخت می ترسیدند، نشان دهیم.^۱

۶- به آسمان رفتن مهدی موعود

وقتی نوزاد نورانی امام عسکری علیه السلام را نزد پدر بزرگوارشان بردند و او بعد از حمد و ستایش خدا و تلاوت کردن آیاتی از قرآن و سلام و صلوات فرستادن بر آباء و اجداد خویش نقل می کنند که در آن هنگام مرغان بسیار نزدیک سر مبارک آن حضرت جمع شدند، ایشان یکی از آن مرغان را صدا زدند و فرمودند: این طفل را بردار و نیکو محافظت کن و هر چهل روز یک مرتبه نزد ما بیاور. آنگاه آن مرغ، آن حضرت را گرفت و به سوی آسمان پرواز کرد و سایر مرغان نیز از پشت سر او پرواز کردند، سپس امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: سپردم تو را به آن کسی که مادر موسی، موسی را به او سپرد، پس نرجس خاتون گریان شد،

۱) داستان ولادت حضرت از منابع متعدد، کمال الدین شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۲۴ و ۴۲۳، معارج ۵۱ ص ۱۳ (۲۸

حضرت فرمود: آرام باش که این کودک از پستانی غیر از پستان تو شیر نخواهد خورد و به زودی آن را به سوی تو بر می گردانند چنانچه حضرت موسی را به مادرش برگرداندند، همان طور که حق تعالی فرموده است: «پس موسی را به سوی مادرش برگردانیم تا دیده مادرش به او روشن گردد.»

حکیمه خاتون پرسید: این مرغ چه کسی بود که صاحب الامر را به او سپردی؟ فرمود: او روح القدس و موکل به ائمه است که ایشان را موفق می گرداند از جانب خدا او از خطا نگاه می دارد و ایشان را به علم زینت می دهد، حکیمه گفت: وقتی چهل روز گذشت به خدمت آن حضرت رفتم وقتی داخل خانه شدم کودکی را در میان خانه دیدم که راه می رفت گفتم: ای سید من! این طفل دو ساله از آن کیست؟ حضرت تبسم کردند و فرمودند اولاد پیغمبران و اوصیای ایشان هر گاه امام باشند برخلاف اطفال دیگر نشو و نما می کنند و یک ماهه ایشان مانند یک ساله دیگران است و ایشان در شکم مادر سخن می گویند و قرآن می خوانند و پروردگار را عبادت می کنند و هنگام شیر خوردن، ملائکه به فرمان



عظیم

ایشان هستند و هر صبح و شام برایشان نازل می‌شوند.
حکیمه خاتون گفت: هر چهل روز یک مرتبه خدمت او می‌رسیدم
تا آنکه چند روزی قبل از وفات آن حضرت او را به صورت مرد
کامل ملاقات کردم و او را شناختم، به امام حسن عسکری علیه السلام
گفتم: این مرد کیست که می‌فرماید نزد او بنشینم؟ ایشان فرمود:
این فرزند نرجس و خلیفه بعد از من است و به زودی من از میان
شما می‌روم، باید سخن او را قبول کنی و امر او را اطاعت کنی.^۱

۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳ / اثبات الهداة ج ۶ / مهدی موعود، ص ۹۳

فصل سوم: سیره مهدی موعود علیه السلام

۱- سیره مهدی موعود علیه السلام

او دارای عزت و شرافت و فضیلت و کرامت و عظمت و ارجمندی و بزرگواری و برتری و فزونی و توانایی و توانگری و دانایی هستند. آن حضرت، قله کوه عرب و دریای دانش‌ها و خیرات و پناه مردم و معدن پاکی هستند.

هیچ گونه ترس و بازگشت از مسیر حق و تحیر در آن حضرت وجود ندارد پیری در آن حضرت اثر نمی‌گذارد، نقصی در جسم آن حضرت وجود ندارد، علم آن حضرت بر همه چیز احاطه دارد، زمین به نور آن بزرگوار روشن می‌شود و نیازی به نور خورشید و ماه نیست و ظلمت و تاریکی از بین می‌رود.



حضرت علی

آن حضرت در زمان غیبت در میان مردم رفت و آمد دارند و از بازار عبور می کنند، مردم را می بینند، ولی مردم او را نمی شناسند، تمام اموال دنیا از زیر و رو و ظاهر و باطن نزد آن حضرت جمع می شوند زمین تمام گنجها و معدنهای خود را آشکار می کند و آن حضرت آن گنجها و معدنها را بین شیعیان و اصحاب خود به طور مساوی تقسیم می کنند. همه فقرا بی نیاز می شوند و تا خمس و زکات و صدقه را به او پرداخت کنند دیگر فقیری وجود نخواهد داشت.^۱

۲- رفتار حضرت در بعد از ظهور

او شرق و غرب زمین را فتح می کند و سلطنت آن بزرگوار تمام عالم را فرا می گیرد آسمان، برکت و رحمت خود را فرو می ریزد زمین، آنچه گیاه و نعمت دارد می رویاند و تمام جهان امن می گردد به صورتی که اگر یک زن به تنهایی مسافت زیادی را در بیابان از عراق تا شام طی کند در امان است و از هیچ گونه راهزن و دزد و حیوان درنده ای ترس ندارد. بین درندگان و چرندگان صلح برقرار می شود آن حضرت سراسر جهان را از عدالت و

(۱) منتهی الامال ج ۲، بحار ج ۵۱ و ۵۲

دادگری و نور توحید و راحتی و خوشی و خوبی و رفاه و آسایش و مصلحت و خیر و نیکی پر می‌کند. هر چه بدی و فساد باشد از بین می‌رود و خوبی و نیکی و راحتی و خوشی فراوان می‌شود، همه اهل آسمان و زمین به سلطنت آن حضرت راضی هستند.^۱

۳- کارهای حضرت بعد از ظهور

او می‌آید و جهان را پر از عدل و عدالت می‌نماید، در کارها با سرعت و شدت عمل می‌کند و در هر کاری غلبه می‌کند، خداوند متعال به واسطه آن بزرگوار مومنان را شفا می‌دهد و ناراحتی را از دلشان برطرف می‌سازد. اختلاف مردم را برطرف می‌سازد و آنان را از هم و غم و حزن و ناراحتی بیرون می‌آورد. آن حضرت به سنت و روش رسول خدا ﷺ عمل کرده و سیره و روش آن حضرت را پیاده می‌کند و مانند آن حضرت رفتار می‌کند.

او دست و پای دزدان خانه کعبه را قطع می‌کند و از خانه کعبه آویزان می‌کند و منادی آن بزرگوار ندا سر می‌دهد که اینها دزدان اموال خدا هستند سپس سراغ قریش می‌رود از دشمنان انتقام

(۱) بحار ج ۵۱، مهدی موعود، ۹۷

می گیرد و برای دوستان راحتی می آورد و ناراحتی قلب شیعیان از ظالمان و منکران و کافران شفا می یابد و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد و مردم تا هزار سال طول عمر پیدا می کنند، مانند انسانهای قدیم.^۱

۴- امام زمان علیه السلام برای شیعیان دعا می کند

سید بن طاووس می فرماید:

سحر گاه در سرداب مقدس بودم، ناگاه صدای مولایم را شنیدم که برای شیعیان خود دعا می کردند و عرضه می داشتند:

خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده ای آنها گناهان زیادی از اتکاء بر محبت به ما و ولایت ما کرده اند اگر گناهان آنها گناهی است که در ارتباط با توست از آنها بگذر که ما را راضی کرده ای. و آنچه از گناهان آنها در ارتباط با خودشان هست خودت بین آنها را اصلاح کن و از خصمی که حق ماست به آنها بده تا راضی شوند، و آنها را از آتش جهنم نجات بده و

(۱) بحار الانوار، ج ۵۲، غیب نعمانی، ص ۲۲۰، نورالابصار شبلخی، مهدی موعود، ص ۹۸ (۹۷)

آنها را با دشمنان ما در سخط خود جمع نفرما^۱

رضی الدین علی بن طاووس فرمود:

سحرگاهی در سامرا دعایی از حضرت قائم شنیدم و کلماتی از آن را حفظ کردم ایشان برای زندگان و مردگان دعا می فرمودند و از جمله کلمات آن حضرت این بود که عرضه داشتند:

«وَأَبْقِهِمْ وَأَحْيِهِمْ فِي عِزِّنا وَ مُلْكِنَا وَ سُلْطَانِنَا وَ دَوْلَتِنَا»

خدایا شیعیان را حفظ کن و آنها را در دولت و سلطنت ما حیات بده^۲ این قضیه در شب چهارشنبه سیزدهم ذی قعدة سال ۶۳۸ برایم اتفاق افتاد.

۵- برنامه‌های دولت کریمه

جابر از امام باقر علیه السلام در ارتباط با برنامه‌های دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام چنین می فرماید:

هنگامی که قائم آل محمد قیام می کند، خیمه‌های خودش را بر پا می سازد (گویا در کوفه باشد) و قرآن را به مردم یاد می دهد، چنانچه خداوند بر رسول گرامی نازل فرمود (از نظر ترتیب فرود

۱ (مطلع الفجر، ج ۲، ص ۱۴۹

۲ (مطلع الفجر، ج ۲، ص ۱۴۹، برکات حضرت ولی عصر، ص ۴۰۱

آمدن در روزهای اول) و مردم را با قرآن این طور آشنا می‌کند آن روز برای آنهایی که قرآن را قبلاً حفظ کرده‌اند بسیار مشکل است. (از نظر ترتیب سوره‌ها و نازل شدن در گذشته)^۱

امام باقر به یکی از اصحاب خود ابوالبحارود فرمود:

زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام می‌کند، به کوفه تشریف فرما می‌شوند و بیش از ده هزار نفر از آنجا بیرون می‌آیند که آنها را «تبریه» می‌گویند.

پس، به آن حضرت عرض می‌کنند: برگرد به همان مکانی که بوده ای، ما نیازی به فرزندان فاطمه علیها السلام نداریم، پس، شمشیر را می‌کشد و همه آنها را می‌کشد، سپس وارد کوفه می‌شود و تمام افراد منافق و جنگجو را می‌کشد تا خداوند متعال راضی گردد.^۲

(۱) ارشاد مفید، ج ۳، ص ۳۴۷، نشانه‌های ظهور او، ص ۱۹۲

(۲) ارشاد مفید، ج ۳، ص ۳۴۷، نشانه‌های ظهور او، ص ۱۹۲

فصل چهارم: نشانه‌های ظهور قبل از ظهور

۱- قصه منتظران در روزگار فراق

علی بن الحسین علیه السلام خطاب به ابوخالد کابلی فرمود:

ای ابو خالد، مردمانی که در روزگار غیبت به سر می‌برند و امامت او را پذیرفته، در انتظار ظهورند، از مردم همه زمانها برترند، زیرا که خدای تعالی به آنان فهم و خرد و شناختی داده است که غیبت امام برای آنان مانند حضور امام است، خداوند این مردم را مانند پیکارگران صدر اسلام قرار داده است، همانا که در رکاب پیامبر بزرگ شمشیر می‌زند و پیکار می‌کردند، آنان اند اخلاص پیشگان حقیقی، و آنان اند شیعیان واقعی، و آنان هستند که در نهان و عیان، مردم را به دین خدا فرا می‌خوانند و آنگاه فرمود: منتظر فرج و

قدرت اسلام بودن، خود از بزرگترین گشایشهاست^۱

۲- نشانه‌های ظهور از زبان رسول خدا ﷺ

سکونی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر امت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان طمع در دنیا آراسته باشد و خداوند را در نظر ندارند عمل آنها ریا است و از او نمی‌ترسند خداوند نیز همه آنها را عقوبت خواهد کرد و هر چه دعا کنند، حتی دعای غریق، مستجاب نخواهد شد.^۲

۳- علانم قبل از ظهور از دیدگاه رسول خدا ﷺ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرزندان زمانی ظهور می‌کند که:

- ۱- دل‌ها مملو از خبائث و صفات رذیله می‌شود
- ۲- مردم تظاهر به خوبی‌ها می‌کنند در حالی که دلشان از خوبی‌ها خالی است.
- ۳- هدف از این تظاهرات، فرو رفتن در کثافات اخلاقی دنیا و تعینات آن است.

(۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲

(۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰

۴- کارهای آنها اگر چه به صورت عبادت است اما برای غیر خدا انجام می‌شود. (ریا)

۵- توجهی به عالم آخرت نخواهند داشت و از خداوند نمی‌ترسند.

۶- به جهت این صفات، خداوند آنها را عقاب می‌کند به بلاهای اجتماعی از قبیل جنگ، گرفتار ظلم شدن، گرانی، سلب برکت و...
۷- در این موقع هر چه دعا کنند حتی دعای غریق^۱ هم مستجاب نخواهد شد.

۸- بهای امت من از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نمی‌ماند.

۹- آنها به مسلمان خوانده می‌شوند در حالی که دورترین مردم از اسلامند.

۱۰- مساجد آنان آباد و از هدایت خراب (خالی) است.

۱۱- فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمانند و فتنه از ایشان آغاز می‌شود و به آنان باز می‌گردد.

۱) دعای غریق در بعضی روایات [یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک] ذکر شده



حکایت

۱۲- محتوی و حقایق حیات بخش قرآن، متروک و فقط اسمی از آن می ماند.

۱۳- از اسلام نامی می ماند و قوانین جامع و کامل آن به حالت تعطیل در می آید و به انزوا سپرده می شود.

۱۴- مساجدشان از نظر بنیان و جهالت ظاهری آباد اما از لحاظ تقوا ویران است. مساجد مرکز غیبت، تهمت، ریختن آبروی مردم و بدعتها - البته به صورتهای مختلف - شده است.

۱۵- فقها و دانشمندان بدترین دانشمندانی هستند که در زیر آسمان بسر می برند.

۱۶- تمام فتنه ها از ناحیه علما سوء است و بازگشت آنها نیز به خودشان خواهد بود. «اِذَا فَسَدَ الْعَالَمُ فَسَدَ الْعَالَمُ» رسول خدا ﷺ فرمود: «هرگاه دانشمندی راه فساد را در پیش بگیرد جهانی را به تباهی می کشد» زیرا مردم این دسته از افراد را الگو و سمبل دین می دانند.^۱

(۱) بحار الانوار ج ۵۲ و ۵۰، نشانه های ظهور او ص ۳۷

۴- قیام مهدی و رسول خدا ﷺ

رسول خدا ﷺ فرمود:

«در آخر الزمان مردمانی بیابند که از نظر ظاهر، سیمای آدمیان را دارند اما دلهایشان مانند قلبهای شیطانها است (پس از خودخداهی و تکبر و غرور و امثال اینهاست) مانند گرگهای درنده دلشان خالی است از رحمت و عطف انسان باشد. قتل و خونریزی برای آنها یک امر بسیار ساده و بی اهمیت خواهد بود و از کارهای زشت دوری نمیکنند. اگر از آنها متابعت کنی تو را از خود میرانند و اگر از آنان فاصله بگیری تو را مورد غیبت و عیبجویی قرار می دهند، اگر با تو سخن بگویند دروغ می گویند و اگر آن مردم را امین خویش قرار دادی به تو خیانت می کنند بچه های آنها با ناز و نخوت زندگی می کنند و جوانانشان بی باک و از خود راضی هستند چندان که مردم را از بی تربیتی خویش عاجز می کنند پیروان آنها امر به خوبیها و نهی از بدیها نمی کنند. عزت جستن به وسیله آنها ذلت و خواری است، مطالبه موجودی آنها فقر و ناتوانی است.

شخص عاقل در میان آنها گمراه به شمار می آید و امر به معروف



حساب

کننده مورد تهمت و افترا قرار می‌گیرد افراد با ایمان و صاحبان تقوا در میان ایشان ضعیف خواهند بود، اما افراد فاسق در میان آنها با شخصیت حساب می‌شوند، کارهای خوب و سنتهای الهی در میان این جمعیت بدعت محسوب می‌شود و از طرفی بدعت در میان آنها سنت به حساب می‌آید. در چنین زمانی که مردم دارای چنین خصوصیات اخلاقی شده‌اند، خداوند اشرار و مردم بد را بر آنها مسلط می‌کند و دیگر دعاوی خوبان اجابت نخواهد شد. در این زمان است که: همچنانکه دین به واسطه من آغاز شد توسط فرزندم مهدی علیه السلام خاتمه می‌یابد... در آخر الزمان امت من در سایه زمامداری ستمگر به بلاهایی مبتلا می‌شوند که مانند آن را نشنیده‌اند و به اندازه‌ای عرصه بر مردم تنگ می‌شود که پناهگاهی برای خود پیدا نمی‌کنند. در این هنگام خداوند مردمی از عترت و اهل بیت من بر می‌انگیزد که جهان را پر از عدل و داد می‌کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد، از ویژگیهای او این است که اهل زمین و ساکنان آسمانها او را دوست می‌دارند و آسمان بارانهای خودش را می‌بارد و زمین برکاتش را در اختیار مردم قرار

۵- نشانه‌های مهدی علیه السلام و شب معراج

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در شب معراج خداوند یک سری نشانه‌هایی را برای آخرین امام و وصی ما به من وحی نمود که باید آن را به علی علیه السلام انتقال دهم و آن نشانه‌ها عبارتند از:

۱- عیسی بن مریم پشت سر آن بزرگوار نماز می‌خواند.
 ۲- زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.

۳- بندگانم را به واسطه او (امام عصر) از هلاکت نجات می‌دهم.

۴- گمراهان را به واسطه او هدایت می‌کنم

۵- نایبانیان و بیماران را به واسطه او شفا می‌دهم.

۶- هرگاه علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی به جای آن بنشیند قرائت قرآن زیاد ولی عمل به آن کم شود.

۷- قتل و کشتار زیاد شود.

۸- فقها و هدایت‌کنندگان واقعی کم شوند (اشاره است به وجود

۱) الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، مشارق الانوار ص ۲۹، نوائب الدهر،

ج ۱، ص ۱۵۰، نشانه‌های ظهور او ص ۴۰



علمای ربانی)

- ۹- علمای فاسق (بی عمل) و خیانتکار زیاد شوند.
- ۱۰- شعرا زیاد شوند
- ۱۱- امت شما قبرستانها را مساجد قرار دهند.
- ۱۲- مساجد را مجلل بسازند
- ۱۳- جور و فساد زیاد شود.
- ۱۴- منکرات ظاهر شود
- ۱۵- امت شما امر به منکر کنند.
- ۱۶- پیروان شما نهی از معروف کنند.
- ۱۷- مردها به مردها اکتفا کنند (لواط)
- ۱۸- زنان به زنان قناعت کنند (مساحقه)
- ۱۹- زمامدارن کافر شوند
- ۲۰- دوستان حکمرانان گنهکاران باشند
- ۲۱- یاوران آنها ستمگران باشند
- ۲۲- صاحبان رأی و نظر از آنان فاسقان باشند
- ۲۳- سه حَسَف (فرو رفتگی زمین) در دنیا واقع شود یکی حشف در مشرق دیگری در مغرب و سومی در جزیره العرب
- ۲۴- خراب شدن بصره به دست یکی از ذراری تو (سید) که



زنگیها دنبالش را بگیرند

۲۵- قیام مردم از اولاد امام حسین علیه السلام

۲۶- ظهور دجال و قیامشان از سجستان

۲۷- خروج سفیانی^۱

۶- بیان شیخ مفید و ظهور

شیخ مفید(ره) می فرماید: روایات رسیده از پیامبر و خاندان وحی و رسالت علیهم السلام بیانگر اعلام و نشانه‌ها و رخدادهایی است که پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام پدیدار می گردند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- جنبش ارتجاعی «سفیانی»

۲- قتل سید حسنی

۳- جنگ قدرت «بنی عباس»

۴- گرفتن خورشید در نیمروز ماه رمضان

۵- گرفتن ماه در آخر ماه رمضان، برخلاف عادت

۶- شکافته شدن زمین و فرو بردن تجاوزکاران

۱ (اتبة الهداه، ج ۷، ص ۳۹۰ و ۳۹۱، نشانه‌های ظهور او



- ۷- فرو رفتن زمین در مشرق
- ۸- فرو رفتن زمین در مغرب
- ۹- توقف خورشید به هنگام نیم‌روزی در وسط آسمان
- ۱۰- طلوع خورشید از مغرب
- ۱۱- قتل «نفس زکیه» پشت دروازه کوفه در زمرة هفتاد نفر از شایستگان
- ۱۲- بریده شدن سر مردی از بنی هاشم میان رکن و مقام
- ۱۳- ویران شدن دیوار مسجد کوفه
- ۱۴- آمدن پرچمهای سیاه از طرف خراسان
- ۱۵- قیام و جنبش یمنی
- ۱۶- آشکار شدن مرد مغربی و تصرف شام به وسیله سپاه او
- ۱۷- فرود آمدن ترکها در جزیره
- ۱۸- فرود آمدن رومیان در رمله
- ۱۹- طلوع ستاره‌ای درخشان و نواری بسان ماه و آنگاه انعطاف خاص آن
- ۲۰- پدیدار شدن سرخی در آسمان و گسترش آن در آفاق آسمان
- ۲۱- پیدایش ستون آتشی در مشرق به مدت سه تا هفت روز
- ۲۲- قیام امت عرب و برکنار شدن زمامداران عرب به وسیله

ملتهای خویش و به دست گرفتن زمام امور کشورها به وسیله

مردم

۲۳- خروج جهان عرب از سیطرهٔ عجم

۲۴- کشته شدن رهبر مصر به دست مردم

۲۵- انهدام شام و اختلاف سه جریان سیاسی در آن

۲۶- ورود پرچمهای «قیس» و «عرب» به مصر

۲۷- ورود پرچمهای کنده به خراسان

۲۸- ورود سپاهی از سوی مغرب و رسیدن آنها به دوازه شهر

حیره

۲۹- آمدن پرچمهای سیاه از سوی مشرق

۳۰- شکستن دیوار فرات و جریان یافتن آب در کوچه‌های کوفه

۳۱- خروج ۶۰ پیامبر دورغین

۳۲- خروج ۱۲ امام دورغین

۳۳- به آتش کشیده شدن مرد گرانقدری از بنی عباس

۳۴- ایجاد پل ارتباط میان کرخه و بغداد

۳۵- وزش بادی سیاه در آغاز روز

۳۶- زلزله‌ای که انبوهی را به زمین فرو می‌برد

۳۷- ترس و ناامنی فراگیری که همه عراق و بغداد را فرا می‌گیرد.



۳۸- مرگ سریع و دردناک و نقص و زیان در اموال و جان و

ثمرات

۳۹- آفت ملخ نابهنگام و به هنگام کشاورزی

۴۰- برداشت کم محصولات زراعی

۴۱- جنگ قدرت میان عجم و خونریزی بسیار در میان آنان

۴۲- شورش بردگان بر ضد برده داران و کشتن آنان

۴۳- مسخ شدن گروهی از بدعت گذاران و بصورت میمون و

خوک درآمدن آنان

۴۴- تسلط کشورهای عقب مانده به کشورهای زورمند و ثروتمند

۴۵- طنین افکن شدن ندایی از آسمان و رسیدن آن به گوش

جهانیان به زبانهای گوناگون

۴۶- پدیدار شدن چهره و سینه‌ای در کره خورشید

۴۷- زنده شدن گروهی از مردگان و بازگشت آنان به گونه‌ای که

مردم آنان را شناخته و با آنان دیدار می‌کنند.^۱

۱ (ارشاد مفید ص ۳۵۶، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۲۰ / امام المهدی، ص

فصل چهارم: کارهای اساسی امام عصر علیه السلام در بعد از ظهور (دولت کریمه)

۱- کشاورزی در عصر ظهور

منجی عالم بشریت هنگامی که ظهور می‌کند، سیستم زراعی کشاورزی به طور کامل دگرگون می‌گردد و به بهترین و زیباترین شکل و محتوا و برنامه، شکوفا می‌گردد.

امام باقر علیه السلام در روایتی طولانی در این باره می‌فرماید: «آن اصلاحگر بزرگ جهانی دستور می‌دهد از کربلا و از پشت زیارتگاه امام حسین علیه السلام نهر عظیمی را حفر کنند و به وسیله آن آب را به کوفه و اطراف می‌رساند و این نهر تا نجف ادامه می‌یابد و با استفاده از قدرت و نیروی برخواسته از این آب خروشان،

انواع دستگاه‌ها را به کار می‌اندازد.... او می‌آید و به حفر نهرها، بنای پل‌ها و سدها بر شط‌ها و رودخانه‌ها به ویژه میان کربلا و نجف فرمان می‌دهد و دستور می‌دهد که انواع دستگاهها از جمله آسیابها برای آسیاب نمودن حبوبات نصب گردد تا هر کس بتواند به طور رایگان از آنها بهره گیرد.

تا آنجایی که یک زن در کمال امنیت و آرامش هر گاه خواست حبوبات و مواد غذایی مورد نیاز خویش و خانواده اش را به طور رایگان با بهره‌وری از آسیابها و دستگاههایی که در مسیر آب نصب شده است بر طرف می‌سازد. ایشان دستور می‌دهد میان کربلا و نجف نهری عظیم برای احیای کشاورزی و تعدیل آب و هوای منطقه، حفر کنند چرا که این منطقه به صحراها و بیابانهای پیوسته است و هزاران کیلومتر از زمین‌های شرق و غرب و جنوب آن منطقه همچون بیابان‌های شام و مرزهای آن با عراق و اردن و صحرای «نفوذ» که حدود آن به کویت و حجاز می‌رسد و «ربع خالی» و حدود آن که «مسقط» و «یمن» است به صورت مطلوبی احیا و دگرگون می‌گردد»

این صحراها و بیابان‌های پهناوری که جز اندکی از آنها، بقیه خشک و خالی و بدون آب و علف است و از سکونت و کشت و

زرع و آب و گیاه تهی است، به زودی پس از ظهور امام عصر علیه السلام از آن نهر سیراب می‌گردد و شرایط آن به طور کامل دگرگون می‌شود.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخر الزمان در میان امم، مهدی، آن نجات بخش ملتها قیام می‌کند خدا کران تا کران قلمرو حکومت جهانی او را به وسیله باران سیراب می‌سازد و زمین، گیاه و نبات خویش را می‌رویاند، آن گرامی اموال عمومی را به طور عادلانه به مردم اعطا می‌کند و به دانداری و دامپروری و رونق اقتصادی اهمیت می‌دهد و امت را تکریم می‌نماید»^۲

۲- امام زمان علیه السلام و حل مشکل مسکن

یکی از مشکلات مهم و اساسی‌ای که در در زمان ظهور نور و حاکمیت امام عصر علیه السلام حل می‌گردد مسئله مسکن و مشکلات آن می‌باشد.

در زمان ظهور مولا، این مشکل بزرگ اجتماعی و اقتصادی نیز به

۱) امام المهدی، عقد الذرر، كشف الغمّه، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱

۲) همان



خطبہ

صورت کامل حل می‌گردد همانگونه که در روزگار درخشان حکومت عادلانه و انسان ساز علی علیه السلام با تدابیر ژرف و سازنده آن حضرت، در مدتی کوتاه خود به خود حل شده، او از راه تطبیق و پیاده کردن دقیق مقررات و قوانین زندگی ساز و سعادت آفرین اسلام این مشکل اساسی را حل خواهد نمود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام نمود، خانه‌های شهر کوفه به نهر کربلا متصل می‌شود و شهر بقدری گسترش می‌یابد که همه صاحب‌خانه می‌شوند^۱ مردم زمینهای خشک و سوزان و بیابان‌های بی‌آب و علف را احیا و آباد می‌سازند و به صورت خانه‌های زیبا و پر شکوه و باغهای پر طراوت در می‌آورند که یک نمونه آن گسترش شایسته خانه‌های کوفه تا نهر کربلا می‌باشد، آن هم با آن مسافت بسیاری که الان میان آن دو شهر موجود است.^۲

(۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ارشاد مفید ص ۳۶۲ - امام المهدی ص ۷۵۶

(۲) همان

۳- امام زمان و حل مشکل بیکاری

یکی از مشکلات و مسایلی که در زمان ظهور گل یاس به حل آن پرداخته می‌شود مسئله بیکاری می‌باشد.

در عصر حاکمیت امام عصر علیه السلام بحران بیکاری در همهٔ چهره‌ها و میدانها حل می‌گردد و این آفت ویرانگر، برای همیشه از جامعه رخت بر می‌بندد. چرا که آن اصلاحگر بزرگ و با کفایت، این آفت اجتماعی را از بیخ و بن ریشه کن می‌سازد و اسباب و عوامل آن را نابود می‌کند. از این رو در عصر ظهور مولا، آزادی در کار، مسافرت، تجارت، نوآوری و ابداع و امکانات به همهٔ مردم ارزانی می‌گردد و میدان کار و تلاش و ابتکار برای همه استعدادها فراهم می‌شود، مالیاتها الغا می‌گردد و ملاکها، معیارها و مقررات، تبعیض نژادی و طبقاتی را به شدت رد می‌کند و تمامی مردم را از نظر حقوق و آزادی، برابر می‌شناسد. درست همانگونه که امیرمؤمنین علیه السلام در حکومت عادلانه خویش در دستور العمل جاودانه‌ای به مالک اشتر مرقوم داشت که:

«هان‌ای مالک، مردم دو گروهند: یا در دین با تو برادرند و یا در

آفرینش با تو برابر»^۱

و بر این اساس است که تمامی طبقات مردم در عصر ظهور در اوج نشاط و تلاش و رفاه و غنا زندگی می‌کنند و به برکت حکومت امام مهدی علیه السلام بحران بیکاری و فقر محو می‌گردد و ره آورد شوم و ویرانگر آن نیز از جامعه زدوده می‌شود.^۲

۴- امام زمان و آرامش و امنیت

در جهان معاصر، جامعه‌های انسانی، در شرایط سخت و طاقت فرسایی از نظر فقدان امنیت و آرامش در ابعاد گوناگون حیات زندگی می‌کنند. برای نمونه: سرقت اموال و دارایی مردم از خانه‌ها و محلات سرقت ماشین‌ها و سرقت بانکی به وسیله سارقان حرفه‌ای و باندهای خطرناک و الخ ... جنایاتی که راهزنها به آن دست می‌یازند و هر روز در جایی اموال و هستی مردم را به غارت می‌برند، آدم رباییهای رنگارنگ، از ربودن کودکان گرفته تا زنان، باجگیریها و ... همه و همه از تظاهر بارز فقدان امنیت مالی و جانی در جامعه‌های انسانی است.

(۱) نهج البلاغه، نامه ۵۳

(۲) امام المهدی، ص ۷۵۸

در برخی از کشورها، دلهره و وحشت به طور کامل بر جامعه سایه افکنده و این ترس و رعب در شامگاهان به اوج خود می‌رسد، به طوری که اگر درب خانه‌ای به صدا درآید اضطراب و دلهره صاحب خانه و خانواده‌اش را بیش از شناختن کسی که درب را به صدا درآورده است، سخت فرا می‌گیرد اما در عصر امام مهدی علیه السلام ترس و دلهره در همه چهره‌های نابود می‌شود و امنیت و آرامش بر کران تا کران کره زمین سایه گستر و حاکم می‌شود و بشریت در جوی از صلح و اطمینان خاطر و آسایش و آرامش فکری زندگی می‌کند. لازم به ذکر است که نعمت امنیت در حکومت آن بزرگوار تنها ویژه جامعه انسانی نیست بلکه شامل حیوانات هم می‌گردد، حیوانات با یکدیگر بر اساس عدالت رو به رو می‌گردند و هم با انسانها از اینرو انسانها از سوی حیوانات احساس خوف می‌کنند و نه حیوانات ناتوان از حیوانات قوی می‌هراسند و روح و مهر و الفت در میان آنان حاکم می‌گردد.^۱

(۱) بحار الانوار، ج ۵۲ - ینابیع الموده، ص ۴۲۳ - غیب نعمانی، امام المهدی



۵- احادیث وارده برای امنیت زمان امام زمان علیه السلام

۱- امام باقر علیه السلام در روایتی پیرامون اصل امنیت در دوران مهدی موعود علیه السلام فرمود: «... و تخرج العجوز الضعيفة من المشرق، تریذُ المغرب، لاینهاها احد...»^۱

یعنی: و زن سالخورده و ناتوان از شرق تا غرب عالم می‌رود بی آنکه از هیچ کس و هیچ چیز احساس ناامنی و اذیت و آزاد نماید.
۲- امیر المؤمنین ضمن بیانی فرمود:

«در عصر حکومت آن اصلاحگر بزرگ، امنیت کامل همه جا برقرار می‌گردد تا آنجایی که یک زن، در کمال امنیت و آزادی، راه میان عراق تا شام را می‌پیماید و پای خویش را جز بر سبزه زارها و بوستانهای خرم و آباد نمی‌نهد و در حالی که جواهرات خویش را به طور آشکار بر سرو سینه دارد، نه درنده‌ای او را خواهد ترساند و نه ناامنی و خطری او را تهدید خواهد کرد»^۲

۳- علی علیه السلام فرمود:

۱ (معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، غیب نعمانی ص ۱۸۱)
 ۲ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۹ - معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳) الامام المهدی

«ہنگامی کہ قائم ما قیام کند... و عداوت از دلہای بندگان ریشہ کن می شود و درندگان و حیوانات نیز، اصلاح خواهد شد و در روزگار او، گرگ و گوسفند در یک مکان می چرنند و کودکان با عقربها و مارها بازی می کنند و چیزی بہ آنان زیان نمی رساند ہمہ بدیہا و شرارتہا از جہان رخت بر می بندد و شایستگیہا می ماند»^۱

۶- امام زمان و اصلاحات عمومی

مرحوم شیخ طوسی در کتاب خود برخی از اصلاحات عمومی را کہ در عصر ظهور رو بہ دستور آن بزرگوار رخ می دهد اینگونہ بیان می کند.

- ۱- حل مشکل عبور و مرور و گشودن گرہ کور ترافیک
- ۲- مسدود ساختن پنجرہهایی کہ بہ کوچہ، خیابانہا و راہ عبور و مرور مردم گشودہ شدہ و نیز جلوگیری از نصب چنین پنجرہها
- ۳- تخریب و جلوگیری از احداث بالکنها
- ۴- جلوگیری از نصب ناودانہا بہ سوی کوچہ و خیابان
- ۵- جلوگیری از کندن چاہہای فاضلاب در کوچہ و خیابان ... و

دیگر اصطلاحات در سطح شهر و محل زندگی جامعه ...^۱

۷- امام زمان علیه السلام و رفتار محمدی

او می آید و با ظهورش جهان را نور باران می کند و اخلاق ناب محمدی را در بین مردم به مرحله اجرا در می آورد. او به روش و سیره جدش حضرت ختمی مرتبت و شیوه قرآنی و سنت رسول خدا عمل خواهد کرد. با بدعتها و نوآوریهای که مانع رشد و تعالی انسان می شود مبارزه خواهد کرد. باطل رخت بر می بندد و حق، نمایان می شود. دولت حق به دست آن عزیز شکل می گیرد سیره جدش را عمل و آن را ترویج خواهد نمود. مردم را به امامت خویش فرا می خواند، و از مردم برای احقاق حقش کمک می گیرد، متعهد می شود فرمان خدا را جاری می سازد و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله را زنده نماید، مظاهر کفر و ظلم را از بین می برد، به سر تا سر عالم نیروهای دینی و ارزشی را گسیل می دارد، برای ترویج و تبلیغ دین خدا و امامت خود، گرد و غبار نشسته بر دامن اسلام را با نفس مسیحایی خود زایل و گویی

(۱) غیبت شیخ طوسی، ص ۲۸۲ بحار ج ۵۲

اسلام جدیدی را ارائه می‌نماید.

او به حق، هادی و مهدی است که مردم را به آیین اسلام که به واسطه انحراف از حق از دست داده‌اند دعوت می‌نماید. او برای خدا و ابراز حق قیام می‌کند با گامهای استوارش کاخهای ستمگران و قصرهای بیداد پیشه گان را فرو می‌ریزد.^۱

۸- او قائم است

قیام و نبرد علیه کاخهای ستمگران و قصرهای ظالمان و از بین بردن مظاهر کفر و ظلم از جمله خصوصیات مهدی فاطمه علیها السلام است او برای خدا و ابراز حق قیام می‌کند و بدین سان به آن حضرت قائم، آل محمد علیهم السلام می‌گویند.

امنیت و آسایش از ارمغانهای دولت حضرت می‌باشد، بهره بشر از زمین و زمان افزایش می‌یابد و آیه شریفه «و فتحنا علیهم برکات من السماء و الارض» تحقق می‌یابد.

آحاد بشر و متدینان عالم بدین اسلام که دین مورد رضای الهی است روی می‌آورند او قرآن را به همان شکلی که نازل شده به

۱) غیب نعمانی، نشانه‌های قائم آل محمد ص

مردم آموزش می‌دهد. حکم و داوری او یادآور حکم و داوری رسول خدا ﷺ می‌باشد. او آرامبخش روح و روان مستضعفین و دردمندان و بیچارگان خواهد شد.^۱

۹- علی علیه السلام و امام زمان علیه السلام

امیر المؤمنین علیه السلام یک سری از خصوصیات زیبای امام زمان را اینگونه تشریح می‌فرمایند:

«۱- به علت طولانی شدن غیبت حضرت عده بسیاری از مومنان در حال انتظار از دنیا می‌روند کما اینکه بخشی از آشوبگران هم از میان خواهند رفت.

۲- امام عصر علیه السلام از قبیله‌ای با شرافت و جلالت خواهند بود کما اینکه در بسیاری از روایات آمده است که ائمه از بنی هاشم و قریش‌اند.

۳- طلوع آن خورشید پر فروغ در زمانی خواهد بود که ستمگران برای مستضعفان پناهگاهی باقی نگذاشته باشند و همه جا را تیرگی و ناصافی گرفته باشد زمانی که جامعه‌ای را تیرگی فرا

(۱) مهدی موعود، غیب نعمانی، نشانه‌های قائم آل محمد علیهم السلام

می‌گیرد و احکام الهی به فراموشی سپرده می‌شود و امیال و خواهشهای نفسانی ریاست را بر عهده می‌گیرند.

۴- امام زمان علیه السلام دارای شجاعت و قدرتی هستند که از مرگ در راه خدا و مبارزه برای اجرای احکام الهی و اهمه‌ای به خود راه نمی‌دهد.

۵- تربیت و رشد و نمو امام زمان در خاندان شرف و عزت و با جلالت و شوکت ولایت امامت است، وجودش از نور است، تغذیه آن وحی الهی نفس قدسی و رحمانی می‌باشد، باید دارای چنین خصوصیتی باشد. اینان فرزندان خانه‌ای هستند که فرمود:

فی بیوت اذن الله آن تُرفع و یذکر فیها اسمہ

۶- آنان که با وسوسه‌های شیطانی نسبت به عقاید حقه و از حمله نسبت به وجود امام زمان ایجاد شک و دودلی می‌نمایند اینان شما را از مسیر حق منحرف نمایند.^۱

(۱) مهدی موعود، نهج البلاغه، غیب نعمانی



۱۰- عدالت در سایه امام زمان علیه السلام

مهدی موعود شخصیتی است که از منبع عظیم وحی الهی سرچشمه گرفته و بر خاتم انبیاء نازل شده است و ادامه همین حقیقت اسلام و احکام مترقی آن است که توسط امامت و رهبری بعد از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تبیین و تشریح شده و آن حقیقت عصاره همین امامت و رهبری به حق است، او رهبری است که عدالت علی را همراه خود وارد و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله را عمل و پیاده می نماید، او همان طور که قبلاً اشاره کردیم می آید تا آرامش و امنیت را برای جهانیان به ارمغان بیاورد پس چرا وقتی ظهور می کند دست به شمشیر می زند مگر نگفته بودیم که وقتی یوسف زهرا می آید همه متحد می شوند و همه چیز پیشرفت می کند و انسانها خوشبخت می شوند پس چرا مولا دست به شمشیر بر می دارد؟ چه لزومی دارد، آقا سلاح بر دارد؟

در پاسخ باید گفت:

اولاً: امام از آن بهره برداری می کند و به مردم ظاهر می کند. ثانیاً: امام نیز مانند پیامبران دیگر است که همراه خود نیروی عظیمی نمی آورد تا ورود مردم به دین از روی ترس و خوف باشد،

ہمچنین او بہ مردم پول کلانی نمی‌دهد، بہ سبب آنکہ مردم از روی طمع بہ دین داخل شوند، بلکہ امام بہ مردم آزادی را اعطا می‌کند و زمین خیراتش را ظاہر می‌کند، زیرا کہ مردم آن را آباد می‌کنند و ہر کس بر حسب نیروی خود سعی و تلاش می‌کند.^۱

(۱) ظہور حضرت امام مہدی علیہ السلام مہدی موعود

فصل پنجم: امام زمان علیه السلام و دعاها و استخاره ها

۱- امام زمان علیه السلام و دعا در اول ظهور

مفضل در ضمن روایتی از امام صادق علیه السلام می پرسد: ای آقای من! حضرت مهدی «صلوات الله» از کجا ظهور می کند؟ و چگونه ظاهر می شود؟

حضرت فرمود:

«ای مفضل! او به تنهایی ظهور می کند، به تنهایی به خانه خدا می رود، به تنهایی وارد کعبه می شود، و به تنهایی شب می کند. چون چشمها به خواب می روند و تاریکی شب همه جا را فرا می گیرد و جبرئیل رو به آن حضرت می کند و می گوید:

«الحمد لله الذي صدقنا وعده، واورثنا الأرض ننبوءه من الجنة حيث



نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَالَمِينَ^۱»

۲- امام زمان و دادن دعا برای دهایی از مشکلات

در کتاب «الکلم الطیب» می‌نویسد: نسخه‌ای به خط یکی از سادات بزرگوار و مورد اطمینان دیدم که در آن نوشته بود:

در ماه رجب سال هزار و نود و سه هجری قمری از برادر دانشمند اسماعیل بن حسین جابری انصاری شنیدم که می‌گفت: شیخ متقی حاج علیا مکی می‌گوید:

برای احقاق حقی در میان عده‌ای از دشمنان گرفتار شدم، ترسیدم که جانم با خطر مرگ مواجه شود، از این جهت خیلی ناراحت بودم، روزی دعایی در جیب خود پیدا کردم، تعجب کردم زیرا که من از کسی دعا نگرفته بودم، و از این جریان در تحیر بودم تا بشی در عالم خواب شخصی را که در لباس افراد شایسته و زهاد بود دیدم او می‌گفت: فلان دعا را ما به تو دادیم، آن را بخوان تا از شدت و پریشانی نجات پیدا کنی.

من که این گوینده را نمی‌شناختم به همین جهت، تعجبم زیادتر

شد دفعه بعد حضرت امام زمان ارواحنا فداه را در خواب دیدم که حضرت فرمود: دعایی را که به تو دادم بخوان، و به هر کسی که خواستی یاد بده.

دفعات متعددی این دعا را خواندم و به زودی گشایشی در کارم پیدا کردم، و این عمل را تجربه کردم، پس از مدتی دعا را گم کردم، و خیلی ناراحت و متاسف شدم، و از بدی علم خود نادم و پشیمان بودم.

ناگاه شخصی آمد و به من گفت دعای تو در فلان جا افتاده است من نمی دانستم که آنجا رفته باشم، رفتم و دعا را برداشتم و به شکرانه آن سجده شکر به جا آوردم، و آن دعا این است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَبِّ أَسْأَلُكَ مَدَدًا رُوحَانِيًّا تَقْوَى بِهِ قُوَى الْكُلِّيَّةِ وَالْجُزْئِيَّةِ، حَتَّى أَقْهَرَ بِمَبَادِي نَفْسِي كُلَّ نَفْسٍ قَاهِرَةٍ فَتَنْقَبِضَ لِي إِشَارَةٌ دَقَائِقِهَا، انْقِبَاضًا تَسْقُطُ بِهِ قُوَاهَا، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْكَوْنِ ذُو رُوحٍ إِلَّا وَنَارٌ قَهْرِي قَدْ أَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ

یا شدید، یا شدید، یا ذالْبَطْشِ الشَّدِيدِ، یا قَاهِرُ یا قَهَارُ أَسْأَلُكَ بِمَا أَوْدَعْتَهُ عِزْرَائِيلَ مِنْ أَسْمَانِكَ الْقَهْرِيَّةِ فَانْفَعَلْتَ لَهُ النَّفُوسُ بِالْقَهْرِ، أَنْ

تُودِعْنِي هَذَا السِّرِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، حَتَّى الْيَنُّ بِهِ كُلِّ صَعْبٍ وَ آذَلُّ بِهِ
كُلُّ مَنِيْعٍ، بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِيْنِ»

این دعا در صورت امکان هنگام سحر سه مرتبه، و هنگام صبح
سه مرتبه و هنگام شب سه مرتبه خوانده می شود و اگر کارش
بسیار مشکل بود، پس از خواندن آن سی مرتبه بگوید:

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيْمَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، اَسْئَلُكَ اللُّطْفَ بِمَا جَرَّتْ بِهِ
الْمَقَادِيْرُ^۱

۳- امام زمان و دعا برای شفای بیماران

محدث نوری (ره) می گوید: شیخ جلیل القدر کفعمی در کتاب
البلد الامین از حضرت مهدی صلوات الله علیه نقل می کند اگر
بیماری این دعا را در ظرف تازه ای با تربت امام حسین علیه السلام
بنویسد و آن را بشوید و آبش را بخورد، از بیماری شفا پیدا
می کند.

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ، بِسْمِ اللّٰهِ دَوَاءٌ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ شِفَاءٌ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
كِفَاءٌ، هُوَ الشّٰفِي شِفَاءٌ وَ هُوَ الْكَافِي كِفَاءٌ، اِذْهَبِ الْبَاسَ بِرَبِّ النَّاسِ،

(۱) الکلم الطیب / صحیفه مهدیه، ص ۳۲۷ (۳۲۶)

شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُهُ سَقَمٌ، وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ النَّجَبَاءِ»

محدث نوری (ره) اضافه می‌کند و می‌گوید: با خط سید زین الدین علی بن الحسین حسینی دیدم که چنین نوشته بود: شخصی از مجاورین حرم امام حسین علیه السلام بیمار بود، او در خواب حضرت صاحب الزمان علیه السلام را می‌بیند و از بیماری خود به حضرتش شکوه می‌کند، حضرت این دعا را به ما یاد می‌دهد و دستور می‌دهد که این دعا را همانگونه نوشته و آب آن را بخورد او امر حضرت را اطاعت می‌کند و بلافاصله خوب می‌شود.^۱

۴- دعای مهم از امام زمان برای برآورده شدن حاجت

در الکلم الطیب می‌نویسد: این دعای عظیم الشانی است که از حضرت صاحب الزمان علیه السلام برای کسی که چیزی از او گم شده یا حاجت مهمی را داشته باشد روایت شده است، و هر که حاجت مهمی دارد این دعا را زیاد بخواند:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَ مُعِيدُهُمْ، وَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، وَ بَاعَثُ مَنْ فِي

(۱) جنة المأوى، دار السلام، ۱/۲۸۸/ صحیفه مهدیه



درست است

القُبُور، وَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَارِثُ الْأَرْضِ وَ مَنْ عَلَيْهَا، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ وَ إِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ، وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجِبِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ^١

ه- دعای دیگر از امام زمان برای رهایی از سختی‌ها و گزند

دزدها

مرحوم آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی می‌نویسد.

شیخ علی اکبر طهرانی - ساکن مشهد مقدس - برای ما قضیه‌ای تعریف کرد و گفت: عالم متقی شیخ محمد تقی تربیتی - که از اکابر فضلاء و علماء اخلاق و از شاگردان علامه میرزا حبیب الله رشتی بود و اجازه‌ای از ایشان داشت - فرمود: یکی از روزها شاگرد متدین من - که از سادات شهر تربت بود - برای من تعریف کرد و گفت:

از زیارت عتبات عالیات بر می‌گشتم، همراه طلبه‌ای از خانقین

(١) صحیفه مهدیه

خارج شدم و پیاده به دنبال قافله به طرف قصر شیرین حرکت کردیم، از شدت تشنگی و خستگی ناتوان شده، و با زحمت زیاد خود را به قافله رساندیم، قافله را دزدها غارت کرده و اموالشان را برده بودند، افرادی مجروح شده و در بیابان افتاده بودند، و محمل‌ها شکسته و روی زمین افتاده بود.

ما از ترس به کناری رفته و در بالای تپه‌ای ایستادیم، ناگاه دیدیم سید بزرگواری کنار ما ایستاده، به ما سلام عنایت فرمود، بعد هفت دانه خرمای زاهدی به من داد و فرمود: چهاردانه را خودت بخور، و سه دانه آن را به شیخ بده، این دعا را به جهت رهایی از سختی‌ها و محفوظ بودن از شر دزدها بخوانید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَخَافُكَ، وَأَخَافُكَ، وَأَخَافُ مِمَّنْ يَخَافُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّنْ لَا يَخَافُكَ» پس از آن، اندکی با آن سید بزرگوار راه رفتیم، ناگاه اشاره کرد و فرمود: این منزل شماست. نگاه کردیم، دیدیم منزل پائین آن تپه بود، و چون وارد منزل شدیم از شدت خستگی خواب بر ما غلبه کرد، خوابیدیم، و متوجه آنچه برای ما اتفاق افتاده بود نشدیم، چون بیدار شدیم دانستیم که آن بزرگوار

حضرت ولی عصر صاحب الزمان علیه السلام بوده است.^۱

۶- استخاره با رقعہ از امام زمان علیه السلام

استخاره با رقعہ کہ از مهدی زهرا علیہا السلام روایت شدہ است چنین است و در دو کاغذ جداگانہ می نویسی: «خَيْرَةٌ مِنْ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ» در یکی از آنها می نویسی «افعل» یعنی انجام بدہ و در دیگری می نویسی: «لا تفعل» یعنی انجام ندہ، و گلولہ ای از گل بساز و آن دو رقعہ را در میان آن قرار بدہ و در ظرف آبی بینداز، آنگاہ وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان و این دعا را قرائت کن.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ خِيَارَ مَنْ فَوَّضَ إِلَيْكَ أَمْرَهُ، وَأَسْلَمَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ، وَ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي أَمْرِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ بِكَ فِيمَا نَزَلَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِ. اللَّهُمَّ خِرْلِي وَ لَا تَخِرْ عَلَيَّ، وَ أَعِنِّي وَ لَا تُعِنْ عَلَيَّ وَ مَكِّنِّي وَ لَا تُمَكِّنْ مِنِّي، وَ أَهْدِنِي لِلْخَيْرِ وَ لَا تُضِلَّنِي وَ أَرْضِنِي بِقَضَائِكَ، وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ تُعْطِي مَا تُرِيدُ

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي فِي أَمْرِي هَذَا وَ هُوَ كَذَا وَ كَذَا فَامْكِنِّي مِنْهُ، وَ أَقْدِرْ لِي عَلَيْهِ، وَ إِنْ كَانَ اللَّهُمَّ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي إِلَى الَّذِي هُوَ خَيْرٌ

(۱) العبقري الحسان / صحيفه مهديه

لِي مِنْهُ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ يَا
ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ

سپس سجده نموده و در سجده صد مرتبه بگو استخیر الله خیرة فی
عافیة أنگاه سر از سجده بردار و منتظر باش تا یکی از کاغذها از
گلوله گلی خارج شود، و هر کدام زودتر خارج شد به آن عمل
نما

۷- استخاره دیگر

علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار می گوید:

از پدرم شنیدم که از استاد خود شیخ بهائی (ره) نقل می کرد که
ایشان می گفت: اساتید من استخاره با تسبیح را از حضرت
قائم علیه السلام چنین نقل می کردند:

تسبیح را به دست گرفته و سه مرتبه بر پیغمبر آتش صلوات
بفرست و قبضه ای از تسبیح را بگیرد و دو تا دو تا بشمار اگر
یکی باقی ماند آن کار را انجام بده و اگر دو تا ماند آن کار را

انجام نده.^۱

۸- استخاره منسوب به امام زمان علیه السلام

شیخ بزرگوار فقیه عالی مقام شیخ محمد حسن نجفی (ره) صاحب جواهر در جواهر الکلام می‌نویسد: نزد بعضی از اهل ما استخاره‌ای معمول شده است، که‌ای بسا این استخاره به مولای ما امام زمان علیه السلام نسبت داده میشود، و آن این گونه است: پس از قرائت و دعا قبضه‌ای از تسبیح را گرفته و هشت هشت بشمار، اگر یکی باقی ماند نسبتاً خوب است و اگر دو تا باقی ماند یک نهی دارد، و اگر سه تا باقی ماند اختیار دارد زیرا فعل و ترک آن مساوی است، و اگر چهار تا باقی ماند دو تا نهی دارد، و اگر پنج تا باقی ماند، برخی می‌گویند: سختی و زحمت دارد، و برخی دیگر می‌گویند: در آن کار ملامت است، و اگر شش تا باقی بماند خیلی خوب است، باید در آن کار عجله کند، و اگر هفت تا باقی ماند حکمش مثل حکم پنج تایی است، یعنی دو عقیده درباره آن وجود دارد- و اگر هشت تا باقی ماند چهار تا نهی دارد^۲

(۱) بحار الانوار ۹۱، ص ۲۵۰ / صحیفه مهدیه

(۲) الباقیات الصالحات حاشیه کتاب مفاتیح الجنان، ص ۴۱۱ صحیفه نور

۹- امام زمان و استخاره و آرزو از او

در یک کتاب قدیمی چنین نوشته شده بود:

استخاره منسوب به مولای ما امام زمان علیه السلام اینگونه است:

اول سوره حمد را بخوان تا به آیه شریفه (اهدنا الصراط المستقیم) برسی، سپس سه مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات بفرست و سه مرتبه بگو: «یا مَنْ یَعْلَمُ إهدِ مَنْ لا یَعْلَمُ» پس از آن قبضه‌ای از تسبیح را بگیر و دو تا دو تا بشمار، اگر یکی باقی ماند کار خیر است و انجام بده، و اگر دو تا باقی ماند انجام نده^۱

۱۰- استخاره با تسبیح

صاحب کتاب المختار من کلمات الامام المهدی می‌گوید: یک استخاره‌ای منسوب به امام زمان علیه السلام است و آن این است: پس از گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، سه مرتبه می‌گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» آنگاه دعای مختصری می‌خواند، مثلاً می‌گوید: «یا مَنْ یَعْلَمُ إهدِ مَنْ لا یَعْلَمُ» یا اینکه می‌گوید: «یا رَبُّ خیرِ ما هُوَ الصَّالِحُ» و امثال اینها آنگاه قبضه‌ای از تسبیح را

(۱) المختار من کلمات الامام المهدی: ۵۳۹/۲



می گیرد و می شمارد، اگر باقی مانده فرد باشد آن کار را انجام
می دهد، و اگر زوج باشد ترک می کند.^۱

(۱) صحیفه مهدیه، المختار من کلمات الامام المهدی

فصل ششم: خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام

۱- علی علیه السلام و یاران امام زمان علیه السلام

امیر المؤمنین علیه السلام درباره خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام این گونه می فرمایند:

«بهوش باشید که مهدی علیه السلام زیباترین انسانها در سیما و کاملترین انسان در اخلاق و ارزشهای معنوی و انسانی است. هنگامی که قیام می کند یاران اصلی او که شمارشان ۳۱۳ نفر و به شمار یاران پیامبر در جنگ بدر است، همگی بسان شیرانی از قرارگاه خویش خارج گشته و برگرد آن گرامی حلقه می زنند. آنان به راستی بسان پاره آهنی هستند اگر برای متلاشی نمودن کوهها تصمیم بگیرند آنها را نابود سازند، شبانگاهان ندای دلنوازشان نیایش و گریه های

آنان از خوف خدا، بسان مادران جوان مرده، طنین افکن است. شب زنده داران و روزه گیران و از نظر معنوی و اخلاقی همه بسان هم هستند، گویی یک پدر و مادر آنان را پرورانده‌اند و دل‌هایشان لبریز از مهر و خیرخواهی ... است، بهوش باشید که نام بلند آنان را می‌دانم و از شهرهایشان نیز آگاهم...»^۱

۲- رسول خدا ﷺ و یاران امام زمان

رسول خدا ﷺ فرمود:

«هنگامی که زمان ظهور قائم فرا رسید، ندا کننده‌ای از آسمان ندا می‌دهد که هان‌ای مردم! خداوند سلطه خودکامگان را از سر شما برداشت و سر رشته کارها و تدابیر امور گیتی را، شایسته‌ترین و والاترین امت محمد ﷺ به کف با کفایت خویش گرفت، اینک خود را به مکه برسانید.»

و آنگاه است که چهره‌های پر فضیلتی از مصر، شایستگانی از شام و گروه‌هایی از عراق، به سوی مکه می‌شتابند.

انسانهای شایسته و وارسته‌ای که عبادت کنندگان شبهایند و شیران بیشتر شجاعت و شهامت روزها و قلب‌هایشان بسان قطعه آهن

(۱) الزام الناصب ج ۲، ص ۲۰۰ - امام المهدی ص ۶۱۴

است، اینان میان رکن و مقام با سالار شایستگان گیتی و اصلاحگر بزرگ عصرها و نسلها دست بیعت می دهند.^۱

۳- یاران امام زمان علیه السلام و علی علیه السلام

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: نام یاران مهدی علیه السلام در آسمان شناخته شده است و در زمین (تا آمدن آن گرامی) ناشناخته.^۲

۴- امتیازات یاران امام زمان علیه السلام

خداوند، این شمار از شخصیتها را، تنها بدان جهت به افتخار بزرگ یاری و یآوری آن حضرت، مفتخر می سازد که همگی دارای امتیازات و شایستگیها و صلاحیتهای بی شمارند، به گونه ای که نه در روزگاران و نسلهای گذشته نظیری داشته اند و نه در میان نسلهای آینده نظیری خواهند داشت.

علی علیه السلام در اشاره به شخصیت و امتیازات آنان می فرماید:

آنان در شایستگیها و امتیازات بر اوج رفیعی هستند، نه از نسلهای گذشته کسی از آنان پیشی گرفته است و نه از آیندگان کسی به

(۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴ / الامام المهدی

(۲) ینابیع المودة، ص ۴۳۷

مقام والای آنان می‌رسد.^۱

برخی از آنان به کرامت و مقامی می‌رسند که زمین زیر پای آنان
بسان طوماری درهم پیچیده و نزدیک می‌شود و مسافت طولانی
را به صورت اعجاز آمیزی در مدتی کوتاه می‌پیمایند که امام
صادق علیه السلام در مورد آنان می‌فرماید:

یاران مهدی علیه السلام از نقاط مختلف زمین بسوی او حرکت می‌کنند و
زمین زیر پای آنان درهم پیچیده و دور، نزدیک می‌گردد.^۲

۴- ایمان استوار و کامل

یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام از نظر معنویت و ایمان کامل و
استوار و نداشتن ذره‌ای تردید در دلها و جانها نیز، بی‌نظیرند آنان
در اوج یقین و اخلاصند و به خاطر قوت و استواری و کمال
ایمان به خدا، ذره‌ای ترس و دلهره در کران تا کران وجودشان
نیست چرا که انسان به هر اندازه‌ای که ایمانش به خدا افزون
گردد، به همان اندازه توان و تلاش و شهامت و شجاعتش افزون
می‌گردد. به همین دلیل است که یاران آن حضرت به هنگامی که

(۱) همان

(۲) معجم احادیث الامام المهدی ج ۳، امام المهدی



به میدان کارزار گام می‌سپارند نه کسی توان ایستادن در برابر آنان را دارد و نه پدیده‌ای می‌تواند مانع اجرای برنامه‌های نجات بخش و دستورات صادر شده از سوی فرماندهی بلند مرتبه آنان گردد آنها بر هر نیرویی که میان خود و هدفهای بلندشان بخواهد مانع ایجاد کند پیروزی می‌گردند و آن را با قدرت و صلابت عادلانه، از سر راه عدالت جهانی او، بر می‌دارند.^۱

۵- تواضع و فروتنی

یاران امام زمان علیه السلام قهرمانانی فروتن، متواضع و برخوردار از ارزش اخلاقی و انسانی‌اند و هرگز مغرور و مست قدرت نمی‌شوند. آنها به مقام والای حضرت مهدی علیه السلام آنگونه که شایسته و بایسته است آگاهی و اعتقاد دارند و به همین جهت است که نه تنها از وجود گرانمایه آن حضرت که از زین مرکب اویند مفتخرانه تبرک می‌جویند و آن را مسّ می‌کنند چرا که حضرت مهدی علیه السلام سرچشمه تمامی خوبیها و شایستگیهاست و همه خیرات و برکات از چشمه سار وجود گرانمایه او جاری می‌گردد.

(۱) امام المهدی، ص ۶۱۹

آنان بساط فداکارانی هوشیار، برگرد آن سرچشمهٔ برکات و والایها و ارزشها، حلقه می‌زنند و جان خویش را در همه فراز و نشیبها و میدانهای جهاد و پیکار عادلانه او، سپر بلای جان گرامی او می‌سازند و دستورات و خواسته هایش را به سرعت برق لبیک می‌گویند.^۱

۶- شب زنده داران و نیاشگران

یاران امام زمان عبادت کنندگان خاضع و خاشعند، شبانگاهان را با نماز و نیایش و سوز و گداز عارفانه و عاشقانه به بارگاه خدا، به سحر می‌آورند، در نمازهای خویش زمزمه‌هایی بسان زمزمه زنبوران عسل دارند. و در رکوع و سجود و قیام و قعودند و روزها در اوج آمادگی و شهمت بر مرکبهای خویش، برای انجام دستورات حضرت مهدی علیه السلام ایستاده‌اند و بی هیچ درنگی و تأمل و توقف، در سریعترین فرصت ممکن دستورات آن حضرت را، اجرا می‌کنند.^۲

(۱) امام المهدی، ص ۶۱۹

(۲) همان

۷- در اوج عرفان و آگاهی

یکی از دیگر ویژگیهای برجسته یاران امام زمان که از آیات و روایات بدست آمده است، اوج آگاهی و عمق دانایی و درایت آنهاست دلهایشان به نور معرفت درخشنده و نور باران است و از نادانی و بی فرهنگی و سطحی نگری بدورند، چرا که واقعیتها را به شایستگی می‌فهمند و در اوج شناخت، درایت، عرفان و اندیشه‌اند.^۱

۸- اتحاد و برادری

در روایاتی که گذشت به این نکته تصریح شده است که بیشتر یاران خاص آن حضرت، در اوج جوانی و نشاط و اقتدار و طراوتند و در میان آنان چهره‌هایی سالخورده، اندک است. از دیگر ویژگیهای آنان، این است که اندیشه هایشان متحد و یگانه، دیدگاهشان همانند دلهایشان به هم پیوسته و به هم گره خورده است، نه اختلافی در اندیشه و رای و گفتار آنان خواهی دید و نه در رفتارشان و همگی بسان یک دل، یک قلب، یک مغز



حسین

و یک زبان هستند.^۱

۹- نه غرور مستی و نه احساس ضعف

یاران مهدی موعود بی نظیرترین یاران هستند، آنان نه به آفت غرور و مستی گرفتار می‌شوند و نه از شمار اندک همراهان و پیشتازان در نخستین مراحل قیام، و ظهور آن حضرت، احساس وحشت و تنهایی می‌کنند. زیرا انسانی که دارای ارتباط عمیق و خالصانه با آفریدگار توانایی هستی است، با داشتن آن ارتباط و پیوند احساس وحشت نمی‌کند و نیز از پیوستن دیگران به راه و رسم نجات بخش و افتخار آفرین خویش و بسیاری همراهان، شادمان و مغرور نمی‌گردد.^۲

۱۰- در آرزوی انجام وظیفه و شهادت

آرزوی بزرگ یاران خاص امام مهدی علیه السلام به دوش کشیدن بار مسئولیت و به انجام رساندن وظایف و جهاد و شهادت در راه خداست. چرا که معنا و مفهوم حقیقی شهادت را به شایستگی

(۱) همان

(۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷ - امام المهدی

دریافته و ارزش آن دربارگاه خدا را، آنگونه که باید شناخته اند.^۱

۱۱- نام مقدس حسین علیه السلام بر لب

یاران مهدی موعود نام بلند آوازه حسین علیه السلام را بر لب دارند و شعار ویژه آنان یا لثارات الحسین علیه السلام است.

فاجعه خونبار کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام با گذشت قرن‌ها و نسل‌ها، نه تنها به بوته فراموشی سپرده نمی‌شود، بلکه همواره زنده و پر حرارت می‌ماند و هر چه روزگار بر آن بگذرد حرارت و شور و سوزش خویش را حفظ می‌کند چنانکه گویی همین دیروز، آری! دیروز رخ داده است.

آری! کسانی که در روز عاشورا، آن جنایات دهشتناک را به بار آورند، همگی در خور سخت‌ترین کیفرها هستند، همانگونه که از نسل‌های پس از آنان نیز، کسانی که بدان جنایات دردمنشانه راضی باشند در خور شدیدترین کیفرهایند.

آخر، انسان نمایی که وجدانش راضی شود که حرمت‌های خدا هتک گردد و خون بزرگترین دوستان خدا، به دست پلیدترین مخلوق او

به زمین ریخته شود، چنین انسانی زینده زندگی و ادامه حیات نیست. او موجود پلید و پست و متعفن است که از پلیدی او جامعه انسانی، آلوده می‌گردد و انهدان چنین موجود جنایتی نابخشودنی در حق بشریت است و ناگزیر باید چنین جرثومه‌های کثیفی که از روز شهادت پیشوای شهیدان امام حسین علیه السلام تا امروز و دیروز قیام آن اصلاحگر بزرگ جهانی تولید مثل و افزون گشته‌اند، نابود گردند.^۱

آری! یاران حضرت مهدی علیه السلام به خاطر اعلام عظمت فاجعه عاشورا که با گذشت زمان، تجدید می‌شود و نشانه‌ها و آثار و ابعاد آن، با رشد فکری و آگاهی و افزون گشتن شناخت و بینش بشریت در مورد رخدادها آشکار می‌گردد، به نام حسن علیه السلام و عاشورای او شعار می‌دهند و ندای یا لثارت الحسین! را همه جا طنین افکن می‌سازند. چرا که این شعار، هشدار است به همه پلیدان و جنایتکاران که بدان فاجعه دلخراش رضایت داده و خاندان وحی و رسالت را به خاطر آن فداکاری بی نظیر و دفاع از حق و عدالت و ستم ستیزی به باد نکوهش گرفتند و در طول

تاریخ از پلیدان حق ستیز و ستمکار جانبداری نموده و جنایات آنان را توجیه کردند.

آری! یاران مهدی علیه السلام به وسیله ابرها در روز روشن جابه جا شده و به مکه و قرارگاه آن بزرگوار می‌رسند.

فصل هفتم: کرامات مهدی موعود عجل الله فرجه

۱- نجات زائران بیت الله الحرام توسط امام زمان
آقای حاج شیخ اسماعیل غازی می گوید: «در یکی از سالها که من
جمعی از اهالی مشهد را به عنوان حمله دار و رئیس کاروان به
زیارت بیت الله الحرام می بردم و در آن زمان از راه نجف اشرف
که از بیابانهای بی آب و علف و پر از شن عبور می کرد می رفتیم.
جاده آسفالته و یا حتی جاده ای که شن ریزی شده باشد نبود و
فقط عده ای راه بلد می توانستند از علائم مخصوص، راه را پیدا
کنند و حتما باید آب و بنزین کافی همراه داشته باشند تا در راه
نمانند. ما از نظر آب و بنزین و ماشین مرتب و آماده بودیم، حتی
دو نفر راننده داشتیم. مسافرین نان و غذای کافی برداشته بودند و



خطبہ

ما راہ خود را در پیش گرفته بودیم و می رفتیم. یکی از دو راننده، آدم با تقوایی نبود، اتفاقاً آن روز نزدیک غروب وسط بیابان او پشت فرمان نشسته بود.

ما به او گفتیم: شب نزدیک است همین جا می مانیم صبح با خیال راحت حرکت می کنیم. ولی او به ما اعتنایی نکرد و به راه خود ادامه داد، تا آنکه شب شد

پس از مدتی که به راه خود ادامه داد ناگهان ایستاد و گفت: دیگر راه معلوم نیست.

همه ما پیاده شدیم و شب را در همانجا ماندیدیم، صبح که از خواب برخاستیم دیدیم به کلی راه کور شده و حتی باد، شن‌ها را در جای طایر ماشین ما ریخته که معلوم نیست ما از کجا آمده ایم. من به مسافرین گفتم: سوار شوید و به راننده گفتم: حدود ده فرسخ به طرف مشرق و ده فرسخ به طرف مغرب و ده فرسخ به طرف جنوب و ده فرسخ به طرف شمال می رویم تا راه را پیدا کنیم.

راننده قبول کرد و در آن بیابان بی آب و علف تا شب کارمان همین بود، ولی راه را پیدا نکردیم. باز شب در همانجا بیتوته کردیم ولی من خیلی پریشان بودم.

روز دوم به همین ترتیب تا شب هر چه کردیم اثری از راه دیده نشد و ضمناً بنزین ماشین هم تمام شده بود و حدود غروب آفتاب بود که دیگر ماشین ما ایستاد و بنزین تمام کرده بود. آب هم جیره بندی شده بود و دیگر نزدیک بود تمام شود، آنشب در درگاه خدا زیاد عجز و ناله کردیم.

صبح همه ما تن به مرگ داده بودیم، زیرا دیگر نه آب داشتیم و نه بنزین و نه راه را می دانستیم، من به مسافرین گفتم: بیائید نذر کنیم که اگر خدا ما را از این بیابان نجات بدهد وقتی به وطن رسیدیم هر چه داریم در راه خدا بدهیم، پس همه قبول کردند و خود را به دست تقدیر سپردیم.

حدود ساعت نه صبح بود، دیدم هوا نزدیک است گرم شود و قطعاً با نداشتن آب، جمعی از ما می مردند لذا من فوق العاده مضطرب شده بودم.

از جا حرکت کردم و قدری از مسافرین فاصله گرفتم اتفاقاً در محلی شنها روی هم انباشته شده بودند و مانند تپه‌ای در آمده بودند من پشت آن تپه رفتم و با اشک و آه فریاد می زدم:

یا ابا صالح المهدی ادرکنی - یا صاحب الزمان ادرکنی یا حجة بن الحسن العسکری ادرکنی»



حکایت

سرم پائین بود و قطرات اشکم به روی زمین می ریخت، ناگهان صدای پائی را احساس کردم که به من نزدیک می شد، سرم را بالا گرفتم مرد عربی را دیدم، که مهار شترهایی را گرفته و می خواهد عبور کند صدا زدم که آقا! ما در اینجا گم شده ایم ما را به راه برسان. آن عرب شترها را خواباند و نزد من آمد و سلام کرد.

من جواب گفتم: اسم مرا برد و گفت: شیخ اسماعیل! نگران نباش، بیا تا من راه را برای شما نشان بدهم.

سپس مرا به آن طرف تپه برد و فرمود: بین از این طرف می روید و به دو کوه می رسید، وقتی از میان آن دو کوه عبور کردید به طرف دست راست مستقیم می روید، حدود غروب آفتاب به راه خواهید رسید.

گفتم: باز ما راه را گم می کنیم. و ضمناً قرآن را از جیبم درآوردم و گفتم شما را به این قرآن قسم می دهم ما را خودتان به راه برسانید. زیاد اصرار کردم و او را مرتب قسم می دادم و او گفت: بسیار خوب! همه سوار شدند. و به آن راننده ای که تقوای بیشتری داشت گفت: تو پشت فرمان بنشین.

خودش هم پهلوی راننده نشست و من هم روی صندلی دیگر کنار او نشستم. حالا یا از بس که خوشحال شده بودیم و یا

تصرفی در فکر ما شده بود که هیچ کدام از ما حتی راننده و مسافرین توجه نداشتند که بنزین ماشین ما در شب قبل تمام شده بود.

یکی دو ساعت راه را پیمودیم ناگهان به راننده دستور داد که: نگهدار! ظهر است نماز بخوانیم و بعد حرکت کنیم.

همه پیاده شدیم در همان نزدیکی چشمه آبی بود، خودش وضو گرفت ما هم وضو گرفتیم و از آن آب خوردیم، او رفت در کناری مشغول نماز شد و به من گفت: تو هم با مسافرین نماز بخوان.

وقتی نمازمان تمام شد و سر و صورتی شستیم فرمود:

سوار شوید که راه زیادی در پیش داریم همه سوار شدیم.

همان طور که قبلا گفته بود به دو کوه رسیدیم، از میان آنها عبور کردیم، بعد به راننده فرمود: به طرف دست راست حرکت کن.

تا آنکه حدود غروب آفتاب بود، که به جاده اصلی رسیدیم. در

بین راه با ما فارسی حرف می زد، احوال علماء مشهد را از من می پرسید بعضی از آنها را تعریف می کرد و می فرمود: فلانی آینده

خوبی دارد. در بین راه به ایشان گفتم: ما نذر کرده ایم که اگر نجات پیدا کنیم همه اموالمان را در راه خدا انفاق کنیم.

فرمود: «عمل به این نذر لازم نیست»



بالاخره وقتی به جاده رسیدیم همه خوشحال از ماشین پیاده شدیم و من مسافرین را جمع کردم و گفتم: هر چه پول دارید بدهید تا به این مرد عرب بدهیم چون خیلی زحمت کشیده است شترهایش را در بیابان رها کرده، و با ما آمده است.

ناگهان مسافرین و خود من از خواب غفلت بیدار شدیم و مسافرین گفتند: راستی این مرد کیست و چگونه بر می‌گردد؟ دیگری گفت: شترهایش را در بیابان به چه کسی سپرد؟! سومی گفت: ماشین ما که بنزین نداشت این همه راه یک صبح تا غروب چگونه بدون بنزین آمده ایم؟

خلاصه همه سراسیمه به طرف آن مرد عرب دویدیم ولی اثری از او نبود. او دیگر رفته بود و ما را به فراق خود مبتلا کرده بود.^۱

۲- مرگ ما را هم باید امام زمان علیه السلام امضا کند

یکی از بزرگان نجف که اصالتاً ایرانی است می‌فرمود: من در نجف با شخصی ازدواج کردم و در فصل تابستان برای زیارت و ملاقات اقوام و خویشان عازم ایران شدیم و پس از زیارت

(۱) ملاقات با امام زمان علیه السلام / شفا یافتگان و نجات یافتگان امام زمان علیه السلام

حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام عازم وطن خود که نزدیک مشهد بود گردیدیم. آب و هوای آنجا به همسر من نساخت و مریض شده روز به روز مرضش شدت پیدا کرد و هر چه معالجه کردیم فایده‌ای نداشت و مشرف به مرگ شده من در بالین او بودم، بسیار پریشان شدم و دیدم عیال من در این لحظه فوت می‌کند و باید تنها به نجف برگردم و در پیش پدر و مادرش خجل و شرمنده گردم و به آنها بگویم: دختر نو عروس ما را برد و در آنجا دفن کرد و خودش برگشت. حالت تشویش و اضطراب عجیبی در من پیدا شد، فوراً در اتاق مجاور ایستادم و دو رکعت نماز خواندم و توسل به امام زمان (ارواحنا فداه) پیدا کردم و عرض نمودم: یا حی لی الله، یا صاحب الزمان، زن مرا شفا بدهید که این امر از دست شما ساخته است و با نهایت تضرع و التجاء متوسل شدم و سپس به اتاق عیالم آمدم، دیدم نشسته و مشغول گریه کردن است تا چشمش به من افتاد، گفت: چرا مانع شدی؟! چرا نگذاشتی!؟

من نفهمیدم او چه می‌گوید و تصور کردم که حالش بد است. بعد کمی به او آب دادیم و غذا به دهانش گذاردیم، آنگاه قضیه خود را برای من تعریف کرد و گفت:



حزقیں

«عزائیل برای قبض روح من با لباس سفید آمد و بسیار متجمل و زیبا و آراسته بود و به من لبخندی زد و گفت حاضر به آمدن هستی؟ گفتم: آری بعد دیدم حضرت علی علیه السلام تشریف آوردند و با من بسیار ملاحظت و مهربانی کردند و به من گفتند: من می‌خواهم بروم نجف می‌خواهی با هم به نجف برویم؟ گفتم: بلی، خیلی دوست دارم با شما به نجف بیایم. من برخاستم لباس خود را پوشیدم و آماده شدم که با آن حضرت به نجف اشرف برویم، همین که خواستم با آن حضرت از اتاق خارج شوم، دیدم که امام زمان علیه السلام تشریف آوردند و به امام علی علیه السلام فرمودند که این بنده به ما متوسل شده، لطفا حاجتش را برآورید. مولا علی علیه السلام نیز بلافاصله به عزرائیل فرمودند: به تقاضای این مرد مومن که به ما متوسل شده برو تا موقع معین، و امیر المومنین علیه السلام هم از من خداحافظی کردند و رفتند. چرا تو دعا کردی و نگذاشتی من بروم؟!»^۱

(۱) کتاب قبض روح ص ۱۱۶ - ملاقات با امام زمان در عصر حاضر

۳- امام زمان در تشییع جنازه آیت الله گلپایگانی

حضرت آیه الله شیخ محمد امامی کاشانی در جلسه سوم مجلس ختمی که در مسجد اعظم قم از طرف اساتید حوزه علمیه قم منبر بودند فرمودند: یکی از افرادی که مورد وثوق است و گاهی اخباری را در دسترس من قرار می دهد گفت:

در تشییع جنازه حضرت آیه الله العظمی سید محمد گلپایگانی قدس سره از تهران به قم رفتم و به مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام رسیدم.

به دو نفر از اصحاب حضرت حجت علیه السلام برخورد کردم به من گفتند: امام زمان علیه السلام در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشریف دارند برو آقا را ملاقات کن.

با عجله خودم را به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام نزدیک حرم حضرت معصوم علیه السلام رسانده و وارد مسجد شدم. اذان ظهر را گفته بودند، متوجه شدم حضرت با سی نفر از اصحاب مشغول نماز بودند اقتدا کردم و بعد از نماز، حضرت علیه السلام فرمودند: ما از همین جا تشییع می کنیم.

از مسجد خارج شدیم و به دنبال جمعیت با آقا رفتیم تا به صحن

رسیدیم^۱

۴- امام زمان علیہ السلام و مکہ خونین

یکی از مادران شهداء تعریف می کرد که من در جریان مکہ خونین همراه تظاهر کنندگان بودم و پشت سر جانبازان حرکت می کردیم که ناگهان از اطراف و دور و بر ما خورده شیشه و گازهای اشک آور بر سر ما ریخته شد، ماموران سعودی با تپانچه زائران را می زدند خون خیابانها را گرفته بود هیچ کس به حال خود نبود ما هم تا آنجا که قدرت داشتیم جانبازانی که روی ویلچر نشسته بودند را دست به دست به عقب می راندیم تا جان آنها در امان باشد وضعیت بسیار وحشتناکی بود با دستگاہهایی آبجوش روی زائران می ریختند خیلی ها کشته شده بودند و خیلی ها هم زخمی من که خبر از حال نداشتم ناگهان از حال رفتم و وقتی به هوش آمدم خودم را در یک کوچه ای تنها دیدم که نه چادری به سر داشتم و نه اینکه خبری از همسرم بود به خود آمدم و خواستم حرکت کنم دیدم نمی توانم تمام بدنم خونی بود و از ضرب کتک

(۱) دیدار با امام زمان علیہ السلام ص ۶۹

و تشنگی حالم اصلاً خوب نبود خیلی نگران و ناراحت بودم کہ خدایا این چه جریانی بود کہ برایمان پیش آورده بودند تازه یادم آمد کہ من وقتی دیدم حالم خراب است خودم را بہ زحمت بہ داخل این کوچہ کشانده بودم ولی حالا نمی توانستم حرکت کنم فقط گریہ می کردم و می گفتم یا امام زمان بہ دادم برس الان شوهرم سکتہ می کند و ناراحت و نگران حتما دنبال من می گردد یا امام زمان ترا بہ حق شہدا بہ دادم برس، در ہمین حال و ہوا بودم کہ مرد عربی از کوچہ می گذشت و ہمین کہ بہ من رسید من بہ او سلام کردم و دستش را گرفتم و گفتم آقا ترا بہ خدا مرا نجات بدہ نہ کاروانم را می دانم کجاست و نہ هتل را می شناسم ہمہ را گم کردم من سواد ندارم و می دانم شوهرم الان دنبال من می گردد و مطمئناً فکر میکند کہ من کشتہ شدم تو را بہ خدا بہ من کمک کن در ہمین لحظہ بود کہ آن مرد عرب گفت، خانم دست مرا رها کن و دامن مرا بگیر من دست او را رها کردم و پیراہن عربی ای کہ بہ تن داشت را گرفتم و گفت ناراحت مباش الان بہ هتل تون می رسیم من اصلاً نفہمیدم چطور و چگونہ بہ دم در هتل رسیدیم و اصلاً من با آن ہمہ کوفتگی ای کہ بدنم داشت چطور با او راہ رفتم ہیچ یادم نمی آمد ہمینکہ بہ دم در هتل



خطبای

رسیدیم به من گفت: هتل شما همین است؟! گفتم: آری! فکر می‌کنم، گفت شک نکن همین جا هتل شماست و برو که شوهرت از نگرانی درآید چون خیلی نگران و مضطرب است من گفتم آقا همین جا صبر کنید در همین حال چشمم به داخل هتل خورد دیدم شوهرم با نگرانی قصد خارج شدن را دارد او وقتی مرا دید با تعجب پرسید چگونه و چطور با این همه زخم و کوفتگی اینجا را پیدا کردی آخ ساعت ۱۲ شب بود و هوا هم تاریک بود من خواستم به شوهرم مرد عرب را نشان بدهم که این آقا مرا تا اینجا آورد ولی همینکه برگشتم کسی را ندیدم حتی شوهرم تا آخر کوچه دوید تا ببیند اون آقا چه کسی بود ولی اثری از اون آقا نبود تا اینکه بعداً به ایران آمدیم و در یک خوابی دو فرزند شهیدم را در خواب دیدم و آنها به من گفتند اون آقا مولا امام زمان علیه السلام بوده است که به شما کمک کرد.^۱

(۱) به نقل از مادر شهیدان، غلامرضا صادقی و مهرداد صادقی از چالوس

۵- ما تو را یاری خواهیم کرد

آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره از مراجع بزرگ و وارسته است که ہم به محضر مبارک امام عصر علیه السلام نائل آمده و ہم به افتخار دریافت نامه و توقیع از سوی آن حضرت، مفتخر شده است.

داستانی که خواهد آمد نشانگر عنایت و لطف دوازدهمین امام نور حضرت مهدی علیه السلام به آن مرجع بزرگوار تقلید و آن عالم ربانی است.

آورنده توقیع، عابد پارسا و پرواپیشه، شیخ محمد کوفی شوشتری است که داستان آن را آقای رازی چنین می نگارند.

در بیت آیه الله حائری بودیم و دانشمند پرواپیشه آقای حلبی نیز آنجا بود. به تناسبی سخن از آیه الله اصفهانی به میان آمد که آقای حلبی فرمودند:

«من در عصر آن بزرگوار از کسانی بودم که گاه اشکال و ایراد به سبک معظم له در رهبری معنوی و مذهبی جهان تشیع داشتیم و این ایراد تا هنگام تشرف به عتبات عالیات و دیدار خصوصی با آن مرحوم ادامه داشت. به همین جهت هم، آنجا وقتی محضرش



خطبہ سید

رفتہ اشکالات خود و دیگران را گفتم و آن بزرگوار با کمال سعه صدر و گشادگی چہرہ جواب ہمہ اشکال و ایرادہای مرا داد و سرانجام فرمود: من دستور دارم کہ اینگونہ عمل کنم.

گفتم: از کجا و چہ کسی دستور دارید؟

فرمود: از چہ کسی می‌خواہید دستور داشته باشم؟

گفتم: یعنی از امام عصر علیہ السلام

فرمود: آری! و برخاست در صندوق خود را گشود و پاکتی را از آنجا برگرفت و بہ دست من داد.

من بہ مجرد اینکہ پاکت را گرفتم مضطرب و منقلب شدم. با حالتی وصف ناپذیر کاغذ را از پاکت درآوردم و آن را خواندم کہ از جملہ این عبارت نوشتہ شدہ بود:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

یا سید ابوالحسن نفسک و اجلس فی دہلیز بیتک و لاترخ سترک (واعن اواعت شیعتنا و موالینا) نحن نصرک ان شاء اللہ المہدی، بہ نام خداوند بخشندہ مہربانای سید ابوالحسن خود را ازران کن و در اختیار ہمگان قرار بده و در بیرونی منزلت بنشین و در بر روی کسی مہند و پردہ بین خود و مردم قرار مده و بہ داد و کمک پیروان و دوستان ما برس... ما ترا یاری می‌کنیم. پرسیدم: این



توقع شریف را به وسیله چه کسی دریافت داشته اید؟ فرمود: به وسیله مردی عابد و پارسا و با تقوی به نام شیخ محمد کوفی که از هر جهت مورد وثوق و اطمینان است. اجازه گرفتم تا از آن نسخه‌ای بردارم مشروط بر اینکه تا سید در قید حیات است ابراز نکنم.^۱

۶- تشریف زنی صالحه از مازندران

زنی صالحه که معروف به تقوی و طهارت و از اهل آمل مازندران است، گفت: عصر پنج شنبه‌ای برای زیارت اهل قبور به قبرستان مصلی رفتم و کنار قبر برادرم خیلی گریه کردم به حدی که حالت ضعف گرفتم و دنیا در نظرم تاریک شد، بعد برخاستم و متوجه زیارت امامزاده ابراهیم که همان جاست شدم.

ناگاه در بین راه و کنار رودخانه از طرف آسمان انواری را با رنگاهای مختلف مشاهده کردم این نورها موج بودند و بالا و پایین می‌آمدند، مقداری که پیش رفتم دیگر آن نورها را ندیدم ولی مردی را دیدم که در آن مکان نماز می‌خواند و در حال

(۱) محمدرازی، کرامات صالحین، ص ۱۱۰، دیدار با امام زمان علیه السلام ص ۲۴-۲۳



خطبہ

سجدہ است. با خودم گفتم: باید این مرد یکی از بزرگان دین باشد و قبل از این که برود باید او را بشناسم، لذا پیش رفتم و ایستادم تا نمازش تمام شد. سلام کردم و او جواب داد.

عرض کردم: شما کیستی؟

توجهی به من نکرد، اصرار نمودم.

فرمود: چه کار داری؟ اسم من که به درد تو نمی خورد. من غریبم! او را قسم دادم. وقتی قسم دادم زیاد شد و به خاندان عصمت و

طهارت علیہ السلام رسید، فرمود: من عبدالحمیدم،

عرض کردم: برای چه تشریف آورده اید؟

فرمود: برای زیارت خضر آمده ام.

عرض کردم: خضر کجاست؟

فرمود: قبرش آنجاست، و به سمت بقعہ ای اشاره کرد که نزدیک

آنجا بود و معروف است به قدمگاه خضر نبی علیہ السلام و شبها

چهارشنبه مردم در آنجا شمع زیادی روشن می کنند.

عرض کردم: می گویند خضر هنوز زنده است.

فرمود: این خضر، آن خضر نیست، بلکه این خضر عموی ما و

امامزاده است.

با خودم گفتم: این مرد غریب، آدم بزرگ و انسان خوبی است، او

را راضی می‌کنم تا به خانه ما تشریف بیاورد و میهمان ما باشد. در حالی که لبهایش به دعایی متحرک بود از جای خود برخاست که تشریف ببرد گویا به من الهام شده بود ایشان حضرت بقیة الله هستند و چون می‌دانستم آن حضرت بر گونه مبارک خالی دارد و دندان پیش او گشاده است، برای امتحان و تصدیق آن خطور قلبی، به صورت نورانی اش نگاه کرد، دیدم دست راست را روی صورت خویش گذاشتند. عرض کردم: نشانه‌ای از شما می‌خواهم.

فورا دست مبارک را کنار بردند و تبسم فرمودند: در این جا هر دو علامت را مشاهده کردم و خال و دندان را آن طوری دیدم که شنیده بودم یقین کردم که همان بزرگوار است.

مضطرب شدم و خیال کردم آن حضرت ظهور فرمودند عرض کردم: قربانت کردم کسی از ظهور شما مطلع شد؟ فرمود: نه! هنوز وقت ظهور نشده است. و به راه افتاد. از شدت اضطراب دست و پا و سایر اعضايم از حرکت باز ماند، نمی‌دانستم چه بگویم و چه حاجتی بخواهم. فقط توانستم عرض کنم: فدایت شوم، اجازه بدهید پای مبارکتان را ببوسم.

پای مبارک را از کفش بیرون آوردند و من بوسیدم، گویا کف پای



حزقیں

حضرت هموار بود و مانند پاهای مردم معمولی پست و بلند نبود. آن حضرت به راه افتادند هر قدر فکر کردم حاجاتم چه بود تا آنها را بخواهم، اما از شدت اضطراب و کمی فرصت، هیچ چیز به یادم نیامد، فقط عرض کردم: آقا آرزو دارم خدای متعال به من پنج فرزند بدهد تا به اسامی پنج تن آل عبا نامگذاری کنم.

در بین راه، دستهای مبارک خود را به دعا بلند کرد و فرمود: ان شاء الله دیگر هر چه گفتم و التماس نمودم اعتنائی نفرمودند تا داخل بقعه خضر شدند و مهابت ایشان مانع از آن شد که من داخل بقعه شوم، به طوری که گویا راه مرا بسته باشند، ترس هم بر من چیره شد و از شدت وحشت بر خود می لرزیدم یکه و تنها بر در آن بقعه که یک در بیشتر نداشت ایستادم و منتظر بودم که شاید بیرون بیایند، اما توقفشان در آنجا طول کشید و بیرون نیامدند.

اتفاقاً در همین اثنا زنی را دیدم که می خواهد به قبرستان برود او را صدا زدم و گفتم بیا با هم به بقعه برویم، قبول کرد و با هم داخل شدیم اما هیچ کس را ندیدیم از بیرون و داخل شدیم اما هیچ کس را ندیدیم از بیرون و داخل هر قدر نگاه کردیم اثری ندیدیم با این که بقعه هیچ راه دیگری نداشت.

با مشاهده این عجائب و خوارق عادات حالم دگرگون شد و نزدیک بود غش کنم به همین جهت مرا به خانه رساندند. در همان ماه به برکت دعای آن حضرت، روی فرزندم محمد حامله شدم بعد به علی و فاطمه و حسن ولی پس از چندی حسن فوت شد بسیار دلتنگ شدم و اصرار و استغاثه کردم تا این که حسن را بار دیگر همراه با حسین دوقلو حامله شدم که بعدها عباس هم به آنها اضافه شد.^۱

۷- امام خمینی و رابطه شان با امام زمان علیه السلام

مرحوم حجة الاسلام سید محمد کوثری نقل کردند: یک روز من منزل آیت الله فاضل لنکرانی از استادان حوزه علمیه قم بودم و یکی از فضلاء مشهد هم آنجا بودند، ایشان به نقل از یکی از دوستانش تعریف کردند که:

در نجف اشرف در خدمت امام خمینی (ره) بودم و صحبت از ایران به میان آمد. من گفتم: این چه فرمایشهایی است که در مورد بیرون کردن شاه از ایران می فرمائید؟ یک مستاجر را نمی شود از

(۱) برکات ولی عصر علیه السلام ص ۶۲ و ۶۳



حکایت

خانه بیرون کرد، آن وقت شما می‌خواهید شاه مملکت را بیرون کنید؟ امام سکوت کردند: من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده‌اند سختم را تکرار کردم، امام برآشفتنند و فرمودند:

فلانی چه می‌گویی؟ مگر حضرت بقیه الله امام زمان صلوات الله علیه به من (نستجیر بالله) خلاف می‌فرمایند؟ شاه باید برود! و همان شد شاه از مملکت رفت، می‌بینم که ایشان چنین پیوندی با حضرت بقیه الله داشتند و اگر این طور نبود این وضع پیش نمی‌آمد؟

فصل هشتم: میراث پیامبران و امام زمان علیه السلام

۱- روایت درباره میراث پیامبران

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم علیه السلام ظهور می نماید با پرچم ویژه پیامبر خاتم سلیمان سنگ و عصای ویژه موسی، ظهور می کند.^۱

امام صادق علیه السلام آورده اند که در روایاتی پیرامون پرچم خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

جبرئیل در روز بدر، آن پرچم را برای پیامبر آورده و آن حضرت آن را گسترد و به اهتزاز درآورد آنگاه پس از پیروزی آن

(۱) غیب نعمانی و معجم احادیث المهدی، امام المهدی

را پیچید و به امیر المومنان علیه السلام داد و روز جنگ بصره نزد آن حضرت بود، در آنجا آن پرچم را گسترد و پس از رسیدن پیروزی از جانب خدا، بار دیگر آن را بست و به امام راستین پس از خویش سپرد و هم اکنون آن پرچم پیروزی بخش نزد ما خاندان پیامبر است و کسی که آن را نخواهد گشود تا قائم ما قیام کند و انگاه است که او پس از قیام آن پرچم ویژه پیامبر را خواهد گشود.^۱

۲- انگشتی سلیمان نبی و امام زمان علیه السلام

در روایات آمده است که «... إذا لبسه سَخَّرَ اللهُ له الطير و الريح و الملك»^۲

یعنی: آن حضرت هنگامی که آن خاتم را با خود بر می داشت خداوند پرنده و با دو فرشتگان را مسخر می ساخت.

(۱) همان

(۲) بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۱۹۴

۳- عصا و سنگ موسی علیه السلام

« وَإِذْ أَسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ ^ط
فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ^ط قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ... »^۱
یعنی: و بیاد آورد آنگاه را که موسی برای قوم خویش آب
خواست و ما گفتیم: «عصایت را بر آن تخته سنگ بزن!» پس
دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت [به گونه‌ای که] و هر گروهی
آبشخور خود را دانست.

و در مورد عصای او می‌فرماید:

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ^ط فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ^۲
یعنی: و به موسی وحی کردیم که عصای خویش را بیفکن و به
ناگاه دیدند که همه جادوهایشان را می‌بلعد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

عصای موسی از چوب «آس» بوده است که از درختهای بهشت
است و هنگامی که او به سوی مدین حرکت کرد، جبرئیل آن را

(۱) بقره / ۶۰

(۲) اعراف / ۱۱۷



حکایت

برای او آورد.^۱

و امام باقر علیه السلام می فرماید:

هنگامی که قائم علیه السلام ظهور می کند ... سنگ عظیم و ویژه موسی بن عمران به همراه اوست و در هر منزلگاهی فرود می آید و از سنگ، چشمه ها می جوشد...^۲

۴- پیراهن امام زمان علیه السلام

امام صادق علیه السلام به یعقوب بن شعیب فرمود:

«ای یعقوب آیا می خواهی پیراهن خاصی را که قائم علیه السلام به هنگام ظهور بر اندام مبارک خویش دارد به تو نشان بدهم؟
پاسخ داد: آری فدایت گردم.

امام صادق علیه السلام بسته خاصی را طلبید و آن را باز کرد و پیراهن ویژه ای را بیرون آورد که در آستین چپ آن، قطرات خون بود.
آنگاه فرمود: این پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در جنگ احد آن زمانی که دندان مبارکش را شکستند، این پیراهن بر تن رسول

(۱) غیب نعمانی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۲ - امام المهدی ص ۶۶۱

(۲) کافی، ج ۱، ص ۲۳۱، بحار ج ۱۳، ص ۱۸۵، امام المهدی ص ۶۶۱

خدا ﷻ بود و قائم ﷺ نیز به هنگامی که ظهور کند این پیراهن را بر تن دارد.^۱

امام صادق ﷺ به مفضل فرمود:

آیا می‌دانی پیراهن یوسف چه بود؟

مفضل گفت: نه فدایت گردم!

فرمود: «هنگامی که ابراهیم را به آتش افکندند جبرئیل فرود آمد و آن پیراهن را بر اندام او پوشانید، آنگاه با آن پیراهن نه حرارت آتش به او آسیب رسانید و نه سوز سرما، هنگامی که رحلت او فرا رسید، آن را در بسته خاصی قرار داد و به اسحاق سپرد و اسحاق نیز به یعقوب سپرد و یعقوب نیز آن را به یوسف سپرد و همچنان به همراه یوسف بود تا آن لحظه‌ای که خود را به برادر شناساند و آن پیراهن را از جایگاه ویژه اش خارج ساخت تا به سوی پدر بفرستد و آنگاه بود که یعقوب بوی عطر آگین آن را استشمام کرد» که قرآن می‌فرماید:

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن

(۱) کمال الدین ج ۲، ص ۶۷۴ / بحار ج ۱۲ ص ۲۴۸



تَفَنِّدُونَ^۱

یعنی ... چون کاروان به راه افتاد، پدرشان گفت اگر مرا دیوانه
نخوانید بوی یوسف به مشامم می‌رسد.

و این پیراهن از بهشت بود.

مفضل می‌گوید: گفتم: فدایت گردم! این پیراهن به کجا و چه
کسی انتقال یافت؟

فرمود به اهلش! هنگامی که قائم ما قیام کند به همراه او خواهد
بود. سپس فرمود: هر پیامبری دانشی از خود به جای گذارد یا
ارث دیگری از او بماند، سرانجام به آل محمد علیهم‌السلام می‌رسد.
سپس فرمود:

پیراهن پیامبر که در جنگ احد بر تن مبارکش بود، عمامه آن
حضرت و زره و شمشیرش که ذوالفقار نام داشت، همه به هنگام
قیام قائم همراه آن حضرت خواهد بود.^۲

امام باقر علیه‌السلام فرمود:

عصای موسی نخست مال آدم بود، از او به شعیب پیامبر و آنگاه
به موسی رسید و اینک آن عصا نزد ما خاندان پیامبر است. من
تازه آن را دیده‌ام که سبز رنگ است، درست بسان هنگامی که از

(۱) یوسف/۹۴

(۲) غیب نعمانی، ص ۳۰۷ و ۳۰۸ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳

درخت بریده شده است.

آن عصا هنگامی که خواسته شود، به قدرت خدا سخن می‌گوید و برای قائم ما، آماده شده است و آن گرامی از آن، همانگونه بهره می‌برد که موسی بهره برد و آن عصا هر آنچه دستور باید انجام می‌دهد و هنگامی که افکنده شود هر آنچه را که فریبکاران و ساحران و دروغپردازان و شیادان روزگار بافته باشند، همه را می‌بلعد و باطل می‌سازد.^۱

۵- مهدی موعود علیه السلام در سرزمین قدس

مهدی زهرا علیها السلام برای در هم کوبیدن بساط فریب و دجالگری و بیداد سفیانی پس از استقرار حکومت عادلانه اش در جزیره العرب و عراق، از کوفه به سوی شام حرکت می‌کند و در آن روزگاران «سفیانی» در «رمله» در سرزمین فلسطین و شمال شرقی قدس خواهد بود.

او با لشکر شکوهمند خویش به فلسطین می‌رسد و پیکاری سخت میان دو نیروی حق و باطل رخ می‌دهد که سرانجام با پیروزی نیروهای امام زمان علیه السلام و شکست و نابودی جنبش سفیانی، جنگ

(۱) کمال الدین ج ۲، ص ۶۷۳ امام المهدی، ص ۶۶۴



خطبہ

به پایان می‌رسد. مهدی موعود علیه السلام به دروازه شهر کد (روستایی است که در نزدیکی بیت المقدس در سرزمین فلسطین) در فلسطین می‌رسد و موضع رژیمهای حاکم بر فلسطین و اردن در آن روزگار روشن نیست جز اینکه بی تردید آن گرامی تمامی حکومتهای سیاهکار و ستم پیشه را درهم می‌کوبد و همه استبدادگاران منحرف را نابود می‌سازد و مردم را از بند و فریب و دجالگری و اسارت آنها رهایی می‌بخشد در دروازه همان شهر کد در فلسطین است که عیسی بن مریم علیه السلام برای بیعت با آن حضرت از آسمان به زمین فرود می‌آید و با آن حضرت نماز می‌گذارد و در حرکت نجات بخش آسمانی آن حضرت، او را یاری می‌کنند.^۱

۷- از بین رفتن دجال به دستور امام زمان علیه السلام

دجال فردی است یک چشمی و کارش جادوگری شعبده بازی و چشم بندی است و به همین جهت به کارهای سحرانگیزی دست می زند و به گونه ای عمل می کند که مردم کارهای او را واقعی می پندارند. او ادعای نبوت می کند و بعد هم با جسارت تمام ادعای خدایی می کند و می گوید: «انا ربکم الاعلی»: مردم! من پروردگار بزرگ شما هستم.

او در شرایط قحط و تورم اقتصادی و خشکسالی قیام می کند و پیروان او را انبوهی از عناصر پست و فرومایه و آلوده به گناه و رذایل اخلاقی همچون زنان ولگرد و نسل تبهکار آنها و نژاد پرستان یهود و ... تشکیل می دهند.

روایات رسیده در مورد دجال و عملکرد تبهکارانه و دجالگرانه اش به گونه ای است که برای ما مفهوم نیست، شاید رموز و اشاراتی باشد که در روزگار ما نامفهوم اند و در آینده پرده اسرار از روی آنها برداشته شود.

به هر حال: زندگی نکبت بار این عنصر پلید در فلسطین به پایان خویش می رسد و امام عصر علیه السلام پس از قیام خویش و فرود آمدن



عیسی بن مریم به آن پیامبر بزرگ دستور می‌دهد که دجال را از صحنه بردارد و او نیز دستور را اجرا می‌کند و بشریت را از شرارت و دجالگری او رهایی می‌بخشد.^۱

۷- مهدی موعود چند سال حکومت خواهد کرد؟

هیچ کس دقیقاً مدت دوران حکومت صاحب الامر را نمی‌داند و همه ماها فقط می‌توانیم استناد به روایات کنیم و حدود آن را بیان نمائیم. روایات رسیده در این مورد مختلف است.

۱- دسته از روایات، مدت حکومت او را، پس از قیام جهانی اش ۷۰ سال بیان کردند.

۲- برخی از روایات، مدت حکومت درخشان او را حدود ۲۰ سال تعبیر کردند.

۳- دسته سوم حدود ۷۰ سال را بیان کردند.

۴- و روایاتی هم هست که عددهای دیگری را نشان می‌دهد.

اما به نظر نگارنده کتاب الامام المهدی دسته دوم که سالهای حکومت آن حضرت، پس از قیام برای اصلاح جهان را، حدود ۲۰ سال عنوان می‌کند بیشتر است و بدان دسته بیشتر اعتماد می‌کند

(۱) الامام المهدی، ص ۶۸۸

آن هم به خاطر بعضی از روایات می‌باشد که ما هم به اختصار آنها را بیان می‌کنیم.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

مُلْكُ الْقَائِمِ مِائَةٌ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً أَشْهُرًا^۱

یعنی: حکومت درخشان و شکوهمبار قائم ما، نوزده سال و چند ماه خواهد بود.

۲- امام صادق علیه السلام در بیان دیگری فرمود:

«قَائِمٌ عليه السلام حَدُودَ نِوْزِدَه سَالٍ وَ چَند مَاهِي پَسِ از قِيَامِ جِهَانِي اش حُكُومَتِ خَوَاهَد كَرْد.»^۲

۳- جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام پرسید که: سرورم! قائم علیه السلام روزگار خویش چه مدت به تدبیر امور و تنظیم شئون امت و حکومت عادلانه جهانی می‌پردازد؟

حضرت فرمودند: از روز قیام او و تا رحلتش حدود ۱۹ سال فاصله است.^۳

(۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸ / الامام المهدي ص ۷۷۹

(۲) همان

(۳) همان

۷- زندگی مهدی موعود چگونه به پایان می‌رسد؟

در میان عالمان و راویان شیعه و سنی این سخن رسول خدا ﷺ شهرت فراوانی دارد که خلافت و جانشین مرا یازده امام از نسل علی و فاطمه به عهده خواهند گرفت. و از ما نیست جز اینکه به وسیله سم (خیانت) یا شمشیر بیداد، در راه حق و عدالت به شهادت خواهد رسید.

یکی از شاگردان امام حسن مجتبی علیه السلام این روایت را اینگونه آورده که حضرت فرمود:

«به خدای سوگند! ما را با پیامبر گرامی عهد و پیمانی است که خلافت و جانشینی او را یازده امام از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام یکی پس از دیگری به عهده خواهند گرفت. و یادآوری کرد که: همه ما مسموم یا شهید راه حق و عدالت خواهیم شد.^۱

از امام صادق علیه السلام نیز روایتی در تصدیق و تایید این بیان رسیده است. خلاصه: مهدی زهرا یکی از امامان و پرچمداران قیام نبوی و آخرین ستاره آسمان امامت و ولایت است، آن حضرت طبق

(۱) بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷، و کفایة الاثر، ص ۲۲۶ - امام المهدی، ص

روایات برآمده، به طور طبیعی جهان را بدرود نمی‌گوید، بلکه با شمشیر ستم و یا به وسیله ستم خیانت به شهادت می‌رسد. اما به عقیده بعضی از علماء مهدی موعود علیه السلام پس از ظهور و گذشتن هفتاد سال از حکومت عادلانه و پربرکت او و سرشار ساختن زمین و زمان از عدل و داد، پایان زندگی سراسر افتخار او به سر می‌رسد. و زنی تبه‌کار از بنی تمیم که بسان مردان موبر چهره دارد، روزی به هنگام عبور آن حضرت از کوچه با انداختن یک تخته سنگ از پشت بام، ایشان را به شهادت می‌رساند. و امام حسین علیه السلام پس از رجعت به دنیا همراه دیگر امامان معصوم علیهم السلام پیکر مطهر او را تجهیز و به خاک می‌سپارد.^۱

۸- مهدی موعود چگونه پیروز خواهد شد؟

شاید برای همه انسانها این سوال مطرح شود که چگونه ممکن است صاحب الامر فقط با یک شمشیر بر تمام زمین مسلط شود در حالی که ابر قدرتها، مسلح به سلاحهای استراتژیکی و الکترونیکی و اتمی می‌باشد؟

(۱) الامام المهدی، ص ۷۸۵



حکایت

در پاسخ باید گفت که امام زمان علیه السلام تنها به وسیله شمشیر بر زمین مسلط نخواهد شد، بلکه با نیروی ای خدایی و غیر قابل وصف به پیروزی خواهد رسید آن نیرو عبارتند از :

۱- رعب و ترس

۲- ملائکه

۳- نیروها و قوای هستی

۴- شمشیر

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«بی گمان رعب و وحشت به مدت یک ماه، پیش، و در پی آن حضرت حکومت خواهد نمود.»^۱

بدون شک و رعب نیرومندترین سلاحی است که دشمنان در مقابل آن تاب مقاومت را از دست می دهند، و بی گمان رعب بمب اتمی بود که ژاپن - این کشور نیرومند - را در جنگ دوم وادار به تسلیم در برابر آمریکا نمود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«من با رعب پیروز شدم»

تحقیقاً رعب و ترس یک ساعته، سلاح برننده‌ای است که ثمر رساندن جنگ به سود طرف ارباب کننده، بنابراین رعب یک ماه کامل چه نتیجه‌ای خواهد بخشید؟ طبعاً نتیجه مطلوب در بر خواهد داشت.

اما ملائکه در معیت آن حضرت نبرد خواهند نمود، همان گونه که در معیت رسول خداص در مقابله با دشمن به نبرد پرداختند، (آن گونه که قرآن برای ما بازگو می‌کند) لکن کیفیت آن را نمی‌دانیم که به صورت عیان و یا به طور نامرئی ستیز خواهند نمود. مهم این است که در نبرد، در کنار حضرت قائم علیه السلام شرکت خواهند کرد. بدون تردید سلاح - هر چه باشد - در برابر ملائکه الله کارساز و موثر نخواهد بود، چرا که ملائکه از سنخ غیر بشر هستند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: ^۱

«خداوند او (حضرت مهدی علیه السلام) را به وسیله ملائکه مسوم و مردف و منزل و کروبوی، یاری و نصرت می‌دهد.»
در سمت راست آن حضرت جبرئیل و میکائیل و در سمت چپ

ایشان اسرافیل می‌باشند، رعب و ترس به مدت یک ماه پیش و بعد از آن حضرت حرکت خواهد کرد.

آیا سلاح اتمی در برابر جبرئیل و میکائیل، کار ساز و موثر خواهد افتاد؟

سلاح «نیروی هستی» البته سلاحی کارآمد و بسیار عظیم است تمام سلاحهای بشری، در برابر این سلاح ناتوان خواهد شد. این نیروی هستی و تکوینی چیست؟

قوای هستی مانند: سیل و صاعقه و طوفان، و هر نیروی تکوینی موجود در هستی می‌باشد که به کار گرفته خواهد شد.

آنگاه که (به اذن خدا) نیروی طوفان در خدمت مهدی موعود علیه السلام درآید از سلاحهای اتمی و الکترونیکی چه کاری ساخته است؟

برخی از احادیث، داستان پاره‌ای از مردم که هنگام ظهور آن حضرت در برابر او قد علم خواهند کرد را برای ما بیان می‌کنند، که خداوند منان به وسیله باد آنان را از بین خواهد برد.

حضرت به طوفان سیاهی دستور می‌دهد، آنان را همچون انتهای شاخه پوسیده نخل سازد.

در روز احزاب آنگاه که نیروهای شرک و الحاد، شهر مدینه را مورد تعرض و تهاجم گستاخانه قرار دادند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به

وسیله نیروی باد شدید و رعب و ترس دهشت آور، بدون اینکه با آنان بستیزد بر آنها غلبه نمود!

قرآن کریم این داستان را برای ما چنین بازگو می کند.^۱

«خداوند کافران را با دلی مملو از خشم باز می گرداند بی آنکه نتیجه ای از کار خود گرفته باشند. و خداوند (در این میدان) مومنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد) و خدا قوی و شکست ناپذیر است. و خداوند گروهی از اهل کتاب را که از آنها (مشرکان عرب) حمایت کردند از قلعه های محکمشان پایین کشده، و در دلهایشان رعب افکند (کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل رساندید و گروهی را اسیر می کردند و پس از این نیروها، شمشیرها، این سلاح درخشنده، به میان خواهد آمد تا نبرد و ستیز را به پایان رساند.»

و از نشانه های و علامت امام زمان علیه السلام ظهور با شمشیر است بنابراین حضرتش به وسیله رعب، ترس، نیروهای غیبی، ملائکه و شمشیر، پیروز خواهد شد.

این یک پاسخ است، اما پاسخ دوم عبارت است از اینکه:



خطبہ

چه کسی می گوید که در آن عصر، اسلحه اتمی وجود داشته باشد؟ و چه کسی می تواند بگوید که در آن روز، ابرقدرتها در عرصه حیات باشند؟ برخی احادیث چنین بیان می کنند.

بی گمان پیش از آنکه امام زمان عجل الله فرجه ظهور نماید، دو سوم جمعیت روی زمین از میان خواهند رفت.

- لکن چگونه از بین خواهد رفت؟

- پاسخ، نمی دانیم.

- به بیمارهای کشنده؟

- ممکن است.

- توسط جنگ جهانی، که عده معدودی باقی خواهند ماند؟

- ممکن است.

- به وسیله گرسنگی فراگیر؟

- ممکن است.

- توسط زلزله و طوفان؟

- ممکن است.

- به وسیله انواع دیگری از بلاها و مصائب که هنوز برای ما

ناشناخته است؟

- ممکن است.

مہم این است کہ دو سوم از جمعیت روی زمین از میان خواهند رفت، و این مسئلہ مورد تاکید سخنان خداوندی در کتب مقدس و احادیث واردہ از رسول خدا ﷺ و ائمہ طاہرین علیہم السلام می باشد. یکی از احادیث مزبور بہ شرح زیر است.

در گفت و شنود نسبتاً طولانی کہ میان امام صادق علیہ السلام و مفضل بن عمر، پیرامون مسائل مہم امام زمان علیہ السلام صورت گرفت. مفضل از امام صادق علیہ السلام پرسید؟

ای سرور من، دستگاہ ظلم و فسق آنگاہ [کہ امام زمان علیہ السلام ظہور فرماید] چگونه خواهد شد؟
امام صادق علیہ السلام فرمود:

مورد لعنت و عدم رضایت خدا قرار خواهد گرفت. فتنہ ہا آن را ویران و تباہ می سازد. پس بدا بہ حال آن و ہر چہ در آن است. وای بہ حال آنها از پرچم ہای زرد.

و پرچم ہای مغرب زمین
و کسی کہ کلیہ مردان جزیرہ را گرد آورد.
و از پرچم ہایی کہ از دور و نزدیک در پی آنان خواهد آمد.
پرچم ہای زرد چیست؟

آیا این اشاره‌ای به پرچم‌های ارتش‌های کشورهای اروپایی و آمریکایی است؟

مراد از پرچم‌هایی که از دور و نزدیک در پی آنان خواهند آمد چیست؟

آیا این پرچم‌ها، پرچم‌های ارتش کشورهای در حال رشد و پیرو دولت‌های ابر قدرت، می‌باشند؟

پاسخ این پرسش‌ها را به عهده خواننده می‌گذاریم، به شخصی که می‌خواهد مفهوم این حدیث را خود استنباط نماید.

اما سرنوشت این همه پرچم و ارتش به کجا می‌انجامد؟

امام صادق علیه السلام به این پرسشها پاسخ می‌فرماید:

«به خدا سوگند که انواع گوناگون عذاب‌ها، همان گونه که بر امت‌های گستاخ و نافرمان گذشته و آینده است، نازل خواهد شد. عذاب به گونه‌ای نازل خواهد شد که هیچ گوشی آن را نشنیده است!»

آنان با خون‌هایی که به وسیله شمشیر بر زمین خواهند ریخت غرق خواهند شد!

سپس امام صادق علیه السلام به ساکنان خانه‌های ظلم و فسق، هشدار می‌دهد می‌فرماید:

بدا به حال شخصی که آن دستگاه و خانه فسق را برای خود مسکن گزید. پس کسی که قصد امامت در آن را دارد و با شقاوت و نگون بختی به سر خواهد برد. و شخصی که از آن (دستگاه ظلم) خارج شود، رحمت خداوندی شامل حال او می‌شود.^۱ بنابراین، امام مهدی علیه السلام تنها به وسیله شمشیر پیروز نخواهد شد بلکه کفار و اهل فسق و فجور مانند اکنون که هستند، نیرومند و قوی نخواهند ماند، که آتش فتنه‌های داخلی و جنگ‌های خارجی و عذاب‌های عظیم الهی، آنان را به هلاکت خواهد رساند.^۲

۹- سیمای حکومت حضرت مهدی علیه السلام در قرآن

۱- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ

الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۳

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین‌ها غالب گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

(۱) بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵

(۲) مطالب برگرفته از کتاب تمدن در عصر ظهور مهدی علیه السلام

(۳) قصص / ۵

۲- وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا

عِبَادِي الصَّالِحُونَ^۱

و ما در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

۳- وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ

أَيِّمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ

وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ^۲

اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین در زمین منت نهیم و آنها را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

حکومتشان را در زمین پا برجا سازیم، و به فرعون و هامان و لشکریان آنها، آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم.

۱) انبیاء / ۱۰۵

۲) قصص / ۵ و ۶

فصل نهم: زیارت‌ها

۱- استحباب زیارت حضرت بقیت‌الله در هر زمان و مکانی

علامه مجلسی (ره) می‌گوید: زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در هر مکان و هر زمانی مستحب است، و فضیلت آن در سرداب مقدس و کنار قبرهای مطهر اجداد و نیاکان طاهرین او بیشتر است. آن حضرت یعنی شب نیمه شعبان - بنا بر صحیح‌ترین روایت - و شب قدر که ملائکه و روح به خدمتش فرود می‌آیند، مناسب‌تر است.^۱

اکنون روایتی را در این مورد نقل می‌نماییم:

۱) بحار الانوار: ۱۰۲ الی ۱۱۹

سلیمان بن عیسی از پدرش نقل می‌کند و می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: هر گاه نتوانستم به محضر مقدس شما بیایم، چگونه شما را زیارت کنم؟

راوی می‌گوید: حضرت رو به من کرد و فرمود:

ای عیسی! اگر نتوانستی نزد من بیایی، روز جمعه غسل کن یا وضو بگیر و بر پشت بام خانه خود برو، و دو رکعت نماز بخوان و رو به سمت من کن، زیرا کسی که مرا در حال زندگیم زیارت کند گویا در موقع مرگم زیارت کرده، و کسی که مرا بعد از مرگ زیارت کند، در واقع در حال حیات و زندگیم زیارت کرده است.

علامه مجلسی (ره) در توضیح این حدیث شریف می‌گوید:

این حدیث بیانگر آن است که زیارت امام زنده بدین نحو جایز است و این بهترین دلیل برای زیارت حضرت قائم علیه السلام است که انسان می‌تواند در هر مکانی که بخواهد رو به سرداب مقدس نموده و حضرتش را زیارت کند.^۱

شیخ بزرگوار کفعمی (ره) می‌گوید: زیارت امام زمان علیه السلام در هر مکان و زمانی مستحب است و در موقع زیارتش مستحب است

(۱) صحیفه مهدیه، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۶۶

برای تعجیل فرج و ظهورش نیز دعا شود. خواندن زیارت آن بزرگوار در «سرّ من رأی» رد سرداب مقدس آن حضرت تاکید شده است.^۱

۲- زیارت آل یس

ابومنصور طبرسی (ره) در کتاب الاحتجاج می‌نویسد:
محمد بن حمیری (ره) می‌گوید: پس از پاسخ پرسش‌هایی از ناحیه مقدسه حضرت چنین صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَةً بِالْغَةِ فَمَا تَغْنَى النُّذْرُ
عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ السَّلَامَ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

«نه در امر او تعقل می‌نمایند، و نه از اولیای او می‌پذیرند حکمتی رسا است، ترساندن نذیران و ترسانندگان برای گروهی که ایمان نمی‌آورند کفایت نمی‌کند، سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا»
هرگاه خواستید به وسیله ما به سوی خداوند متعال و ما توجه کنید بگوئید چنانکه خداوند متعال فرموده است:

(۱) البلد الامین، ۴۳۲

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ
 حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ
 كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي
 أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ وَالْفَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَا غَيْرَ
 مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيُ وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ
 الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ
 السَّلَامِ، أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
 لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَشْهَدُكَ يَا
 مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ،

وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَشْهَدُ أَنْكَ حُجَّةُ اللَّهِ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَتَكْوِيْرًا حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمَرِضَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيْدَ بِهِمَا حَقٌّ، يَا مَوْلَايَ شَقِيًّا مَنْ خَالَفَكَ، وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَوَلِيُّ لَكَ، بَرِيًّا مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ.

وبعد از آن این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةَ نُورِكَ، وَأَنْ تَعْلَمَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ، وَصَدْرِي نُورَ الْإِيْمَانِ، وَفِكْرِي نُورَ النَّيِّسَاتِ،

وَعَزَمِي نَوْرَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نَوْرَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نَوْرَ الصِّدْقِ، وَدِينِي نَوْرَ
 الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصَرِي نَوْرَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نَوْرَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي
 نَوْرَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ
 وَمِيثَاقِكَ، فَتَغَشَّيْنِي رَحْمَتَكَ يَا وَلِيَّيَّ يَا حَمِيدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالِدَاعِي إِلَى سَبِيلِكَ،
 وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالشَّائِرِ بِأَمْرِكَ، وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ،
 وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرِ الْحَقِّ، وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ
 التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ، الْمُرتَقِبِ الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النُّجَاةِ،
 وَعَلَمِ الْهُدَى، وَتَوْرِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَمُجَلِّي
 الْعَمَى الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، أَنْكَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ
 طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ
 انصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَاَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَائَكَ وَأَوْلِيَائَهُ، وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ،
 وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ
 خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ،
 وَاحْرُسْهُ وَأَمْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ وَآلَ

رَسُولِكَ، وَأَظْهَرَ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيَّدَهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصَرَ نَاصِرِيهِ، وَأَخَذُلُ خَاذِلِيهِ،
وَأَقْصِمُ قَاصِمِيهِ، وَأَقْصِمُ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْتُلُ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ،
وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا
وَبَحْرِهَا، وَأَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهَرَ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وآلِهِ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ
مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمَلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَخْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ
آمِينَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

۳- زیارت ندبه

علامه مجلسی می گوید: ابوعلی حسن بن اشناس نقل می کند که:
ابومفضل محمد بن عبدالله شیبانی گفت:

ابوجعفر محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری که در همه روایاتش
به او اجازه داده چنین نقل می کند: پس از پاسخ مسائل در مورد
نماز و توجه از ناحیه مقدسه - که خدا نگهبان و نگهدار آن باشد -
چنین صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم،

لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَةً بِالْغَةِ فَمَا تَغْنَى التَّنْذُرُ

عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ السَّلَامَ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

«نه در امر او تعقل می‌نمایند، و نه از اولیای او می‌پذیرند، حکمتی رسا است، ترساندن نذیران و ترسانندگان برای گروهی خدا، هر گاه خواستید به وسیله ما به سوی خداوند متعال و ما توجه کنید، بگویید چنانکه فرموده است.»^۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ، وَسَلَّمْ
تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَائِكَ فِي أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ
اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلًا مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ
الْمُقِيمِ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اضْطِحَالًا، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي
دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزُخْرُفِهَا وَزَبْرِجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ،
وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ،
وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّةَ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ
بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، فَبَعْضُ
أَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكَ وَنَجَّيْتَهُ
وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَاكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ أَخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا،

وَسَلَّكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْأَخْرِينَ فَاجْتَبَيْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا، وَبَعْضُ
 كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةِ تَكْلِيمًا، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِذَاءً وَوَزِيرًا، وَبَعْضُ
 أَوْلَادَتِهِ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَأَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَكُلُّ شَرَعْتَ
 لَهُ شَرِيعَةً، وَتَهَجَّجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءً، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفَظًا بَعْدَ
 مُسْتَحْفَظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، أَقَامَةَ لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلِنَلَّا
 يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ، وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا
 أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ
 أَنْ نَذِلَّ وَنَحْزَى، إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ، وَصَفْوَةً مِنْ
 اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مِنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ،
 وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ
 لَهُ الْبُرَاقَ، وَعَرَّجْتَ بِرُوحِهِ [إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا
 يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّغْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجِبْرَائِيلَ
 وَمِيكَائِيلَ، وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تَظْهَرَ دِينَهُ عَلَى
 الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ،
 وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ، لِلَّذِي بِيَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى

لِلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ، مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَقُلْتَ
«أَنَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» ثُمَّ
جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ قُلْ لَا
أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، وَقُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ
فَهَوْلِكُمْ وَقُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ
سَبِيلًا، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْئَلُكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا انْقَضَتْ
أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ
هُوَ الْمُنْدَرِ، وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ
مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَأَخْذُلْ
مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيُّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ، وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ
شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى، وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ
مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ
بَعْدِي، وَزَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ
لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ، فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ
وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ
أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُّكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ

سَلِمَى، وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْأَيْمَانُ مُخَالِطٌ لِحَمِّكَ وَدَمِّكَ، كَمَا خَالَطَ
لَحْمِي وَدَمِي، وَأَنْتَ غَدَاً عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي،
وَتُنْجِزُ عِدَاتِي، وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ، مُبَيِّضَةٌ وَجُوهَهُمْ حَوْلِي
فِي الْجَنَّةِ، وَهُمْ جِيرَانِي، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي،
وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَتُوراً مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ،
وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ، لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ، وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ، وَلَا
يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ، يَخْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا
وَأَلِهِمَا، وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، قَدْ وَتَرَ فِيهِ
صَنَادِيدَ الْعَرَبِ، وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ، وَتَاوَشَ ذُؤْبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَاداً،
بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحَنِينِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَأَضْبَتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ، وَأَكْبَتْ عَلَى
مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ،
وَقَتَلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ
عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ، وَأَقْصَاءِ وَوَلَدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَقَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ
فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ، وَجَرَى الْقَضَاءُ
لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ

مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا،
 وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ
 مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلَيْتِكَ الْبَاكُونَ، وَإِيَاهُمْ فَلَيْتُدْبِ
 النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرِفِ الدَّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَيَضِحِ
 الضَّاجُونَ، وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ، أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ، أَيْنَ أَبْنَاءَ الْحُسَيْنِ،
 صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ
 الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ
 الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ، أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا
 تَخْلُو مِنْ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقَامَةِ
 الْأُمَّتِ وَالْعَوَجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيْنَ الْمُدْخَرُ
 لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ
 الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُخَيِّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ، أَيْنَ
 قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هَادِمُ أَيْتَةِ الشَّرْكِ وَالنِّفَاقِ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ
 الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشَّقَاقِ، أَيْنَ
 طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيْنَ
 مُبِيدُ الْعِتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالْتَضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيْنَ

مُعزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، أَيْنَ بَابُ
اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ
الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ
الْهُدَى، أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا، أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُخُولِ الْأَنْبِيَاءِ
وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ
اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى، أَيْنَ صَدْرُ
الْخَلَائِقِ ذَوَالْبِرِّ وَالتَّقْوَى، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَأَبْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى،
وَأَبْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَاءِ، وَأَبْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي
لَكَ الْوِقَاءُ وَالْحَمَى، يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بَنَ النَّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا
بَنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا بَنَ الْخَيْرَةِ الْمُهْدِيِّينَ يَا بَنَ الْفَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا
بَنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا بَنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجِبِينَ، يَا بَنَ الْقِمَاقِمَةِ
الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا بَنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَا بَنَ الشُّهْبِ
الثَّاقِبَةِ يَا بَنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بَنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ، يَا بَنَ الْأَغْلَامِ
اللَّائِحَةِ، يَا بَنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا بَنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بَنَ الْمَعَالِمِ
الْمَأْتُورَةِ، يَا بَنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بَنَ
الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا بَنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ، يَا بَنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى

اللَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ، يَا بَنَ الْأَيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا بَنَ
 البراهين الواضحات الباهرات، يَا بَنَ الحُجَجِ البَالِغَاتِ، يَا بَنَ النُّعَمِ
 السَّابِغَاتِ، يَا بَنَ طِهٍ وَالْمُحَكَّمَاتِ، يَا بَنَ يسٍ وَالذَّارِيَاتِ، يَا بَنَ الطُّورِ
 وَالْعَادِيَاتِ، يَا بَنَ مَنْ دَنَى، فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، دُنُوًّا
 وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيْ
 أَرْضٍ تُقْلِكُ أَوْ تُرِي، أِبْرَضَوِي أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طَوِي، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ
 أَرَى الخَلْقَ وَلَا تُرِي، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَلَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ
 تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى، وَلَا يَنَالِكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى، بِنَفْسِي
 أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ
 أَمْنِيَّةٌ شَاتِقٍ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدِ
 عِزٍّ لَا يُسَامِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدَلَا يُجَارِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادِ
 نَعَمٍ لَا تُضَاهِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي، إِلَيَّ مَتَى أَحَارُ
 فِيكَ يَا مَوْلَايَ، وَإِلَيَّ مَتَى وَإَيَّ خِطَابِ أَصْفُ فِيكَ وَإَيَّ نَجْوَى، عَزِيزٌ
 عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَأُنَاغَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذَلِكَ السُّورَى،
 عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى، هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاطِيلَ مَعَهُ
 الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا، هَلْ قَدِيتَ عَيْنُ

فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى، هَلْ
يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَ فَنَحْطِي، مَتَى نَرِدُ مَنَا هَلِكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرَوِي، مَتَى
نَنْتَقِعُ مِنْ عَذَابِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى تُغَادِيكَ وَتُرَاوِحُكَ، فَتُقِرُّ
عَيْنًا، مَتَى تَرَانَا وَتَرِيكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِرِوَاءِ النَّصْرِ تُرِي، أتر انا نَحْفُ بِكَ
وَأَنْتَ تَأْمُ الْمَلَأَ، وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا،
وَأَبْرَتِ الْعُتَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَشَّتِ أُصُولَ
الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ
وَالْبَلْوَى وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى،
[الْأُولَى] فَاعْتِ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، عَيْبِدَكَ الْمُبْتَلَى، وَأَرِهِ سَيِّدُهُ يَا
شَدِيدَ الْقُوَى، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى
الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَمَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَالْمُنْتَهَى، اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَيْبِدَكَ
التَّائِقُونَ إِلَى وَإِلَيْكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا،
وَأَقَمْتَهُ لَنَا قَوَامًا وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مَنَا إِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مَنَا تَحِيَّةً
وَسَلَامًا، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبُّ أَكْرَامًا، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا،
وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ آيَاهُ أَمَانًا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ، وَمُرَافِقَةَ
الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَعَلَى [عَلِيٍّ] [أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ،
 وَجَدَّتِهِ الصَّدِيقَةِ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ
 آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ
 عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً
 لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا، وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا، اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ،
 وَأَذْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلِّ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَصَلِّ اللَّهُمَّ
 بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلْفِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ،
 وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنَّا عَلَى تَادِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْأَجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ،
 وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاؤِهِ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَائَهُ
 وَخَيْرَهُ، مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَقَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتَنَا بِهِ
 مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَائَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ
 مَبْسُوطَةً، وَهَمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً، وَخَوَائِجِنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ
 الْكَرِيمِ، وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَأَنْظِرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ، نَسْتَكْمِلُ بِهَا
 الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَضْرِفُهَا عَلْنَا بِجُودِكَ، وَأَسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ، رِيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً سَائِغاً، لَا ظَمّاً بَعْدَهُ يَا
 أَرْحَمَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، عَنْ جَمِيعِ

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا،
 وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَمَيَّتِهِمْ، وَعَنْ الْوَالِدِ وَالْوَالِدَاتِ، وَعَنْ عَنِّي مِنْ
 الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى رِضَاهُ، وَعَدَدَ
 مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي
 كُلِّ يَوْمٍ، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً فِي رَقَبَتِي، اللَّهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ،
 وَقَضَلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ
 وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ،
 وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي
 نَعَتْ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُيُوتُ مَرْصُوصٍ، عَلَيَّ طَاعَتِكَ
 وَطَاعَةَ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى
 يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

٤- زیارت امام زمان ارواحنا فدا در روز جمعه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي
 خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيُفْرَجُ بِهِ
 عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النِّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ

الْحَيَوَةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ
 الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ
 الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ عَارِفٌ بِأَوْلِيكَ وَأُخْرِيكَ،
 أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ، وَظُهُورَ الْحَقِّ
 عَلَى يَدَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي
 مِنَ الْمُتَنْظِرِينَ لَكَ وَالتَّابِعِينَ وَالتَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ،
 وَالمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ
 الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ
 يَوْمُكَ، الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ، وَقَتْلُ
 الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ
 كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ، وَمَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ، فَأَضِفْنِي وَاجْرِنِي،
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

سید بزرگوار علی بن طاووس می گوید: من بعد از این زیارت؛
حضرت در برابر خود تصور می کنم و اشاره به حضرتش می نمایم
و می گویم:

نزیلک حیث ما اتجهت رگابی

وَ ظیفک حیث کنت من البلاء

هر کجا که راحله من روی آورد به سوی تو فرود می آیم، و در هر
شهری از شهرها باشم مهمان تو هستم.^۱

۵- زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداء که در مشکلات و

موارد ترسناک خوانده می شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْحُجَّةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ
الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ التَّدْبِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا يَا
صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُنْتَظَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْقَائِمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْخَلْفُ الصَّالِحُ لِلْأُمَّةِ الْمَعْصُومِينَ الْمُطَهَّرِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ

(۱) جمال الاسبوع، ۴۸؛ صحیفه امام مهدی، ص ۴۵۲

عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فِلْدَةَ
 كَبِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ.
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَضْعَةَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَادَّةَ
 اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوَاثَ
 الْمَلْهُوفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَوَانَ الْمَظْلُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ
 الْعَالَمِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَدِيلَ الْخَيْرِ، أَدْرِكْنِي،
 أَدْرِكْنِي، أَدْرِكْنِي، أَعْنِي وَلَا تُعِنِ عَلَيَّ، وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ، كُنْ
 مَعِي وَلَا تُفَارِقْنِي، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ شَاكِرًا وَمُصَلِّيًا وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ
 الْوَكِيلُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

۶- زیارت حضرت علی علیه السلام در روز یکشنبه به نقل از امام

زمان علیه السلام

در روایتی آمده است:

شخصی در روز یکشنبه - روز امیر المؤمنین - امام زمان علیه السلام را در

عالم بیداری و خواب مشاهده می کند که حضرت جد بزرگوارش را این چنین زیارت می کند:

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالذَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ، الْمُثْمِرَةِ بِالنَّبُوَّةِ،
 الْمُوثِقَةِ بِالْإِمَامَةِ، وَعَلَى ضَجِيعِيكَ آدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى
 الْمَلَائِكَةِ الْمُخَدِّقِينَ، بِكَ، وَالْحَافِينَ بِقَبْرِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،
 هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ، وَبِاسْمِكَ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجَارُكَ،
 فَاضْفِنِي يَا مَوْلَايَ وَأَجِرْنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ، تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَمَأْمُورٌ
 بِالْإِجَارَةِ، فَافْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ، بِمَنْزِلَتِكَ وَآلِ
 بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ، وَمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ، وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ، رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ.

۷- زیارت ناحیه مقدسه

علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار می نویسد: شیخ مفید (ره) روایت می کند هر گاه خواستی در روز عاشورا امام حسین علیه السلام را زیارت کنی در کنار قبر مطهر آن حضرت بایست و بگو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ السَّلَامُ عَلَى شَيْثِ وَلِيِّ اللَّهِ وَ
 خَيْرَتِهِ السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ اللَّهُ بِحُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى نُوحِ الْمُجَابِ
 فِي دَعْوَتِهِ السَّلَامُ عَلَى هُودِ الْمَدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ
 الَّذِي تَوَجَّهُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ. السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَاهُ اللَّهُ بِخُلَّتِهِ السَّلَامُ
 عَلَى إِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ
 الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النَّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ
 بَصْرَهُ بِرَحْمَتِهِ السَّلَامُ عَلَى يَوْسُوفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ
 السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي عَلَى شُعَيْبِ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ السَّلَامُ
 عَلَى دَاوُدَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي
 ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَّاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ السَّلَامُ
 عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى عَزِيزُ الَّذِي
 أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَيِّتَتِهِ السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ السَّلَامُ عَلَى
 يَحْيَى الَّذِي أَرْزَقَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ
 السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِفْوَتِهِ السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَ
 كَلِمَتِهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِفْوَتِهِ السَّلَامُ عَلَى
 أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ السَّلَامُ عَلَى

فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ ابْنَتُهُ السَّلَامُ عَلِيُّ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيَّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتُهُ
السَّلَامُ عَلِيُّ الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ السَّلَامُ عَلِيُّ مَنْ أَطَاعَ
اللَّهِ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ السَّلَامُ عَلِيُّ مَنْ جَعَلَ اللَّهَ الشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ السَّلَامُ
عَلِيُّ مَنْ الْإِجَابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ السَّلَامُ عَلِيُّ مَنْ الْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ السَّلَامُ
عَلِيُّ ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلِيُّ ابْنِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ السَّلَامُ عَلِيُّ ابْنِ
فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلِيُّ ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلِيُّ ابْنِ سِدْرَةَ
الْمُنْتَهَى السَّلَامُ عَلِيُّ ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى السَّلَامُ عَلِيُّ ابْنِ زَمْرَمٍ وَالصَّفَا
السَّلَامُ عَلِيُّ الْمُرْمَلِ بِالْدِّمَاءِ السَّلَامُ عَلِيُّ الْمَهْتُوكِ الْخَبَاءِ السَّلَامُ عَلِيُّ
خَامِسِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ السَّلَامُ عَلِيُّ غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ السَّلَامُ عَلِيُّ شَهِيدِ
الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلِيُّ قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ السَّلَامُ عَلِيُّ سَاكِنِ كَرْبَلَاءِ السَّلَامُ
عَلِيُّ مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ السَّلَامُ عَلِيُّ مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكَيَاءُ السَّلَامُ
عَلِيُّ يَعْسُوبِ الدِّينِ السَّلَامُ عَلِيُّ مَنَازِلِ الْبِرَاهِينِ السَّلَامُ عَلِيُّ الْأَئِمَّةِ
السَّادَاتِ السَّلَامُ عَلِيُّ الْجُيُوبِ الْمُضْرَجَاتِ السَّلَامُ عَلِيُّ الشِّفَاءِ الذَّائِلَاتِ
السَّلَامُ عَلِيُّ النَّفُوسِ الْمُصْطَلِمَاتِ السَّلَامُ عَلِيُّ الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلِسَاتِ
السَّلَامُ عَلِيُّ الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ السَّلَامُ عَلِيُّ الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ
السَّلَامُ عَلِيُّ الدِّمَاءِ السَّائِلَاتِ السَّلَامُ عَلِيُّ الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ السَّلَامُ

عَلَى الرَّؤُوسِ الْمَشَالَاتِ السَّلَامُ عَلَى النِّسْوَةِ الْبَارِزَاتِ السَّلَامُ عَلَى
 حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ وَعَلَى أَبْنَائِكَ الْمُسْتَشْهِدِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ
 النَّاصِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ السَّلَامُ عَلَى
 الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ السَّلَامُ عَلَى أَخِيهِ الْمَسْمُومِ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْكَبِيرِ
 السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ السَّلْبِيَّةِ السَّلَامُ عَلَى
 الْعِتْرَةِ الْقَرِيبَةِ السَّلَامُ عَلَى الْمُجَدَّلِينَ فِي الْقَلَوَاتِ السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ
 عَنِ الْأَوْطَانِ السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانِ السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ
 الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ
 بِلَا نَاصِرِ السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ التُّرْبَةِ الزَّكَايَةِ السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ جِبْرَائِيلُ السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ
 مِيكَائِيلُ السَّلَامُ عَلَى مَنْ نُكِّثَتْ ذِمَّتُهُ السَّلَامُ عَلَى مَنْ هُتِّكَتْ حُرْمَتُهُ
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ السَّلَامُ عَلَى الْمُغَسَّلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ
 السَّلَامُ عَلَى الْمُجْرَعِ بِكَأْسَاتِ الرِّمَاحِ السَّلَامُ عَلَى الْمُظَامِ الْمُسْتَبَاحِ
 السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى السَّلَامُ
 عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِيِّ بِلَا مُعِينِ السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ

الْخَضِيبِ السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ الثَّرِيبِ السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ السَّلَامُ
 عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ الثَّرِيبِ السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ
 السَّلِيبِ السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ
 الْمَرْفُوعِ السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ تَنْهَشُهَا الذُّنَابُ
 الْعَادِيَاتُ وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الضَّارِيَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ
 عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُرْفَرِفِينَ حَوْلَ قُبَّتِكَ الْحَافِينَ بِتُرْبَتِكَ الطَّائِفِينَ
 بِعَرَصَتِكَ الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ وَ
 رَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامُ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ الْمُخْلِصِ فِي
 وَلَايَتِكَ الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمُحَبَّتِكَ الْبَرِّ مِنْ أَعْدَائِكَ سَلَامٌ مَنْ قَلْبُهُ
 بِمُصَابِكَ مَقْرُوحٌ وَ دَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ سَلَامٌ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ
 الْوَالِهِ الْمُسْتَكِينِ سَلَامٌ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْكَأَى بِنَفْسِهِ حَدَّ
 السُّيُوفِ وَبَذَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ وَجَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَصَرَكَ
 عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ وَفَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَرُوحَهُ
 لِرُوحِكَ فِدَاءً وَأَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً فَلْتَنِ أَخْرَتِي الدُّهُورُ وَعَاقِبِي عَنِ
 نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِباً وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ
 مُنَاصِباً فَلَانْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَلا بَكِينٌ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا

حَسْرَةً عَلَيْكَ وَ تَأْسُفًا عَلَى مَادْهَاكَ وَ تَلَهُفًا حَتَّى أُمُوتَ بِلَوْعَةِ
 الْمُصَابِ وَ غُصَّةِ الْأَكْتِيَابِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ
 أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْعُدْوَانَ وَ أَطَعْتَ اللَّهَ وَ مَا عَصَيْتَهُ
 وَ تَمَسَّكَتَ بِهِ وَ بَحَبَلْتَهُ فَارْضِيتهُ وَ خَشِيْتَهُ وَ رَاقَبْتَهُ وَ اسْتَجَبْتَهُ وَ سَنَنْتَ
 السُّنْنَ وَ أَطَفَأْتَ الْفِتْنَ وَ دَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ وَ أَوْضَحْتَ سَبِيلَ السَّدَادِ وَ
 جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ وَ كُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا وَ لِحَدِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ
 وَ آلِهِ تَابِعًا وَ لِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا وَ إِلَى وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا وَ لِعِمَادِ
 الدِّينِ رَافِعًا وَ لِلطُّغْيَانِ قَامِعًا وَ لِلطُّغَاةِ مُقَارِعًا وَ لِلأُمَّةِ نَاصِحًا وَ فِي
 غَمَرَاتِ الْمَوْتِ سَابِعًا وَ لِلْفُسَاقِ مُكَافِحًا وَ بِحُجَجِ اللَّهِ قَائِمًا وَ لِلإِسْلَامِ
 وَ الْمُسْلِمِينَ رَاحِمًا وَ لِلْحَقِّ نَاصِرًا وَ عِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِرًا وَ لِلدِّينِ كَائِلًا وَ
 عَنِ حِوْزَتِهِ مُرَامِيًا تَحُوطُ الْهُدَى وَ تَنْصُرُهُ وَ تَبْسُطُ الْعَدْلَ وَ تَنْشُرُهُ وَ
 تَنْصُرُ الدِّينَ وَ تَظْهَرُهُ وَ تَكْفُ الْعَابِثَ وَ تَرْجُرُهُ وَ تَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ
 الشَّرِيفِ وَ تُسَاوِي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِي وَ الضَّعِيفِ كُنْتَ رِبِيعَ الْإِيْتَامِ
 وَ عِصْمَتَ الْإِنَامِ وَ عِزَّ الْإِسْلَامِ وَ مَعْدِنَ الْإِحْكَامِ وَ حَلِيفَ الْإِنْعَامِ سَالِكًا
 طَرَائِقَ جَدِّكَ وَ أَبِيكَ مُشْبِهًا فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ وَ فِي الذِّمِّ رَضِي
 الشِّيمَ ظَاهِرًا الْكَرَمَ مُتَهَجِدًا فِي الظُّلْمِ قَوِيمَ الطَّرَائِقِ كَرِيمَ الْخَلَائِقِ عَظِيمَ

السَّوَابِقِ شَرِيفِ النَّسَبِ مُنِيفِ الْحَسَبِ رَفِيعِ الرَّتَبِ كَثِيرِ الْمَنَاقِبِ مَحْمُودِ
 الضَّرَائِبِ جَزِيلِ الْمَوَاهِبِ حَلِيمِ رَشِيدِ مُنِيبِ جَوَادِ عَلِيمِ شَدِيدِ أَمَامِ
 شَهِيدِ أَوَاهِ مُنِيبِ حَبِيبِ مُهَيْبِ كُنْتَ لِلرُّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدِهِ وَ
 لِلْقُرْآنِ سَنَدًا وَ لِلْأُمَّةِ عَضُدًا وَ فِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ
 نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْفُسَاقِ بَازِلًا لِلْمَجْهُودِ طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ زَاهِدًا
 فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا نَاطِرًا إِلَيْهَا بَعِينِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا أَمَّا لَكَ
 عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ وَ هَمَّتُكَ عَنْ زِينَتِهَا مَصْرُوفَةٌ وَ الْحَاطِظُكَ عَنْ بَهْجَتِهَا
 مَطْرُوفَةٌ وَ رَغِبْتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرِفَةٌ حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدْبَاعُهُ وَ أَسْفَرُ
 الظُّلْمِ قِنَاعُهُ وَ دَعَا الْغَى أَتْبَاعُهُ وَ أَنْتَ فِي حَرَمِ جَدِّكَ قَاطِنٌ وَ لِلظَّالِمِينَ
 مُبَايِنٌ جَلِيسُ الْبَيْتِي الْمِحْرَابِ مُعْتَزِلٌ عَنِ الْأَذَاتِ وَ الشَّهَوَاتِ تُنَكِّرُ
 بِقَلْبِكَ وَ لِسَانِكَ عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَ أَمْكَانِكَ ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ
 لِلْإِنْكَارِ وَ لَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ فَسِرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَ أَهَالِيكَ وَ
 شِيَعَتِكَ وَ مَوَالِيكَ وَ صَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَ الْبَيِّنَةِ وَ دَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ
 وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ وَ الطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ وَ نَهَيْتَ
 عَنِ الْخَبَائِثِ وَ الطُّغْيَانِ وَ وَاجِهُوكَ بِالظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانَ فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ
 الْإِعْزَازِ لَهُمْ وَ تَأْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ فَنَكَبُوا ذِمَامَكَ وَ بَيَعْتَكَ وَ أَسْخَطُوا

رَبِّكَ وَجَدَّكَ وَبَدَّووكَ بِالْحَرْبِ فَثَبَّتَ لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ وَطَحَنَتَ
 جُنُودَ الفُجَارِ وَاقْتَحَمَتَ قَسَطَلَ الفُجَارِ مُجَالِدًا بِذِي الفَقَارِ كَأَنَّكَ عَلَى
 المُخْتَارِ فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابَتَ الجَاشِ غَيْرَ خَائِفٍ وَ لَا خَاشٍ نَصَبُوا لَكَ
 غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ وَ قَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَ شَرَّهِمْ وَ أَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ فَمَنَعُوكَ
 المَاءَ وَ وُرُودَهُ وَ نَاجَزُوكَ القِتَالَ وَ عَاجَلُوكَ النِّزَالَ وَ رَشَقُوكَ بِالسِّهَامِ
 وَ شِ النَّبَالِ وَ بَسَطُوا إِلَيْكَ الاَصْطِلَامَ وَ لَمْ يَرَعُوا لَكَ ذِمَامًا وَ لَا
 رَقَبًا فَبِكَ اَثَامًا فِي قَتْلِهِمْ اَوْلِيَاءَكَ وَ نَهَبِهِمْ رِحَالَكَ وَ اَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي
 الهَبَوَاتِ وَ مُحْتَمِلٌ لِلْاَذِيَّاتِ قَدْ عَجَبْتِ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ
 فَاحِدَ قَوَائِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ وَ اَثخُنُوكَ بِالجِرَاحِ وَ حَالُوا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ
 الرِّوَاكِ وَ لَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ وَ اَنْتَ مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ تَذُبُّ عَنِ نِسْوَتِكَ وَ
 اَوْلَادِكَ حَتَّى نَكْسُوكَ عَنِ جَوَادِكَ فَهَوَيْتَ اِلَى الارضِ جَرِيحًا تَطْوُوكَ
 الخِيُولُ بِحَوَافِرِهَا وَ تَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ
 وَ اَخْتَلَفْتَ بِالْاَنْقِبَاضِ وَ الْاِنْبِطَاطِ شِمَالِكَ وَ يَمِينِكَ تُبْدِرُ طَرْفًا خَفِيًّا
 اِلَى رَحْلِكَ وَ بَيْتِكَ وَ قَدْ شَغَلْتَ بِنَفْسِكَ عَنِ وُلْدِكَ وَ اَهَالِيكَ وَ اَسْرَعَ
 فَرَسُكَ شَارِدًا اِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا مُحْتَمِمًا بِاَكْيَا فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءُ
 جَوَادَكَ مَخْزِيًا وَ نَظَرْنَ سَرَجَكَ عَلَيْهِ مَلُوبًا بَرَزْنَ مِنَ الخُدُورِ نَاشِرَاتِ

الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُورِ لِاطْمَاتِ الْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ وَ بِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ وَ
 بَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلَاتٍ وَ إِلَى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتٍ وَ الشِّمْرِ جَالِسٌ عَلَى
 صَدْرِكَ وَ مُوَلِّغٌ سَيْفَهُ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ ذَابِحٌ لَكَ
 بِمُهْنَدِهِ قَدْ سَكَنَتْ حَوَاسُكَ وَ خَفِيَتْ أَنْفَاسُكَ وَ رَفَعَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُكَ
 وَ سُبَى أَهْلِكَ كَالْعَبِيدِ وَ صَفَدُوا فِي الْحَدِيدِ فَوْقَ افْتَابِ الْمَطِيَّاتِ تَلْفَحُ
 وَجُوهُهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ يَسَاقُونَ فِي الْبَرَارِيِّ وَ الْقَلَوَاتِ أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ
 إِلَى الْأَعْنَاقِ يَطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ فَالْوَيْلُ لِلْعُصَاةِ الْفُسَّاقِ لَقَدْ قَتَلُوا
 بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ وَ عَطَلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ وَ نَقَضُوا السُّنَنَ وَ الْأَحْكَامَ وَ
 هَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ وَ حَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَ هَمَلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَ
 الْعُدْوَانِ لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَوْتُوراً وَ عَادَ كِتَابُ
 اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَهْجُوراً وَ غُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرَتْ مَقْهُوراً وَ فَقِدَ بِفَقْدِكَ
 التَّكْبِيرُ وَ التَّهْلِيلُ وَ التَّحْرِيمُ وَ التَّحْلِيلُ التَّنْزِيلُ وَ التَّأْوِيلُ وَ ظَهَرَ بَعْدَكَ
 التَّغْيِيرُ وَ التَّبْدِيلُ وَ الْأَحَادُ وَ التَّعْطِيلُ وَ الْإِهْوَاءُ وَ الْأَضَالِيلُ وَ الْفِتَنُ وَ
 الْأَبَاطِيلُ فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
 فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالذَّمْعِ الْهَطُولِ قَائِلاً يَا رَسُولَ اللَّهِ قَتَلَ سِبْطُكَ وَ فَتَاكَ
 وَ اسْتَبِيحَ أَهْلَكَ وَ حَمَاكَ وَ سَبَّيْتَ بَعْدَكَ ذَرَارِيكَ وَ وَقَعَ الْمَحْذُورُ

بِعْتَرَتِكَ وَ ذُوِيكَ فَانزَعَجَ الرَّسُولُ وَ بَكَى قَلْبُهُ الْمَهُوْلُ وَ عَزَاهُ بِكَ
 الْمَلَائِكَةُ وَ الْاَنْبِيَاءُ وَ فُجِعَتْ بِكَ اُمَمُ الزَّهْرَاءِ وَ اخْتَلَفَتْ جُنُودُ
 الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ تَعَزَّى اَبَاكَ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اُقِيْمَتْ لَكَ الْمَاتِمُ فِي
 اَعْلَا عَلِيَيْنَ وَ لَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُوْرَالْعَيْنُ وَ بَكَتِ السَّمَاءُ وَ سُكَّانُهَا وَ
 الْجِنَانُ وَ خَزَانُهَا وَ الْهَضَابُ وَ اَقْطَارُهَا وَ الْبِحَارُ وَ حَيْثَانُهَا وَ الْجِنَانُ وَ
 وَلْدَانُهَا وَ الْبَيْتُ وَ الْمَقَامُ وَ الْمَشْعَرُ الْحَرَامِسُ وَ الْحِلُّ وَ الْاَحْرَامُ اَللّهُمَّ
 فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَحْشَرْنَ فِي
 زُمْرَتِهِمْ وَ اَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ اَللّهُمَّ اِنِّي اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ يَا اَسْرَعَ
 الْحَاسِبِيْنَ وَ يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ وَ يَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِيْنَ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيْنَ
 رَسُوْلِكَ اِلَى الْعَالَمِيْنَ اَجْمَعِيْنَ وَ بِاَخِيهِ وَ ابْنِي عَمِّهِ الْاَنْزَعِ الْبَطِيْنِ الْعَالِمِ
 الْمَكِيْنِ عَلَي اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ بِفَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ وَ بِالْحَسَنِ
 الزَّكِيِّ عَصْمَةَ الْمُتَّقِيْنَ وَ بِاَبِي عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ اَكْرَمِ الْمُسْتَشْهِدِيْنَ وَ
 بِاَوْلَادِهِ الْمَقْتُوْلِيْنَ وَ بِعْتَرَتِهِ الْمَظْلُوْمِيْنَ وَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِيْنَ
 وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ قِبْلَةَ الْاَوَابِيْنَ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اَصْدَقِ الصَّادِقِيْنَ وَ
 مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ مُظْهِرِ الْبَرَاهِيْنَ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّيْنِ وَ مُحَمَّدِي
 بْنِ عَلِيِّ قَدْوَةِ الْمُهْتَدِيْنَ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ اَزْهَدِ الزَّاهِدِيْنَ وَ الْحَسَنِ بْنِ

عَلَى وَارِثِ الْمُسْتَخْلِفينَ وَ الْحُجَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ آلِ طه وَ يس وَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبَشِرِينَ اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ وَ الْحَقَنِي بِالصَّالِحِينَ وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَ انصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ وَ اكْفِنِي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ وَ اصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَ اقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُقْسِمُ بِكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ وَ بِحُكْمِكَ الْمَحْتُومِ وَ نَهْيِكَ الْمَكْتُومِ وَ بِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْتُومِ الْمَوْسَدِ فِي كَنْفِهِ الْإِمَامِ الْمَعْصُومِ الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْغَمِّ وَ تَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ لِقَدَرِ الْمَحْتُومِ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ اللَّهُمَّ جَلِّلْنِي بِنِعْمَتِكَ وَ رَضِّنِي بِقَسْمِكَ وَ تَغَمَّدْنِي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ بَاعِدْنِي مِنَ مَكْرِكَ وَ نِقْمَتِكَ اللَّهُمَّ اعصمني مِنَ الزَّلَلِ وَ سَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَ الْعَمَلِ وَ افْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ وَ اعفني مِنَ الْأَوْجَاعِ وَ الْعِلَلِ وَ بَلِّغْنِي بِمَوَالِي وَ بِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي وَ ارْحَمْ عِبْرَتِي وَ

أَقْلِنِي عَشْرَتِي وَنَفْسَ كُرْبَتِي وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي
 اللَّهُمَّ لَا تَدْعَ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ وَالْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ ذَنْباً إِلَّا عَمَّرْتَهُ
 وَلَا فَسَاداً إِلَّا أَصْلَحْتَهُ وَلَا أَمَلاً إِلَّا بَلَّغْتَهُ وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ وَلَا
 مَضِيقاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا شَمَلاً إِلَّا جَمَعْتَهُ وَلَا أَمراً إِلَّا أَتَمَمْتَهُ وَلَا مَالاً إِلَّا
 كَثَّرْتَهُ وَلَا خُلُقاً إِلَّا حَسَّنْتَهُ وَلَا انْفِاقاً إِلَّا خَلَفْتَهُ وَلَا حَالاً إِلَّا عَمَّرْتَهُ وَ
 لَا حَسُوداً إِلَّا قَمَعْتَهُ وَلَا عَدُوّاً إِلَّا أَرَدَيْتَهُ وَلَا شِراً إِلَّا كَفَيْتَهُ وَلَا مَرَضاً
 إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا بَعِيداً إِلَّا أَدْنَيْتَهُ وَلَا شِعْناً إِلَّا لَمَمْتَهُ وَلَا سُؤْلاً إِلَّا أَعْطَيْتَهُ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ وَثَوَابَ الْآجِلَةِ اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ
 الْحَرَامِ وَبِفَضْلِكَ عَنِ جَمِيعِ الْأَنْامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْماً نَافِعاً وَقَلْباً
 خَاشِعاً وَيَقِيناً شَافِئاً وَعَمَلاً زَكِيّاً وَصَبْراً جَمِيلاً وَأَجْراً جَزِيلاً اللَّهُمَّ
 ارزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ وَاجْعَلْ
 قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعاً وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعاً وَآثِرِي فِي الْخَيْرَاتِ
 مَتْبُوعاً وَعَدُوِّي مَقْمُوعاً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْخِيَارِ
 فِي آثَارِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ وَأَكْفِنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ
 وَالْأَوْزَارِ وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ وَأَحِلَّنِي دَارَ الْقَرَارِ وَأَغْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ
 إِخْوَانِي فِيكَ وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

آنگاه که نماز را تمام کردی و خواستی تسبیح بگویی گونه خود را بر خاک بگذار و ۴۰ مرتبه بگو «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» و از خداوند متعال بنخواه که مصونیتی در برابر پاکی از گناهان به تو عطا کند، و از مهالک نجات دهد، گناهان تو را بیمارزد و به انجام اعمال نیکو موفق نماید، و آن را به سبب تقربتی که به وسیله آن حضرت به سوی خدا به دست می آوری و آبرویی که در نزد او پیدا کنی بپذیرد، و در بالا سر آن حضرت بایست و همان طوری که بیان کردیم دو رکعت نماز بخوان. آن گاه خود را به روی قبر شریف بینداز و آن را ببوس و بگو:

زَادَ اللهُ فِي شَرَفِكُمْ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ، وَ بِرِخْوَدِ
وَ پدر و مادرت و هر کسی که دوست داری دعا کن.^۱

۸- زیارت حضرت صاحب الامر

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ الرَّحْمَانِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاطِعَ الْبُرْهَانِ، السَّلَامُ

(۱) بحار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷؛ صحیفه مهدیه، ص ۴۶۷.

عَلَيْكَ يَا قَاطِعَ الْبُرْهَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

۹- زیارت حضرت در سرداب مقدس

هر وقت می‌خواهی امام زمان علیه السلام را در سرداب مقدس زیارت کنی، اول، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام را زیارت کن، وقتی از زیارت آن دو بزرگوار فارغ شدی به سوی سرداب مقدس برو و در برابر درب آن بایست و دعای اذن دخول را بخوان، بعد از خواندن دعای اذن دخول اول پای راست را مقدم دار و وارد شو و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَآلِ اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

و سپس تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل بگو، و وقتی در آن مکان مقدس مستقر شدی رو به قبله بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى مَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ،
صَاحِبِ الضِّيَاءِ وَالنُّورِ، وَالدِّينِ الْمَأْثُورِ، وَاللَّوَاءِ الْمَشْهُورِ، وَالْكِتَابِ

الْمَنْشُورِ وَصَاحِبِ الدُّهُورِ وَالْعُصُورِ، وَخَلْفَ الْحَسَنِ، الْإِمَامِ الْمُؤْتَمَنِ،
وَالْقَائِمِ الْمُعْتَمَدِ، وَالْمَنْشُورِ الْمُؤَيَّدِ، وَالْكَهْفِ وَالْعَضُدِ، عِمَادِ الْإِسْلَامِ،
وَرَكْنِ الْأَنَامِ وَمِفْتَاحِ الْكَلَامِ، وَوَلِيِّ الْأَحْكَامِ، وَشَمْسِ الظُّلَامِ وَبَدْرِ
التَّمَامِ وَنُضْرَةِ الْأَيَّامِ وَصَاحِبِ الصَّمَامِ وَفَلَّاقِ الْهَامِ وَالْبَحْرِ الْقَمَقَامِ
وَالسَّيِّدِ الْمُهِمَامِ وَحُجَّةِ الْخِصَامِ وَبَابِ الْمَقَامِ لِيَوْمِ الْقِيَامِ، وَالسَّلَامِ
عَلَى مُفْرَجِ الْكُرْبَاتِ، وَخَوَاضِ الْغَمَرَاتِ وَمَنْفَسِ الْحَسَرَاتِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ
فِي أَرْضِهِ، وَصَاحِبِ فَرْضِهِ، وَحُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَغِيَّةِ عِلْمِهِ، وَ
مَوْضِعِ صِدْقِهِ، وَالْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ
الْأَصْيَاءِ، وَحُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ رَسُولِهِ، وَالْقِيمِ مَقَامَهُ، وَوَلِيِّ أَمْرِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

اللَّهُمَّ كَمَا انْتَجَبْتَهُ لِعِلْمِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ لِحُكْمِكَ وَخَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَ
جَلَّلْتَهُ بِكِرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُ بِنِعْمَتِكَ، وَغَذَيْتَهُ
بِحِكْمَتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِبَاسِكَ وَارْتَضَيْتَهُ لِقُدْسِكَ، وَ
جَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَدَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصَلَ
الْقَضَايَا بَيْنَ عِبَادِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَتُفْرَجَ بِهِ عَنِ الْأُمَّمِ،
وَ تُنِيرَ بِعَدْلِهِ الظُّلْمَ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الظُّلْمِ، وَتَقْمَعَ بِهِ جَرَّ الْكُفْرِ وَآثَارَهُ

، وَ تَطَهَّرَ بِهِ بِلَادَكَ وَ تَشْفَى بِهِ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَ تَجْمَعُ بِهِ الْمَمَالِكَ
كُلَّهَا قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا، عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا، شَرْقَهَا وَ غَرْبَهَا سَهْلَهَا وَ جَبَلَهَا،
صَبَاها وَ دُبُورَهَا، شِمَالَهَا وَ جُنُوبَهَا بَرَّهَا وَ بَحْرَهَا، حُزُونَهَا وَ وُغُورَهَا،
يَمْلَأُهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، وَ تُمَكِّنُ لَهُ فِيهَا، وَ
تُنَجِّزِيهِ وَ عَدَّ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى لَا يُشْرَكَ بِهَا شَيْئًا، وَ حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ
الْأَظْهَرُ، وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهْرًا، وَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً
أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةَ تَطْهِيرٍ بِهَا حُجَّتُهُ، وَ تَوْضِئِ بِهَا
بِهَجَّتُهُ، وَ تَرْفَعْ بِهَا دَرَجَتَهُ وَ تُوَيِّدْ بِهَا سُلْطَانَهُ وَ تَعْظَمْ بِهَا بُرْهَانَهُ، وَ
تُشَرِّفْ بِهَا مَكَانَهُ، وَ تَعْلَى بِهَا بُنْيَانَهُ، وَ تُعْزِزْ بِهَا نَصْرَهُ، وَ تَرْفَعْ بِهَا قَدْرَهُ وَ
تُسَمِّي بِهَا ذِكْرَهُ، وَ تَطْهِرْ بِهَا كَلِمَتَهُ، وَ تُكَثِّرْ بِهَا نُصْرَتَهُ، وَ تُعْزِزْ بِهَا دَعْوَتَهُ،
وَ تَزِيدُهُ بِهَا إِكْرَامًا وَ تَجْعَلُهُ لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا، وَ تُبَلِّغُهُ فِي هَذَا الْمَكَانِ مِثْلَ
هَذَا الْأَوَانِ، وَ فِي كُلِّ مَكَانٍ مَنَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا لَا يَبْلَى جَدِيدُهُ [وَ لَا يَفْنَى
عَدِيدُهُ]

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ، وَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْفَ السَّلْفِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الشَّرْفِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْمَعْبُودِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا شَمْسَ الشُّمُوسِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَهْدِيَّ الْأَرْضِ وَ عَيْنَ
الْفَرَضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ وَ الْعَالِيَّ الشَّانِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ الْأَوْصِيَاءِ وَ ابْنَ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ
الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْفَرِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُنْتَظَرُ وَ الْحَقُّ الْمَشْتَهَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْوَلِيُّ
الْمُجْتَبَى وَ الْحَقُّ الْمُسْتَهَيَّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ
الْجَوْرِ وَ الْعُدْوَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُبِيدُ لِأَهْلِ الْفُسُوقِ وَ
الطُّغْيَانِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِمُ لِبُنْيَانِ الشُّرْكِ، وَ النُّفَاقِ، وَ الْحَاصِدُ
فُرُوعَ الْغَيِّ وَ الشِّقَاقِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُدْخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَ
السُّنَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَامِسَ آثَارِ الزَّيْغِ وَ الْأَهْوَاءِ، وَ قَاطِعَ الْكُذْبِ وَ
الْفِتَنِ وَ الْإِفْتِرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الدَّوْلَةِ الشَّرِيفَةِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاصِمَ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَهْلِكُ وَ لَا يَبْلَى إِلَى يَوْمِ الدِّينِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

يا صاحب الفتح وناشر راية الهدى، السلام عليك يا مؤلف شامل
الصلاح والرضا، السلام عليك يا طالب نار الأنبياء و أبناء الأنبياء و
الثائر بدم المقتول بكر بلاء.

السلام عليك أيها المنصور على من اعتدى، السلام عليك أيها المنتظر
المجاب إذا دعى، السلام عليك يا بقية الخلائف، البر التقي، الباقي
لإزالة الجور والعدوان.

السلام عليك يا بن محمد المصطفى، السلام عليك يا بن علي
المرتضى، السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء، السلام عليك يا بن
خديجة الكبرى، و ابن السادة المقربين و القادة المتقين.

السلام عليك يا بن النجباء الأكرمين، السلام عليك يا بن الأصفياء
المهديين، السلام عليك أيها يا بن الهداة المهديين، لسلام عليك أيها
يا بن الخير، السلام عليك أيها يا بن سادة البشر، السلام عليك أيها
يا بن الغطارفة الأكرمين، و الأصائب المطهرين، السلام عليك أيها يا بن
البررة المنتخبين و الخضارمة الأنجيين، السلام عليك أيها يا بن الحجج
المنيرة، و السرج المضيئة، السلام عليك أيها يا بن الشهب الثاقبة،
السلام عليك أيها يا بن قواعد العلم، السلام عليك أيها يا بن معادن

الحلم، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا يابنَ الكواكبِ الزاهِرَةِ، وَ النُّجُومِ الباهِرَةِ،
السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا يابنَ الشُّمُوسِ الطالِعَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا يابنَ
الأقمارِ الساطِعَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا يابنَ السُّبُلِ الواضِحَةِ، وَ الأعلامِ
الانحَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا يابنَ السُّنَنِ المَشهُورَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
يابنَ المِعالِمِ الماثُورَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا يابنَ الشُّواهِدِ المَشهُودَةِ، وَ
المُعْجِزاتِ المَوْجُودَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا يابنَ الصِّراطِ المُسْتَقِيمِ وَ النِّبَاءِ
العَظِيمِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا يابنَ الآياتِ البَيِّناتِ وَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ،
السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا يابنَ البَراهِينِ الواضِحَاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا يابنَ
الحُجَجِ البالِغاتِ، وَ النِّعَمِ السَّابِقَاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا يابنَ طه وَ
المُحَكِّماتِ، وَ يس وَ الذَّارِياتِ وَ الطُّورِ وَ العادِياتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
يابنَ مَنْ دى فَتَدَلَّى فَكانَ قابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدنى، وَ اقْتَرَبَ مِنْ العَلِيِّ
الأَعلى.

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النُّوى، أَوْ أَنْتَ بِوادي طوى، عَزِيزُ عَلِيِّ
أَنْ أَرى الخَلقَ وَ لا تُرى، وَ لا يَسْمَعُ لَكَ حَسِيسٌ وَ لا نَجوى، عَزِيزُ
عَلِيِّ أَنْ بُرِيَ الخَلقُ وَ لا تُرى، عَزِيزُ عَلِيِّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ الأعداءُ.
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ ما غابَ عَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نازِحٍ ما نَزَجَ عَنَّا وَ

نَحْنُ نَقُولُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
أَجْمَعِينَ.

سپس دست های خود را بلند می کنی و می گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَاشِفُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى، وَالْيَكْ نَشْكُو غِيْبَةَ إِمَانِنَا، وَابْنَ
بِنْتِ نَبِيِّنَا، اللَّهُمَّ فَاْمَلْنَا بِهِنَّ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مُلِثْتَ ظَلْمًا وَ
جَوْرًا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ، وَارِنَا سَيِّدِنَا وَصَاحِبِنَا وَآمِنَا
صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَمَلْجَأِ أَهْلِ عَصْرِنَا، وَمَنْجَا أَهْلِ دَهْرِنَا، ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ
وَاضِحِ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، مُنْقِذًا مِنَ الْجَهَالَةِ، وَأَظْهَرَ مَعَالِمَهُ، وَ
ثَبَّتَ قَوَاعِدَهُ وَأَعَزَّ نَصْرَهُ وَأَطْلَعَ عُمرَهُ، وَأَبْسَطَ جَاهَهُ وَأَحْيَى أَمْرَهُ، وَ
أَظْهَرَ نُورَهُ، وَقَرَّبَ بُعْدَهُ وَأَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَأَوْفَى عَهْدَهُ.

وَزَيَّنَ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ، وَدَوَّامِ مُلْكِهِ وَعُلُوِّ ارْتِقَائِهِ وَارْتِفَاعِهِ، وَأَنْرِ
مَشَاهِدَهُ، وَثَبَّتَ قَوَاعِدَهُ وَعَظَّمَ بُرْهَانَهُ وَأَمَدَ سُلْطَانَهُ وَأَعْلَى مَكَانَهُ وَ
قَوِّ أَرْكَانَهُ وَارِنَا وَجْهَهُ، وَأَوْضَحَ بَهْجَتَهُ، وَأَرْفَعَ دَرَجَتَهُ، وَأَظْهَرَ كَلِمَتَهُ، وَ
أَعَزَّ دَعْوَتَهُ، وَأَعْطَاهُ سُؤْلَهُ وَبَلَّغَهُ يَا رَبِّ مَأْمُولَهُ، وَشَرَّفَ مَقَامَهُ، وَعَظَّمَ
إِكْرَامَهُ وَأَعَزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَحْيَى بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَأَدَلَّ بِهِ الْمُنَافِقِينَ،

وَأَهْلِكَ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَكَفَى بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ،
 وَازْجِرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنُودِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، وَ
 سَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَأَخْمِدْ
 بِسَفِيهِ كُلِّ نَارٍ وَقَيْدٍ، وَأَنْخِذْ حُكْمَهُ فِي كُلِّ مَكَانٍ، وَأَقِمْ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ
 سُلْطَانٍ، وَأَقْمِعْ بِهِ عِبْدَةَ الْأَوْثَانِ، وَشَرِّفْ بِهِ أَهْلَ الْقُرْآنِ وَالْإِيمَانِ، وَ
 أَظْهِرْهُ عَلَى كُلِّ الْأَدْيَانِ وَأَكْبِتْ مَنْ عَادَاهُ وَأَذِلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَاسْتَأْصِلْ
 مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ، وَأَنْكَرَ صِدْقَهُ وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ، وَ
 سَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، اللَّهُمَّ نَوِّرْ نُورَهُ كُلَّ ظَلَمَةٍ، وَاكْشِفْ بِهِ كُلَّ غُمَّةٍ وَ
 قَدِّمْ أَمَامَةَ الرَّعْبِ، وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ، وَأَقِمْ بِهِ نُصْرَةَ الْحَرْبِ، وَاجْعَلْهُ
 الْقَائِمَ الْمُؤَمَّلَ، وَالْوَصِيَّ الْمُفْضَّلَ، وَالْإِمَامَ الْمُنْتَظَرَ، وَالْعَدْلَ الْمُخْتَبَرَ، وَ
 ائِمْلًا بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتِ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَأَعِزَّهُ عَلَى مَا
 وَهَيْبَتُهُ وَاسْتَخْلَفْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ، حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ
 يَهْدِيَ بِحَقِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ.

وَاحْرُسْهُ اللَّهُمَّ بَعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَكَفَى بِرِكَانِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَأَعِزَّهُ
 بِعِزِّكَ الَّذِي لَا يُضَامُ وَاجْعَلْنِي يَا إِلَهِي مِنْ عَدَدِهِ وَمَدَدِهِ، وَأَنْصَارِهِ وَ
 أَعْوَانِهِ وَأَرْكَانِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَاتِّبَاعِهِ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ فَرَحَتِهِ وَالْبِسْنِي

ثَوْبَ بَهْجَتِهِ ، وَ أَحْضَرْنِي مَعَهُ لِبَيْعَتِهِ وَ تَأْكِيدِ عَقْدِهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ
عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَ وَقَّفْنِي يَا رَبِّ لِلْقِيَامِ بِطَاعَتِهِ ، وَ الْمَشْوَى فِي خِدْمَتِهِ
وَ الْمَكْتَبِ فِي دَوْلَتِهِ ، وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ ، فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ ،
فَاجْعَلْنِي يَا رَبِّ فِي مَنْ يَكْرَهُ فِي رَجْعَتِهِ ، وَ يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِهِ ، وَ يَسْتَمَلْنَ
فِي أَيَّامِهِ ، وَ يَسْتَظِلُّ تَحْتَ أَعْلَامِهِ ، وَ يُحْشَرُ فِي زُمْرَتِهِ ، وَ تَقْرَأُ عَيْنُهُ
بِرُؤْيَتِهِ ، بِفَضْلِكَ وَ إِحْسَانِكَ ، وَ كَرَمِكَ وَ اِمْتِنَانِكَ أَنْكَ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ ، وَ الْمَنَّ الْقَدِيمِ ، وَ الْإِحْسَانِ الْكَرِيمِ .

سپس دوازده ده رکعت نماز با هر سوره ای که می خواهی بخوان، و
هدیه به پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فدا نموده و چون نمازها را
دو رکعت دو رکعت خواندن بعد از هر رکعت تسبیح حضرت
زهرا(س) را بفرست و این دعا را بخوان.

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ ، حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ
بِالسَّلَامِ ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى وِلِيِّكَ وَ ابْنِ وِلِيِّكَ وَ ابْنِ
أَوْلِيَائِكَ ، الْإِمَامِ بْنِ الْإِنَّمَةِ ، الْخَلْفِ الصَّالِحِ ، الْحُجَّةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ ، فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ بَلِّغْهُ إِتَاهَا ، وَ أَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَ رَجَائِي

فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ، صَلَوَتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ فِيهِ ۱

۱۰- دعای فرج

امام زمان علیه السلام این دعا را به شخصی که در زندان بود تعلیم داد و او آزاد شد. دعا این است:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا
 وَسِعَتِ السَّمَاءُ وَ الْيَكُ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَةِ
 وَ الرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ وَ عَجَّلْ
 اللَّهُمَّ، فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ وَ أَظْهِرْ اعْزَازَهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ
 اكْفِيَانِي، فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي
 فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ احْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ
 يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا مَوْلَايَ يَا
 صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثُ، الْغَوْثُ الْغَوْثُ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي الْأَمَانَ
 الْأَمَانَ الْأَمَانَ

(۱) مصباح الزائر، ص ۴۱۸؛ صحیفه مهدیه.

۱۱- دعا برای سلامتی امام زمان علیه السلام

دعا برای سلامتی امام زمان علیه السلام که محمد بن عیسی به سند خود از صالحین روایت کرده که فرمودند: در شب ۲۳ ماه، مبارک رمضان در تمام ماه و هر زمان که یادت بیاید در ایام حیات خود این دعا را برای امام زمان علیه السلام بخوان:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّىٰ تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

خدایا در همیشه اوقات شبانه روز نگهدار و یاور و راهنمای حضرت حجة بن الحسن علیه السلام باش تا زمانی که آن حضرت را پادشاه زمین گردانی و مدت طولانی صاحب اختیار نمایی.

۱۲- صلوات خاصی حضرت

صلوات خاصی حضرت بقیه الله را که آقای شیخ جعفر مجتهدی تبریزی که یکی از اولیاء خدا بوده‌اند در زمان حیاتشان به افراد خاصی تعلیم داده بودند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ كَهْفِ الْمُحْصِينَ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ حُجَّتِكَ وَ

كَلِمَتِكَ النَّامُوسِ الْاَكْبَرِ الْاِمَامِ الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ
الْعَسْكَرِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ
اجْعَلْنَا مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ الْفَائِزِينَ بِلِقَائِهِ.

۱۳- دعایی برای حضرت

اللَّهُمَّ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ، وَ اَظْهَرِ بِهِ الْعَدْلَ وَ اَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ،
وَ اَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَ اقْصِمْ قَاصِمِيهِ، وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ
الْكُفْرِ، وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ، وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَانْكَ اِنْ لَمْ تُعَرَّفَنِي نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ
عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَانْكَ اِنْ لَمْ تُعَرَّفَنِي رَسُولَكَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ فَانْكَ
اِنْ لَمْ تُعَرَّفَنِي حُجَّتَكَ ظَلَمْتُ عَنْ دِينِي.

۱۴- زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام در همه وقت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتَهُ فِي بِلَادِهِ وَ نُورَهُ فِي
سَمَانِهِ وَ اَرْضِهِ وَ الدَّاعِيَ اِلَى سُنَّتِهِ وَ فَرَضِهِ مُبَدِّلُ الْجَوْرِ عَدْلًا وَ مُفْنِي
الْكُفَّارِ قِتْلًا وَ دَافِعِ الْبَاطِلِ بِظُهُورِهِ وَ مُظْهِرِ الْحَقِّ بِكَلَامِهِ وَ مُعَيِّشِ الْعِبَادِ

بضائه، الأمام المنتظرَ والعَدْلَ المُختَبَرَ، السلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الإِمامُ
المَهْدِيُّ الثَّقَةَ النَّقِيَّ وَقَاتِلْ كُلَّ خَبْثٍ رَدِيٍّ. السلامُ عَلَيْكَ مِنْ عَبْدِكَ وَ
الْمُنْتَظَرِ يَظْهُورُ عَدْلِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُولَايَ وَابْنَ مَوَالِيٍّ وَ سَيِّدِي وَ
ابْنَ سَادَاتِي وَ عَلِيَّ يَا وَلِيَّ عَهْدِكَ وَ القَوَامِ بِالْأَمْرِ مِنْ بَعْدِكَ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيَّ الأئِمَّةِ أَجْمَعِينَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِمَامِنَا وَ ابْنِ أَيْمَتِنَا وَ سَيِّدِنَا وَ ابْنِ سَادَاتِنَا الوَصِيِّ الزَّكِيِّ،
التَّقِيِّ النَّقِيِّ الإِمامِ الباقِي ابْنِ المَاضِي حُجَّتِكَ فِي الأَرْضِ عَلَى العِبَادِ وَ
غَيْبِكَ الحَافِظِ فِي البِلَادِ وَ السَّفِيرِ فِيما صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ
مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ وَ أَوْلَى الأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ وَ
ذَوِي القُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَ المَوَالِيَّ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِعِرْفَانِ حَقِّهِمْ
وَ أَهْلِ البَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، أَسْأَلُكَ بِهِمْ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ ذُنُوبِي كُلَّهَا يَا غَفَّارُ وَ
تَتُوبُ عَلَيَّ يَا تَوَّابُ وَ تَرْحَمَنِي يَا رَحِيمُ، يَا مَنْ لا يَتَعَاطَمُهُ ذَنْبٌ وَ هُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

فصل دهم: شفایافتگان و نجات یافتگان امام زمان علیه السلام

۱- بالا رفتن دیوار و نجات از دست سنی‌ها به برکت امام
زمان علیه السلام

شیخ محمد انصاری می‌گوید: در سفرم به سامرا، چون خواستم به سرداب مقدس مشرف شوم، مغرب گذشته بود و نماز واجب را نخوانده بودم در مسجدی که متصل به درب سرداب است دیدم که نماز جماعت است و نمی‌دانستم که این مسجد به تصرف اهل تسنن است و مشغول نماز عشاء هستند، پس به اتفاق فرزندانم وارد شبستان شده و در گوشه‌ای از شبستان مشغول نماز و سجده بر تربت امام حسین علیه السلام شدم و چون از جماعت فارغ

شدند جمعیت از جلوی من گذشته و به حالت غضب به من نظر کردند و ناسزا می گفتند: پس فهمیدم که اشتباه کردم و تقیه نکردم. چون همه رفتند، ناگاه تمام چراغهای شبستان را خاموش کرده و در را به روی من بسته و هر چه استغاثه کردم و فریاد زدم که: من غریب و زوارم! به من اعتنایی نکردند.

در آن وقت، حالت وحشت و اضطراب عجیبی در من و فرزندم پیدا شد و می گفتم خیال کشتن ما را دارند.

ما گریان و نالان، با حالت اضطرار به حضرت حجت بن الحسن متوسل و از پروردگار به وسیله آن بزرگوار، نجات خود را خواستم. ناگهان فرزندم که نزدیک دیوار بود و ناله می کرد گفت: پدرایا که راه پیدا شد و ستونی که جزء دیوار و نزدیک به درب شبستان می باشد، بالا رفته است.

چون نظر کردم، دیدم تقریباً به مقدار دو سه وجب ستون از زمین بالا رفته به طوری که به آسانی از زیر آن می توان خارج شد. من و فرزندم از زیر آن خارج شدیم و وقتی بیرون آمدیم ستون به حالت اولیه خود برگشت و راه مسدود شد، شکر خدا را به جا آوردم فردا آمدم همانجا را ملاحظه کردم هیچ اثر و نشانه ای از حرکت ستون دیده نشد و سرسوزن هم شکافت در دیوار نمایان

حزرت علی

نبود.^۱



۲- استغاثه مرد سنی به اما زمان علیه السلام و نجات او توسط آن

حضرت

عالم جلیل شیخ علی رشتی نقل می کند که: وقتی که از زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام مراجعت کرده بودم و از راه آب فرات به سمت نجف اشرف می رفتم، در کشتی کوچکی که بین کربلا و طویرج بود نشستم و اهل آن کشتی، همه از اهل حلّه بودند.

پس آن جماعت را دیدم که مشغول لهو و لعب و مزاح شدند جز یک نفر که با ایشان بود و در عمل ایشان داخل نبود و آثار سکینه و وقار از او ظاهر بود، نه خنده می کرد و نه مزاح و آن جماعت بر مذهب او عیب می گرفتند، با این حال در خوردن و آشامیدن با هم شریک بودند.

بسیار تعجب کردم، به حال سؤال کردن نبود تا اینکه رسیدیم به جایی که به جهت کمی آب، ما را از کشتی بیرون کردند.

در کنار نهر راه می رفتیم از او پرسیدم که دلیل جدا بودن طریقه او

(۱) داستانهای شگفت) شفا یافتگان و نجات یافتگان امام زمان علیه السلام

از رفقاییش و عیب گرفتن آنها از مذهبش چیست؟
 او گفت: اینها فامیلها و خویشان من هستند از اهل سنت می‌باشند
 و پدرم نیز مثل اینها بود ولی مادرم از اهل ایمان، و من نیز سنی
 بودم ولی به برکت امام زمان علیه السلام شیعه شدم من از چگونگی شیعه
 شدنش سوال کردم و او گفت:

اسم من یاقوت و شغل من فروختن روغن در کنار حبسرحله
 بود، سالی به جهت خریدن روغن از حله به اطراف و نواحی پیش
 بادیه نشینان اعراب رفتم.

چند منزلی دور شدم تا آنچه خواستم خریدم و با جماعتی از اهل
 حله برگشتم. در یکی از منازل بین راه خوابیدم ولی وقتی که بیدار
 شدم دیدم همه رفته‌اند و کسی نیست.

مسیر راه، صحرای بی آب و علفی بود که درندگان بسیاری داشت
 و در آن نزدیکی نیز جای آبادی نبود.

پس برخاستم و بار خود را جمع کرده و به راه افتادم ولی راه را
 گم کردم و متحیر و ترسان مانده بودم.

پس به خلفا و مشایخ سنی‌ها استغاثه کردم و آنها را در نزد
 خداوند شفیع قرار دادم و تضرع نمودم ولی فرجی ظاهر نشد پس
 پیش خود گفتم: من از مادرم شنیدم که او می‌گفت: برای ما امام

زنده‌ای است که کینه اش ابوصالح است و او گمشدگان را نجات می‌دهد و به فریاد درماندگان می‌رسد و به ضعیفان کمک می‌نماید. پس با خداوند عهد کردم که من به او استغاثه می‌نمایم و اگر مرا نجات داد به دین مادرم دربیایم. پس او را صدا زدم و به وی استغاثه نمودم ناگاه شخصی را دیدم که با من راه می‌رود و بر سرش عمامه سبزی است که رنگش مانند این بود (اشاره به علفهای سبز که در کنار نهر روئیده بود).

آنگاه راه راه من نشان داد و امر فرمود که به دین مادرم دربیایم. همچنین فرمود: بزودی به قریه‌ای می‌رسی که اهل آن همه شیعه هستند گفتم: ای آقای من! شما با من تا این قریه نمی‌آیید؟

ایشان فرمودند: نه! زیرا که هزار نفر در اطراف بلاد به من استغاثه نموده اند و من باید آنان را نجات بدهم.

سپس آن حضرت از نظرم غائب شد. اندکی رفتم و به آن قریه رسیدم و مسافت تا آنجا بسیار بود و آن جماعت همراه من، روز بعد به آنجا رسیدند.

چون به حله رسیدم رفتم نزد فقهای کاملین سید مهدی قزوینی و قضیه خود را نقل کردم و معالم دین را آموختم و از او سوال کردم: آیا عملی هست که بدان وسیله بشود بار دیگر آن حضرت



حزبِ حسین

را ملاقات نمایم. ایشان فرمود: چهل شب جمعه، حضرت اَبی عبدالله علیه السلام را زیارت کن.

من مشغول شدم و در شبهای جمعه برای زیارت از حله به آنجا می‌رفتیم تا آنکه یک شب باقی ماند. در روز پنجشنبه که از حله به کربلا رفتم وقتی به دروازه شهر رسیدم دیدم اعوان دیوان، در نهایت سختی از واردین مطالبه تذکره می‌کنند و من نه تذکره داشتم و نه قیمت آن را و متحیر ماندم و مردم نیز دردم دروازه مزاحم یکدیگر بودند.

پس چند دفعه خواستم که خود را مخفی کرده‌اند و از آنها عبور کنم ولی موفق نشدم در این حال صاحب خود حضرت صاحب علیه السلام را دیدم که در هیأت طلاب عجم، عمامه سفید بر سر دارد و داخل بلد است وقتی آن حضرت را دیدم به ایشان استغاثه کردم پس بیرون آمد و دست مرا گرفت و داخل دروازه نمود و کسی مرا ندید.

وقتی داخل شدم دیگر آن حضرت را ندیدم و متحسر باقی ماندم.^۱

(۱) منتهی الامال، شفا یافتگان و نجات یافتگان امام زمان علیه السلام

۳- آمدن امام زمان علیه السلام به بالین زن مریض در قم و شفای
مرض غیر قابل علاج او
جناب آقای متقی همدانی می گوید:

«روز دوشنبه هیجدهم ماه صفر سال ۱۳۹۷ هجری قمری مسأله‌ای
پیش آمد که مرا و صدها نفر دیگر را نگران نمود.

همسر این جانب محمد متقی همدانی در اثر غم و اندوه و گریه و
زاری دو ساله که از داغ دو جوان خود که در یک لحظه در
کوههای شمیران جان سپردند، در این روز مبتلا به سکته ناقص
شد. و البته طبق دستور دکترها مشغول به معالجه و مداوا شدیم،
ولی نتیجه‌ای به دست نیامد، تا شب جمعه ۲۲ همین ماه، یعنی
پس از چهار روز از حادثه سکته، ساعت ۱۱ شب جمعه بود که
به ناچار با خاطری خسته و دلی شکسته رفتم در غرفه خود
استراحت کنم.

متوجه شدم شب جمعه است، شب دعا و نیایش شب توسل و
توجه، پس از قرائت چند آیه از قرآن مجید و دعای مختصری از
دعاهای شبهای جمعه، متوسل شدم به امام زمان علیه السلام و با دلی پر از
اندوه به خواب رفتم.



حکایت

ساعت چهار بامداد همان شب طبق معمول بیدار شدم ناگه
احساس کردم که از اطاق پایین که مریضه در آنجا بود، صدا و
همهمه می‌آید. سر و صدا قدری بیشتر شد و ساکت شدند، من
گمان کردم میهمان از همدان یا تهران آمده‌اند پس اعتنا نکردم.

اول اذان صبح رفتم پایین وضو بگیرم، دیدم چراغهای حیاط
روشن است و دختر بزرگم قدم می‌زند و او را پس از مرگ
برادرهایش خوشحال ندیده بودم، دیدم برخلاف انتظار، خوشحال
و متبسم، قدم می‌زند.

پرسیدم: چرا نمی‌خوابی؟

گفت: پدر جان! خواب از سرم رفت.

گفتم: چرا؟

گفت: به خاطر اینکه مادرم مرا چهار بعد از نیمه شب شفا دادند
من منتظر بودم که شما بیایید و به شما مرده دهم.

گفتم: چه کسی شفا داد؟

گفت: مادرم ساعت چهار بعد از نیمه شب با شدت اضطراب ما را
بیدار کرد که برخیزید آقا را بدرقه کنید. همگی بیدار شدیم ناگهان
دیدیم مریضه برخلاف انتظار، با آن که قدرت نداشت از جا
حرکت کند از اطاق بیرون آمد. من که ملازم مادر بودم او را دنبال

کردم، نزدیک درب حیاط به او رسیدم. گفتم: مادر جان! کجا می‌روی؟ آقا کجا بود؟

مادر گفت: آقای، سید جلیل القمري در لباس اهل علم آمد به بالینم و فرمود: برخیز. گفتم: نمی‌توانم با لحن تندتری گفت: برخیز، دیگر گریه نکن و دواهم نخور.

من از مهابت آن بزرگوار برخاستم. فرمود: دیگر گریه نکن و دوا هم نخور.

همین که رو کرد به طرف درب اتاق، من شما را بیدار کردم، و گفتم از آقا تجلیل کنید و او را بدرقه نمایید، لیکن شما دیر جنبیدید خودم بدرقه کردم.

هنگامی که متوجه شد، نزدیک درب حیاط ایستاده می‌گوید: زهرا من خواب می‌بینم یا بیدارم من خودم تا اینجا آمدم.

زهرا دخترش می‌گوید: مادر جان تو را شفا دادند و مادر را به اتاق آورد.

به خواهر زاده مریضه نیز حالت بهت دست می‌دهد؛ زیرا می‌بیند مریضه که چهار روز قدرت بر حرکت نداشت چگونه از جا برخاست.

رنگش زرد بود به رنگ طبیعی برگشت، چشمش غبار آورد بود



حکایت

غبار آن برطرف، و نابینا بینا شد.

چهار روز بود که اصلاً میل به غذا نداشت، در این وقت از شب، از آنها غذا می‌خواهد، با گفتن یک کلمه «گریه نکن» آن همه اندوه و غم از دل او بیرون رفت.

این همه تحول، آقای مهندس - خواهر زاده مریضه - و بقیه اهل خانه را سراسیمه و مبهوت می‌کند.

پس از چندی معلوم شد، آن کسالت روماتیسم که چند سال بود دامنگیرش بود با یک کلمه «شفا یافتی!» از استخوانهای او می‌گریزد.^۱

۴- شفای چشم زن کور توسط امام علی (ع)

شیخ شمس الدین محمد بن قارون می‌گوید: مردی در روستای دقوسا که یکی از قریه‌های کنار نهر فرات بزرگ است، ساکن بود. نام آن مرد نجم و لقبش اسوه بود و بسیار آدم خوب و اهل خیری بود. وی، زن صالحه‌ای داشت که به او فاطمه می‌گفتند و او نیز زن خوب و صالحه‌ای بود. آنها یک پسر و دختر داشتند که اسم

(۱) شیفتگان حضرت مهدی (عج)

پسر، علی و دختر، زینب بود. آن مرد و زن هر دو نابینا شدند و مدتی بر این حالت، باقی ماندند در یکی از شبها، زن دید که دستی بر روی او کشیده شد و گوینده‌ای گفت: حق تعالی کوری را از تو برطرف کرد، برخیز و شوهر خود، ابو علی را خدمت کن و در خدمت او کوتاهی نکن.

زن می‌گوید: من چشمم را باز کردم و دیدم که خانه پر از نور است فهمیدم که آن شخص حضرت صاحب الزمان علیه السلام است.^۱

۵- شفای مرد فلج توسط امام زمان علیه السلام

شخصی به نام حسین مدمل بود که در نزدیکی صحن حضرت علی علیه السلام خانه‌ای داشت که به آن، ساباط حسین مدمل می‌گفتند که متصل به دیوار صحن مقدس بود و حسین مدمل، صاحب ساباط، دارای زن و بچه‌هایی بود.

او پس از مدتی فلج شد و قادر به بلند شدن نبود و عیال و فرزندان در وقت حاجت او را بر می‌داشتند.

به سبب طولانی شدن زمان مریضی او، خانواده او بسیار در شدت



خطبہ

و سختی افتادند و فقر و فلاکت مبتلا شدند و محتاج به خلق شدند، در سال ۷۲۰ هجری قمری در شبی از شبها بعد از آنکه مدتی از شب گذشته بود پسر و عیال او بیدار شدند و دیدند که در خانه و بام خانه نوری ساطع شده است به نحوی که دیده‌ها را می‌رباید پس آنها به حسین گفتند: چه خبر است؟

گفت: امام زمان علیه السلام به نزد من آمد و به من فرمود که برخیز، عرض کردم که: ای سید من! می‌بینی که من نمی‌توانم برخیزم؟! پس آن حضرت دست مرا گرفت و بلند کرد. در همان حال، مرض از بین رفت و من صحیح و سالم شدم.

سپس حضرت به من فرمود: این سبابط راه من است که به این راه به زیارت جدّم می‌روم، و درب آن را در هر شب ببند عرض کردم: شنیدم و اطاعت کردم ای مولای من!

سپس آن حضرت برخاست و به زیارت حضرت علی علیه السلام رفت و آن سبابط مشهور شده است به سبابط حسین مدمل و مردم از برای سبابط انذر می‌کردند و به برکت امام زمان علیه السلام به حاجت خود می‌رسیدند.^۱

فصل یازدهم: منتخبی از اشعار برای صاحب الامر و الزمان علیه السلام

یا صاحب الزمان

اگر ایزد کند یاری در این موج می مانم
برای دیدن یارم من این دیباج می خوانم
به دنبال تومی گردم در این صحرای بی حاصل
ندیدم غمزه چشمت که خود اخراج می دانم
بساط بزم بر پا کن برای این تن بی سر
هویدا شو در این بازی سری با تاج می خواهم
شب خاموش و ظلمانی نشی ای نور مهتابم
در این تاریکی بی حد ز تو سراج می خواهم
یکی خواند تورا سروویکی گوید گل نرگس
منم دیوانه و سروم درخت کاج می خوانم

همه حیران به دنبال گدائی گدایانت
منم رهن در این راه و ز آنان باج می خواهم
تو خورشیدی و چون شبم گواران وجود دل
سپیدی ات ندیدم من که چون مهتاب می دانم
و این شعر است امیدم که با تو آشنا گردم
من این شعرو غزلها را برت حراج می دانم
منم پروانه شمعی که بر تو آب می گردد
طواف این حرم بهتر از حج حاج می خوانم
نمی دانم که این وحی است یا الهام نیلوفر
من این را از بر دردم سبی علاج می دانم
ندیدم مه جبین روشن برای دیدنش اکنون
من این سید خراسان را بر خود ناج می دانم
همه درساز امکانش و من بر تار لرزانم
منم خانی و بر لطفش خودم محتاج می خوانم

حکایت عاشق

ای غایب از نظر به خدا می سپارمت
 جانم بسوختی و به دل دوست دارمت
 باور مکن که دست از دامن بدارمت
 تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک
 صد جوی آب بسته ام از دیده در کنار
 بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت
 بارم ده از کرم سوی خود تا به سوز دل
 در پای دم به دم گهر از دیده بارمت
 میگیریم و مرادم از این چشم اشکبار
 تخم محبت است که در دل بکارمت
 محراب ابرویت بنما تا سحر گهی
 دست دعا برآرم و درگردن آرمت
 گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی
 صد گونه ساحری بکنم تا بیارمت
 خواهم که پیش می رمت ای بی وفا طیب



حافظ

بیمار باز پرس که در انتظارم
صد گونه ساحری بکنم تا بیارم
منت پذیر غمزه خنجر گذارم
گردیده دلم کند آهنگ دیگری
آتش زخم در آن دل و بر دیده آرمت
حافظ شراب و شاهدورندی نه وضع توست
فی الجملة می کنی و فرو می گذارم



غم تنهایی

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
دل بی تو به جان امد وقت است که باز آیی
ای درد توام درمان در بستر ناکامی
وی یاد توام مونس در گرشه تنهایی
مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد
کز دست بنخواهد شد پایان شکیبایی
دائم گل این بستان شاداب نمی ماند
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
دیشب گل زلفش با باد همی گفتم
گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی
صد باد صبا اینجا با سلسله می رقصند
این است حریف ای دل تا باد نیمایی
یارب به که بتوان گفت این نکته که در عالم
رخساره به کسی ننمود آن شاهد هر جایی
ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست
شمشاد خرامان کن تا باغ پیارایی

در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم

لطف آنچه تواند شبی حکم آنچه تو فرمایی

فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست

کفر است درین مذهب خودبینی و خود رایی

ذین دایره مینا خونین جگرم می ده

تا حل کنم این مشکل در این ساغر مینایی

حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد

شادیت مبارک بادای عاشق شیدایی^۱

کشتی امید

از دیده را فروغ و دلّم را صفا، بیا
خاک ره تو چشم مرا توتیا، بیا
مگذار بی نصیب ز دیدار خود مرا
عمری است دیده چشم به راهت بیا، بیا
یعقوب وار دیده به راهند مردمان
ای یوسف عزیز به مصدر بقا، بیا
نذر تو کرده‌اند دل و دیده، نور خویش
آورده‌اند آینه‌ها رونما، بیا
بی تاییم گسسته عنان، کرده همچون موج
ای کشتی امید مرا ناخدا، بیا
بیمار انتظار و محروم از وصال
ای درد اشتیاق جهان را دوا، بیا
نومید از اشتیاق مسازم مرا مرا
عمرم ز انتظار سر آمد بیا، بیا
شوقم زیاده گشت ز قرب جوار تو
یاری نما مرا به سوی خویش یا، بیا



صدبار پیش رفته ام از خود به یاد تو

یاری نعا مرا به سوی خویش یا، بیا

صدبار پیش رفته ام از خود به یاد تو

از لطف کن تو یک نفسی یاد ما بیا

نزدیکتر ز من به من و دوری از نظر

ای روشن از فروغ رخت دیده ها، بیا



گلبن مراد

بیا که نوبت دیدار ما رسید، بیا

در انتظار تو شد دیده ام سپید، بیا

به بوی شوق توای گلبن مراد، دلم

چو غنچه پیرهن صبر را دریده، بیا

به یاد حُسن توای آفتاب جان تا صبح

دو چشم منتظر من نیارمید، بیا

به جای اشک ندامت که شرم دارم از آن

مراز چشم گنهکار خون چکید، بیا

نه من به ساز تو امروز شورها دارم

که جانم از ازل این نغمه می شنید، بیا

امید برق نگاه تو کشت «وجدی» را

شتاب کن به رهای مایه امید، بیا

جلوۀ بهار

بیا که بی تو ندارم دگر قرار، بیا

بیا که جان به لب آمد، ز انتظار، بیا

بیا که هجر تو از پا مرا فکند ای دوست

بیا که بی تو به من گشته کار، زار، بیا

دلم شکسته و جان خسته خواستی، اکنون

گذشته کار من و دل دگر ز کار، بیا

خزان هجر تو تاراج گلشن جان کرد

خدای را دمی ای جلوۀ بهار، بیا

به من وصال تو را، آسمان نمی خواهد

به کوری فلک و چشم روزگار، بیا

بس است محنت دوری، خدای را زین بیش

مرا به حسرت و حرمان مکن دچار، بیا

بیا و بود و نبود مرا بسوز، ولی

به من بلای جدایی رو مدار، بیا



به حرف مدعیان، از برم کناره مکن

اگر به باد رود خاک من، پس از عمری

بیا چو شاهد اقبال درکنار، بیا

هنوز جان به تو باشد امیدوار، بیا

سپرد جان و دم مرگ می سرود «ارفع»

بیا که بی تو ندارم دگر قرار، بیا

پور عسکری

ای کشتی نجات ستمدیدگان، بیا
وی ساحل امید و بیم بیکران، بیا
دارم امید، تا که زیارت کنم تو را
ای پور عسکری، به فدای تو جان، بیا
تا کی نهان به ابر بود، ماه روی تو
از امر کردگار، نما رخ عیان، بیا
چون هادی هدایت خلق جهانی تویی
ای هادی هدایت خلق جهان، بیا
هر مستمند خسته دلی، که اوفتد ز پای
گوید از شوق، ای شه کون و مکان، بیا
در باغ حسن، بی گل رویت بهار نیست
گشته بهار زندگی ماخزان، بیا
ای جان فدای نیم نگاهت ز راه لطف
یک دم به چشم «حافظی» خسته جان، بیا

مونس جان

یاسمن چهره بیاراست، بیا
شور در گل کده بر پاست، بیا
ای دواى همه علست ها
دیده از عشق تو بیناست، بیا
همدمی نیست به گلخانه جان
یباد تو همدم دلهاست، بیا
چشم در راه توای مونس جان
خلق، دل خسته دنیاست، بیا
پا به راه تو نهادیم و ز شوق
سر به کف عاشق شیدا است بیا
ای چراغ شب تنهایی دل
بی تو هر شب، شب یلداست بیا

گفتگوی فراق

عمری به آرزوی وصال تو سوختیم
با یاد آفتاب جمال تو، سوختیم
ما را اگر چه چشم تماشا نداده اند
ای غایب از نظر به خیال تو سوختیم
این شام هجرا کی سپری می شود؟ که ما
در آرزوی صبح وصال تو سوختیم
مارا چو مرغکان، هوس آب و دانه نیست
اما ز حسرت لب و خال تو سوختیم
چندی به گفتگوی فراق تو، ساختیم
عمری به آرزوی وصال تو سوختیم

اشک آتشین

از فراقت ای فروغ جان سرا پا سوختم
رفت از دستم عنان صبر و یکجا، سوختم
ای سرو جانم فدای لحظه دیدار تو
تا نهادم در مسیر عشق تو پا، سوختم
گرچه هر شب ز اختر اشکم فروغی دیده شد
لیک از هجر رخت ای ماه پیمنا، سوختم
منکه بودم گردخورشید رخت چون ذره ای
از شرار جلوه ات پروانه آسا، سوختم
تا زقطره قطره اشک دیده، دریا ساختم
در کف موج این بحر گهرزا، سوختم
سوخت مجنون در دیار لیلی و دردا، که من
در کویر تفته ای، تنهای تنهای سوختم
شمع، گر با سوختن، پروانه را تعلیم داد
از کلامش درس عشق آموختم، تا سوختم
ای امیر منتظر، در رهگذار انتظار
روز و شب در آتش هجران، سرا پا سوختم



ای‌نہان از دیدگان، گاهی نگاہی کن ز مهر
کز فراق رویت، ای ماه دل آرا سوختم
از هزاران بار، جان من فدایت، بین کہ من
تا کنم یک دم، جمالت را تماشا سوختم
بیت زیبایی ز «رنجی» آورم در این غزل
زانکہ همچون او، من افتاده از پا سوختم
سوختم، اما نبودم شمع سان یکجا مقیم
«چون چراغ کاروان، ہر شب بہ صد جا سوختم»^۱

«حافظی» زد آتش عشقش بہ جان من شرر
گاہ در پنهان و گاہی آشکارا سوختم^۲

(۱) وامی از مرحوم ہادی رنجی تہرانی

(۲) محسن حافظی



هجر یار

چشم از هجر یار، می‌گرید
همچو ابر بهاره، می‌گرید
در چمن همچو من، گل لاله
با دلی داغدار، می‌گرید
تا ز معشوق، می‌کند یاری
عاشق بی قرار، می‌گرید
دیده منتظر، به معبر نور
در ره انتظار، می‌گرید
صبح جمعه، ز شوق ندبه کنان
شیعه با حال زار، می‌گرید
از فراق تو، ای فروغ امید
دیده شبهای تار، می‌گرید
حافظی را رسیده بر لب، جان
کز غم هجر یار، می‌گرید



حکایتیں

خدا کند کہ بیایی

نوای نای نیشان، خدا کند کہ بیایی

ضمیر روشن باران، خدا کند کہ بیایی

طلوع قدر سپیدی، بلوغ سبز رهایی

معاد رویش انسان، خدا کند کہ بیایی

به انهدام سیاهی، به انهدام جهالت

سفیر ناشر قرآن، خدا کند کہ بیایی

نماز خالص عشقی، رجاء منتظرانسی

زالال چشمة ایمان، خدا کند کہ بیایی

تو شهر سبز صیامی، طلوع نظم سلامی

هلا تو رمز بهاران، خدا کند کہ بیایی

غبار رنج زمین را، فضای تلخ زمان را

سماط صبح تو درمان، خدا کند کہ بیایی



دام عشق

من به دام عشق تو، ای یار مه سیما اسیرم
کی شود بینم رخ زیبایت، ای مهر منیرم
دوست دارم زنده باشم تا بینم ماه رویت
ترسم آخر در فراق روی زیبایت، بمیرم
من غلام در گهت هستم به عالم، ای که هستی
هم تو سرور، هم تو مولا، هم تو آقا، هم امیرم
از ازل بسرشته‌اند، آب و گلم را با ولایت
مادرم با مهر تو، در دامن خود داده شیرم
من جوان هستم ولیکن، بسکه از هجرت غمینم
هر که، در هر جا مرا بیند، گمان دارد که پیرم

«حافظی» باشد غلامی از غلامانت که گوید

این غلامی هست شاه، افتخاری بی نظیرم^۱

نوای فراق

کسی چو من نبود زار و مبتلای فراق
ز چار سوی به من کرده رو بلای فراق
اگر شبی به کف من فتد زمام وصال
به انتقام دل خود دهم سزای فراق
همیشه طایر دل مضطرب بود زالم
چو مرغ روح کشد ناله با نوای فراق
به زیر بار غم هجر خم شده کمرم
ز بسکه رنج کشیدم ز ابتلای فراق
اگر مدد کندم اشک چشم خون پیالا
ز بیخ و بن بکنم از جهان بنای فراق
چگونه خون نقشانم ز دیده هر شب و روز
که سالهاست دچارم به غم برای فراق
حییب من چو طیبیان بیا به بالینم
که تا علاج کنی درد بی دوی فراق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ ابْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ
عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ
السَّاعَةِ وَ لِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَاعِداً وَ ناصِراً وَ دَلِيلاً وَ
عَيْناً حَتَّى تُسَكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا
طَوِيلاً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ